



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده روز یکشنبه (۲۴) دی ماه ۱۳۵۷ شمسی

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- تصویب صورت جلسه پنجشنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۵۷ شمسی (جلسه ۲۰۳)
- ۳- تقدیم سوال بوسیله آقایان: دکتر طهمورت فروزین و دکتر صدیق اسفندیاری (دوسوال)- دکتر عبدالسمیع لیوانی- مجتبی عالمی- دکتر محمد ستاری- دکتر فرزاد امیری- دکتر حسین طیب.
- ۴- تقدیم تذکر نامه بوسیله خانم ها و آقایان: عصمت مشائی- فرخ لقا بابان- مهندس پرویز ظفری- مهندس اردلان- زرگرزاده- دکتر فیروزآبادی- محمد دهقان نژاد- جعفر حیدری- رحیمی لاریجانی- ولی الله بیر- نصیری زاده- حیدر زادم اسحق کاهکش - دکتر سواد کوهی و ناصرالدین باقری- میرعرب رضی - محمدصادق
- فرمان- اشرف حریری- قاسم زادم- مجتبیائی- قرائتی- علی بهنیا (دو تذکر) غلامرضا غضنفری.
- ۵- قرائت متن استعفا آقای محمد رحیم شیخ الاسلام، بانه از نمایندگی مردم سقز و بانه در مجلس شورای ملی.
- ۶- قرائت ماده ۱۹۰ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی برای استحضار تماشاچیان جلسه علنی مجلس.
- ۷- بیانات آقای رئیس مجلس خطاب به دولت.
- ۸- بحث راجع به برنامه دولت آقای دکتر شاپور بهتیار بوسیله آقایان: دکتر جواد افتخاری- حسین قربانی- نسب- احمد دولتی- محمد حسین اسحق نژاد- محمد اسحق کاهکش- عنایت الله قائمی- مهندس حسن فرزندی- لطیف شیخ الاسلامی مریوانی- اشرف حریری .
- ۹- اعلام دستور و تعیین موقع جلسه آینده پایان جلسه.

جلسه ساعت نه و ده دقیقه صبح بریاست آقای دکتر جواد سعید تشکیل شد

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

رئیس- اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان : اخباری- دکتر ابوالهدی لنکرودی- اردلان- اسفندیاری- جهانشاه افشار- بارکزی باقرزادم- دکتر بزومند- بنی احمد- پیرزادم- پیشوائی-

دکتر تجدد- توتونچیان- کاظم جزایری- حجتی- خزیمه- دادفر- دکتر رئیس- رهبر- ساری اصلانی- ساگینیان- سعیدی- سلیمی- سیدکللال- سیفی- شریفی- شهبای- صحرانی- طباطبائی- ظفری- غلامرضا غضنفری- فلاح- مقدم- قوامی- کبیری- کیوان- لیتوانی- محمد خانلو- محمودیان- مظهری- منصوریان- ریاضی- مهرزاد- میرزالیو- میرلاشاری- مجتبی نوری- یزدی.

خانها: برومند آقایان- جهانبانی- داودی- زاهدی-  
ضرابی- کمالی آزاد -  
۲- تصویب صورت جلسه پنجشنبه ۳ آذرماه ۱۳۵۷  
شمسی (جلسه ۲۰۴)

رئیس- نسبت بصورت جلسه روز پنجشنبه ۳ آذرماه  
۱۳۵۷ نظری نیست؟ ( اظهاری نشد) صورت جلسه  
تصویب میشود.

۳- تقدیم سوال بوسیله آقایان: دکتر طهمورت  
فروزین و دکتر صدیق اسفندیاری (دو سوال)- دکتر  
عبدالسمیع لیوانی- مجتبی عالی- دکتر محمد ستاری- دکتر  
فرزان امیری - دکتر حسین طیبی.

رئیس- سوالات بدولت ابلاغ و در آخر صورتجلسه  
درج میشود.

۴- تقدیم تذکر نامه بوسیله خانها و آقایان:  
عصمت مشائی- فرخ لقا بابان- مهندس پرویز ظفری-  
مهندس اردلان- زرگرزاده- دکتر فیروزآبادی- محمد  
دهقان نژاد- جعفر حدیری- رحیمی لاریجانی- ولی الله پیر-  
نصیری زاده- حیدر زاده - اسحق کاهکش- دکتر سواد  
کوهی و ناصرالدین باقری - میرعرب رضی - محمدصادق  
فرمان- اشرف حریری- قاسم زاده- مجتبیائی- قرائی- علی  
بهینا (دو تذکر) غلامرضا غضنفری.

رئیس- تذکرات بدولت ابلاغ میشود.

۵- قرائت متن استعفای آقای محمد رحیم شیخ الاسلامی  
بانه از نمایندگی مردم سقزو بانه در مجلس شورای ملی.  
رئیس- استعفای آقای محمد رحیم شیخ الاسلامی  
بانه از نمایندگی مجلس قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

احتراماً بطوریکه استحضار دارند اینجانب در  
خلال سه سال و چندماه شغل نمایندگی تاجائیکه مقدر  
بوده است بوظیفه مقدس خود اقدام نموده و از هیچگونه  
کوشش در راه پیشرفت و اجرای برنامه های عمرانی  
کوتهای نگردم در اوضاع جاریه کشور که ملت ایران  
بمنظور احقاق حق قانونی و علیه فساد و فاسدین قیام  
نموده اند مردم شهرستانهای سقزو بانه که همواره از  
پاسداران راستین و از مرزداران رشید و غیر کشورزوده  
و هستند همگام با ملت ایران همبستگی خود را اعلام نمودند.

با کمال تأسف در روز دوشنبه چهارم دیماه ۱۳۵۷  
در شهرستان سقزو که مردم تظاهرات آرامی انجام میدادند

مأمورین بروی آنها تیراندازی نموده و در نتیجه دو زن و  
یک پسر جوان کشته و عده ای زخمی میشوند که دولت  
تا این تاریخ در تعقیب مسببین حادثه اقدامی ننموده است.  
روز شنبه شانزدهم دیماه ۱۳۵۷ در شهرستان مرزی  
بانه مأمورین ژاندارمری بروی مردم تیراندازی مینمایند  
که دو نفر کشته و عده ای مجروح شده اند که حال چند  
نفر آنها وخیم است. قابل توجه این است یکی از کشته  
شدگان (احمد احمدی) از سران عشایر مورد احترام مردم  
آن منطقه میباشد.

از شدت عمل و تجاوز مأمورین در این دو شهرستان از  
از طرفی خبر تشدید وضع و برخوردهای مجدد و در نتیجه  
کشته شدن عده ای دیگر از مردم بیگناه نتیجه عاید  
نمیشود و از طرف دیگر معتمد که دولت در این مورد نیز  
اقدامی در جهت تأمین رضایت و نظرات مردم و تعقیب  
عاملین وقایع خونین در این دو شهرستان انجام نمی دهد.

لذا بعنوان اعتراض به حوادث یاد شده و همدردی با  
مردم شریف شهرستان بانه و شهرستان سقزو که از روی  
ایمان و علاقه و اعتقاد اینجانب را بعنوان نماینده خود  
انتخاب نموده اند از شغل نمایندگی در مجلس شورای ملی  
مستعفی استدعا دارم دستور فرمایند با استناد ماده ۱۹۷  
آئین نامه داخلی در اولین جلسه علنی مجلس شورای ملی  
متن استعفانامه اینجانب را قرائت فرمایند.

با تقدیم احترام- نماینده مردم سقزو بانه در مجلس  
شورای ملی محمد رحیم شیخ الاسلامی بانه

۶- قرائت ماده ۱۹۰ آئین نامه داخلی مجلس  
شورای ملی برای استحضار تماشاچیان جلسه علنی مجلس.  
رئیس- از منشی ها خواهش میکنم ماده ۱۹۰ آئین نامه  
داخلی را قرائت فرمایند.

(شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۹۰- هر یک از تماشاچیان و مخبرین جراید  
که باعث اغتشاش یا اختلال نظم مجلس شود و یا نسبت  
برئیس یا نمایندگان مجلس و یا وزراء و معاونین و یا سایر  
افراد توهین و یا تهدید نماید با سر رئیس مجلس از تالار جلسه  
اخراج و توقیف میشود و در صورتی که عمل او مستوجب  
تعقیبات کیفری باشد ظرف ۲۴ ساعت بمراجع صالحه  
تسلیم خواهد شد.

۷- بیانات آقای رئیس مجلس خطاب به دولت.

رئیس- قبل از اینکه وارد در بحث برنامه دولت  
شویم بنده خواستم از فرصت استفاده کنم و اینجا در  
حضور رئیس محترم دولت و اعضاء دولت عرض کنم

۳- بر حق بودن اعتصابات کارکنان سازمانهای  
سرویس دهنده و عرضه کننده خدمات عمومی مورد اذعان  
قرار گرفته است.

۴- پیام انقلاب ملت ایران، برای تحصیل آزادیهای  
اساسی و حقوق بشری و تحصیل آسایش و رفاه و سر  
بلندی انسانی و برقراری دموکراسی واقعی بر مبنای  
عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اداری و قضائی  
و مالیاتی، به گوش جهانیان رسیده است. (صحیح است)

بر این مینا چون هر انقلاب اصیلی معلول علل موجهی  
است لذا برای پاسخگویی حقیقی به خواسته های مشروع  
و قانونی ملتی که برای بدست آوردن آن خواسته های  
مشروع و قانونی، قربانی داده است بایستی علل موجه  
انقلاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.  
بنا بر این وقتی:

۱- اصالت انقلاب ملت ایران را علیه استعمار، ظلم  
و جور، نساد و تباهی، فشار و تبعیض، اختناق و خفقان،

مورد دقت قرار میدهیم، نتیجه می گیریم که بایستی  
سیاست استعمار زدائی بکار بسته شود و تدبیری برای رفع  
ظلم و ستم و جبران خسارات ناشی از آن اتخاذ گردد و  
مبارزات واقعی با غارت بیت المال و فساد آغاز و در

مخاکمه و مجازات سریع فاسدین و تبهکاران، از هر درجه  
و مقامی که باشند و استرداد اموال حاصل از فساد و  
تبهکاری بنفع خزانه ملت که آثرا بتراجم برده اند اقدام  
مؤثر بعمل آید، و با هر نوع فشار و تبعیض و خفقان و  
اختناق که در کلیه شئون مملکتی ما، حتی در مجلس  
شورای ملی وجود داشته است مبارزه شود و آزادیهای حقیقی  
و حقوق انسانی بملت ایران اعطاء گردد.

گفتم حتی در مجلس شورای ملی، زیرا بیاد می آورم  
وضعی را که خود شاهد عینی آن بودم، بدین توضیح که  
در دومین اجلاس همین دوره قانونگذاری، چون وزیر  
پست و تلگراف و تلفن، در دولت آقای هویدا در مورد

تبدیل تلفن مغناطیسی میانه به تلفن خودکار، متوالیاً  
و عده های دروغین داده بود بدینجهت سئوالی از دولت  
نمودم که نه تنها معلوم شد پاسخخی که وزیر پست و  
تلگراف و تلفن اسبق داده بود، دروغ بوده است، زیرا  
تا این تاریخ موضوع سئوال مطروحه به نتیجه نرسیده

است، بلکه آن سئوال موجب شد تا تحت صور دیگری  
انتخابات هیئت رئیسه کمیسیون همکاری مجلسین در  
اجلاسهای سوم و چهارم، به شهادت صورت جلسات

که ارتش شاهنشاهی ایران مورد احترام همه مردم  
مملکت است (صحیح است)، ارتش ایران حافظ استقلال  
و تمامیت ارضی مملکت است (صحیح است) حفظ حدود  
و ثغور کشور است از آقای نخست وزیر میخواهیم و همانطور  
که این مطالب در مجلس بارها و بارها گفته شده است  
راه حلی پیدا کنند تا حتی المقدور و بطور قاطع از برخورد  
بین ارتش و مردم پرهیز کنند (صحیح است) مطلب دومی  
که میخواستم عرض کنم این است که آقای نخست  
وزیر در برنامه دولت شان به آزادی اندیشه و آزادی قلم  
و بیان اشاره فرمودند و اعتقاد راسخ خودشان را به این  
موضوع ابراز داشتند که اینک مطبوعات مملکت آزاد  
شدند بنده میخواستم از ایشان بخواهم ترتیبی داده شود به  
کیفیتی که مصلحت باشد در رفع ناراحتی از رادیو و  
تلویزیون تلاش بعمل آید تا انشاء الله آنها هم بتوانند  
در راه منافع مملکت و اشاعه افکار در جهت میهن عزیز  
سهمی داشته باشند و خدمت کنند (احسن است).

۸- بحث راجع به برنامه دولت آقای دکتر شاپور  
بختیار بوسیله آقایان: دکتر جواد الفخاری- حسین قربانی  
نسب- احمد دولتی- محمد حسین اسحق نژاد- محمد  
اسحق کاهکش- عنایت الله قائمی- مهندس حسن هرزندی  
لطیف شیخ الاسلامی مریوانی- اشرف حریری.

رئیس- بحث در برنامه دولت آقای دکتر شاپور  
بختیار را شروع میکنم آقای دکتر الفخاری بفرمائید.  
دکتر جواد الفخاری- بنام خداوند جان و خرد- کزین  
برتر اندیشه بر نگذرد

جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند در این لحظات  
حساس تاریخ کشور عزیزمان ایران، که جملگی بر نجات  
سریع میهن و جلوگیری از تجزیه آن، و نیز به استقلال وطن  
و به اتحاد و همبستگی ملی میاندیشم، من از پشت  
تربیون مجلس مقدس شورای ملی اعلام میکنم مابه ضرورت  
تاریخ، در این برهه از زمان، با حقایق انکارناپذیری  
روبرو هستیم که آن حقایق را چنین خلاصه میکنم:

۱- اصالت انقلاب ملت ایران علیه ظلم، فساد،  
استعمار، فشار و اختناق، خفقان و تبعیض، که از مجموع  
آنها بعنوان خطاها و اشتباهات گذشته اصطلاح شده، ثبت  
خصیصه استثنائی خود را در تاریخ متجلی ساخته است.  
(صحیح است)

۲- عظمت و ارج و منزلت و مقام والای روحانیت، و  
توجیه نفوذ و موقعیت رهبری و نقش عمیق جامعه  
روحانیت در پاسداری اسلام، بخصوص مذهب شیعه اثنی  
عشری، در کشور عزیزمان ایران، بصورت قاطعی جلوه گر شده است.



مذاکرات مجلس شورای ملی، مستندات موجود، رنگ انتصاب بخود بگیرد. بنابراین لازم میدانم هشدار دهم که: اگر در مقام فلسفه‌بانی از انقلاب اصیل ملت ایران، توجیهی بگونه غیر حقیقی آن بشود جز تشدید ناپاوری موجود نزد مردم نتیجه دیگری نخواهد داشت. (احسنت) معتقدم که رسالت نمایندگی ملت اقتضا میکند، تا نمایندگان مردم در مسائل مملکتی، دولت رارهنمون باشند، و بر این اعتقاد در دولت آقای مهندس شریف‌امامی نخست‌وزیر اسبق، برای بررسی علل ناراضی مردم، الگویی ارائه کردم و آن‌ها این بود که اعتقاد داشتم نمایندگان مردم، علاوه بر تحقیقات کلی در سطح کشور، و در باره علل ناراضی مردم، هر یک نیازهای منطقه‌ای حوزه انتخابیه خود را بررسی و علل ناراضی مردم را مشخصاً بدولت اعلام نمایند، تا با وصول این نظرات و اقدام به جمع‌بندی علل ناراضی در سراسر کشور، نسبت برقع آنها و تأمین خواسته‌های مردم اقدام نمایند. بدیجهت سلسله نامه‌هایی تحت عنوان «انعکاس خواسته‌های مردم میانه، و توجیه علل ناراضی» به حضورشان فرستادم که بچند مورد از آن اشاره میکنم:

الف- نامه شماره ۱۱۰۵۰ سیار ۱۳۵۷/۸/۲، موضوع ابلاغ تذکرنامه بر اساس قطعنامه بیست‌ماده‌ای فرهنگیان میانه.

ب- نامه شماره ۱۰۱۸ سیار ۱۳۵۷/۶/۲۸ دربار توجیه علل ناراضی مردم، ناشی از عدم تبدیل تلفن مغناطیسی میانه به تلفن خودکار.

پ- نامه شماره ۱۰۹۱ سیار ۱۳۵۷/۷/۱ دربار توجیه علل ناراضی مردم، ناشی از عدم تهیه و ابلاغ نقشه جامع شهر میانه.

ت- نامه شماره ۱۰۹۲ سیار ۱۳۵۷/۷/۱ دربار توجیه علل ناراضی مردم، ناشی از عدم تأسیس مرکز آموزشی دانشگاه آزاد ایران.

ث- نامه شماره ۱۰۹۳ سیار ۱۳۵۷/۷/۸ دربار توجیه علل ناراضی کارکنان دولت منبعث از عدم احداث خانه‌های سازمانی برای آنها.

ج- نامه شماره ۱۰۹۵ سیار ۱۳۵۷/۷/۱۲ دربار توجیه علل ناراضی مردم، بعلمت عدم رفع کمبود نان و آب.

چ- نامه شماره ۱۰۹۹ سیار ۱۳۵۷/۷/۱۶ دربار توجیه علل ناراضی مردم، بعلمت عدم تأمین بهداشت و درمان.

خ- نامه شماره ۱۰۰۲ سیار ۱۳۵۷/۷/۲۰ دربار

توجیه علل ناراضی مردم بعلمت عدم اقدام بساختن جاده‌های ارتباطی و تکمیل نکردن ساختمان جاده‌های در دست اقدام و عدم احداث راه‌های روستائی.

خ- نامه شماره ۱۱۰۴ سیار ۱۳۵۷/۸/۱ دربار توجیه علل ناراضی مردم، بعلمت عدم اقدام در تأسیس فاضلاب شهر میانه (آگوسازی).

ز- نامه شماره ۱۱۰۷ سیار ۱۳۵۷/۸/۵ موضوع تذکار علل ناراضی مردم، در باره عدم اجرای طرح تأسیس مرکز رادیویی برخلاف قانون مصوب عدم اقدام به احداث تأسیسات جهانگردی، عدم تأسیس ایستگاه تلوویزیونی کانال دوم که عمر کوتاه دولت ایشان مهلت نداد تا علل دیگر ناراضی مردم، ناشی از عدم اجرای خواسته‌های موجه آنان، بر غم امکانات موجود، و همچنین عدم توجه به اجرای طرح‌های عمرانی و اجتماعی در بخش ترکمان، از توابع شهرستان میانه، را احیث نداشتن آب آشامیدنی، نداشتن راه روستائی، نداشتن کادر درمانی و بهداشتی، نداشتن خط ارتباط تلفنی و غیره...، که موجب بروز ناراضی‌هایی شده است گوشزد نمایم.

در دولت پیشین نیز، قطعنامه دوم فرهنگیان میانه شامل یازده (۱۱) بند، موضوع نلگراف مورخ ۱۳۵۷/۹/۴ انعکاس یافت و بر اساس اعلامیه اخیر علماء اعلام شهرستان میانه، صادره در باره حوادث دلخراش روزهای چهارشنبه پنجم، و لیله شنبه هشتم محرم ۱۳۹۹، در موضوع حمله مسلحانه مامورین به هیئت عزاداران حسینی و مجروح و مصدوم نمودن مسلمین، و جلب شبانه دو نفر از روحانیون محل، مورد ضرب و شکنجه قرار دادن آنها، و همچنین کشته‌شدن دو نفر، تذکری به شماره ۱۱۲۲ سیار، جهت ابلاغ بدولت، ریاست محترم مجلس شورای ملی تقدیم داشتم، که در همه این جریانات ناراضی قشرهای مختلف ملت عزیزمان از ظلم و بیادگری، اختناق، خفقان، فشار و تهدید یا سلب آزادی از طرف دولتها و شیوع فساد و چپاول بیت‌المال و تضییع حقوق مردم، کشتارهای دسته جمعی، اعلام گردید ولی با کمال تأسف مورد توجه دولتها قرار نگرفت، در صورتیکه دولتی را میتوان در جامعه‌ای پایدار و موفق دید که برای رفع ناراضی‌های اجتماعی مردم، بپاخیزد. ولی آیا در ناصیه این دولت چنین امیدی را میتوان خواند؟

جناب آقای دکتر بختیار در باره خطاها و اشتباهات دولتهای سابق با تعبیری که در پیام مورخ یازدهم دیماه جاری جنابعالی بود آنچه در مقدمه برنامه خود با

جمله (... خطر کنونی که موجودیت و وحدت کشور را تهدید میکند، اگر بظاهر از درون و معلول فساد و عدم لیاقت دولتهای بیست و پنج ساله اخیر بوده...) تصریح فرموده‌اید مبدأ خطاها و اشتباهات از تکالیف دولتهای سابق رابه ۲۵ سال پیش عطف بمسابق کرده‌اید. در اینصورت با حفظ اهمیت چنین تفسیر و آثار عمیقی که در مهمترین پدیده‌های اجتماعی حادث از آن تاریخ به بعد، این چنین اظهار نظری بجای خواهد گذاشت حق بود مکتبی که بگفته خودتان، زندگی سیاسی خود را از سی سال پیش، در عهد آن آغاز کرده بوده‌اید، در اتخاذ خط مشی سیاسی، جنابعالی رانسیبت بخود و قادر تشخیص میداد، چرا که در مصاحبه خود با رادیو فرانسه که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۰ فرموده‌اید: (در مورد جبهه ملی معلوم نیست جای این تشکیلات سیاسی کجاست) و علاوه نموده‌اید: (این من بودم که سال پیش جبهه ملی را احیاء تازه کردم) و بدین ترتیب با اذعان بموجودیت فعلی جبهه ملی، که حیات تازه آنرا مدیون خود میدانید، اکنون با اخراج جنابعالی از جبهه ملی، و حزب ایران، بر اساس تصمیمات متخذه از طرف ارگانهای سیاسی مذکور، که بصورت اعلامیه درج‌راید منتشر شد روبرو هستیم، که نمی‌توان با تغییر جهت و بستر فکری ارگانهای سیاسی مذکور از چنان تصمیماتی، بعنوان انعطاف‌پذیری موجه رجال سیاسی راه کرد، زیرا اصولاً انعطاف‌پذیری موجه رجال سیاسی راه، موقتی ممکن است بدین‌سان توجیه نمود که، با وفاداری به آرمانهای مکتب سیاسی خود، در مقام دست‌یابی به راحل‌های موجه صورت گیرد، والا بدور از سنگر سیاسی خود، اعم از اینکه موجب آن، اخراج باشد، یا هر اقدام دیگر، ولو با استظهار بهمان آرمانها، بنظر میرسد بین تزلزل عقیدتی، در رهگذر بدست آوردن قدرت تلقی میشود، و با این توضیح، در واقع جنابعالی پایگاه خود را در مکتبی که خود را بزرگ شده در آن، با حیات مجدد دهنده آن، و مستظهر به آرمانهای آن، معرفی می‌فرمائید از دست داده‌اید. و از طرفی نفوذ شخصی ممکنه در نقطه‌ای از سرزمین پهناور ایران راهم، بفرض قبول، نمیتوان بمنزله داشتند پس پایگاه

در میان ملت ایران بشمار آورده. و ساعی جمیله‌جانمه روحانیت، برای به جریان انداختن مجدد نفت، در لوله‌های نفتی، میرود تا این نظریه را مدلل سازد. (احسنت)

۲- گفتم از جمله حقایق که در انقلاب اصیل ملت

ایران جلوه گرفته است عظمت و ارج و منزلت و مقام والای روحانیت، و توجیه نفوذ و موقعیت رهبری و نقش عمیق جامعه روحانیت، در پاسداری دین مبین اسلام در میهن عزیزمان میباشد. در کشور ما مذهب، در میان نهادهای اجتماعی، جایی بس بلند و برجسته دارد، زیرا از لحظه تولد هر ایرانی مسلمان، احکام اسلامی بر سر نوشت اجتماعی او حاکم، و او از مزایای حقوق اسلامی بر خوردار است: (احسنت)

نامگذاری او با تلقین نام جلاله الله، و پیغمبر خنی مرتبت، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، صورت میگیرد و یاریسیدن به سن بلوغ، موقع انجام فرایض دینی او فرا میرسد، از دواجش پس از ایجاب و قبول شرعی، طبق مقررات مذهبی برگزار، و در موقع مرگ، با گذاردن نماز میت، و تلقین مذهبی در گور، تشییع کنندگان جنازه، از او وداع میگویند.

بنا بر این دولتی در میان ملت مسلمان و متدین میتواند تشکیل یافته و موفق باشد که پایگاهی بین جامعه روحانیت داشته باشد. (صحیح است)

مسلم است برای ارج نهادن بمقام معنوی این جامعه، توجه به خواسته‌های آنان ضرورت حتی دارد، نه بوجود آوردن محیطی خفقان آور برای آنان، که جهت استحضار از نمونه فراهم آوردن چنین محیطی، به اعلامیه اخیر علماء اعلام شهرستان میانه، که فتوایی آن تقدیم شد تکیه میکنم.

تکیه میکنم. مگر جامعه روحانیت چه میخواهند؟ من به خواسته روحانیون حوزه انتخابیه خود، که بشرح اعلامیه مورخ ۱۳۵۷/۳/۹ برای اینجناب فرستاده‌ام، اشاره میکنم که فتوایی آنرا بموقع به کلیه مقامات مربوط مملکتی ارسال داشته‌ام

و هم‌اکنون نیز، نسخه‌ای از آنرا به مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی تقدیم میکنم.

اعلامیه این طبقه منور، چنین پایان می‌یافت:

( درخامه توفیق اجراء حق و قانون را از خداوند منان برای آنجناب مسئلت می‌نمائیم)

• روزنامه‌های منتشره در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۷، مصاحبه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید کاظم شریعتمداری مرجع عالیقدر شیعیان، دام عزته العالی، را منتشر کردند که بمعظمه فرموده‌اند:

(خواست دقیق ما این است که می‌گوئیم: آزادی



باشد، بیخود حسنی نکنند، بیخود شکنجه نکنند، بیخود محکوم نکنند، قوانین رایج خود برای مصلحت طبقه بخصوص جعل یا مسخ نکنند، در اجرای قوانین تبعیض و اعمال نفوذ نکنند، قوه اجرائی از قوای قضائیه و مقننه تفکیک شود، واصل تفکیک قوای ثلاثه محترم بماند.)

بنابراین باید دید برنامه دولت حاضر در آن قسمت، که بزبان ادبیات حقوق انسانی و اسلامی تنظیم شده است، پایه عواملی به حیثه اجراء درخواهد آمد؟

زیرا با عطف نظر به اینکه جامعه روحانیت نه تنها نسبت به پشتیبانی از دولت فعلی اعلامیه ای نداده اند بلکه در اعلامیه آیات عظام، مبنی بر اعلام روز دوشنبه هیجدهم دیماه جاری، بعنوان روز عزا، که دولت نیز آنرا تأیید، و در آنروز برنامه موسیقی را از برنامه های شبکه های سرتاسری رادیو تلویزیونی حذف نمود، و متن آنرا جهت ثبت در صورتجلسه، تقدیم مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی نموده و عیناً قرائت میکنم، عدم پشتیبانی خود را از دولت حاضر صریحاً اعلام فرموده اند.

(متن اعلامیه آیات عظام)

بسم الله الرحمن الرحيم. حوادث خونین و فجیع در شهرهای مقدس: مشهد، قم، کرمان، قزوین، کرمانشاه، اردبیل، نهاوند، آستانه اشرفیه، لاهیجان، آذرشهر، و بناب، و دیگر بلاد نشان داد که تصمیم نهائی و قطعی ملت مسلمان ایران، که طرد استعمار و پایان دادن به نظام فردی و دیکتاتوری و استقرار نظام عدل و حق اسلامی است، خلل ناپذیر است، و از مصائب و صحنه های خونین و بی سابقه ای که دشمن خون آشام وجود می آورد هراس نمیکنند و رشد و شعور اسلامی ملت، که در سایه آن علیه استبداد به قیام برخاسته، تحت الشعاع هیچ جنایت و خشونت قرار نخواهد گرفت و به حول و قوه الهی، با آگاهی تمام، آثار ازتجاج و جاهلیت های گوناگونی را که استعمار و استبداد دوری از مفاهیم عالی اسلامی بوجود آورده است، خواهد کرد و بدفع سانسور از مطبوعات و وعده انحلال ساواک و سازمان اوقاف قناعت نخواهد کرد و مبارزه را تا نیل به هدف و سقوط کامل دیکتاتوری و استبداد ادامه خواهد داد و نخواهد گذاشت خون های عزیزانی که ریخته شده و خسارت هایی که متحمل گردیده است به هدر رود. ما ضمن اینکه برای متکوین جنایات نظام جبار، طلب مغفرت می نمایم، و به بازماندگان نشان تسلیم

می دهیم و بعنوان همدردی با آنها روز دوشنبه نهم صفر ۱۳۹۹ مطابق ۱۸ دیماه ۱۳۵۷ را اعلام عزای نمائیم توجه عموم را به تذکرات ذیل جلب میکنیم:

همگان مواظبت کنند از اعمال شایدانی که به بهانه های گوناگون افراد را مورد تهدید قرار میدهند، جلوگیری نموده و نگذارند مسیر نهضت منحرف شود، امنیت خصوصی افراد فقط بدست مراجع ذیصلاح ملی میتواند مورد مؤاخذ قرار گیرد، نه افراد مجهول الهویه، و ناشناخته، و باید همه در محافظت هرچه که برای یک اجتماع سالم و نیرومند و مترقی اسلامی لازم است، کمال اهتمام را بنمایند. و برای اعتلای کلمه اسلام، و اجرای احکام قرآن مجید آماده شوند و برادری و تعاون اسلامی را بطور کامل انجام دهند و از گرانفروشی و اجحاف و احتکار جداً پرهیز نمایند و در کمک و اعانت مالی و غیره، به آسیب دیدگان و بازماندگان مقتولین، در پی نمایند. و از کمک به نظام ظالمانه، تاسقوط قطعی آن، تا آنجا که ممکن است خودداری نمایند. و متوجه باشند چنان نیست که استعمار بین المللی و دشمنان اسلام اکنون دست روی دست گذاشته باشند و از توطئه و تبانی منصرف شده باشند آنها همیشه نقشه های خود را علیه اسلام و مسلمین و استثمار دنبال میکنند، ما باید علی الدوام، آگاه و هوشیار باشیم و تمام راههای نفوذ آنها را ببندیم و به سلاح (اشداء علی الکفار رحماء بینهم) خود را مجهز نمائیم و السلام علی من اتبع الهدی، ۸ صفر ۹۹ مطابق ۱۷ دی ۵۷ محمدرضا الموسوی الکلایگانی سید کاظم شریعتمداری شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی باین کیفیت برای تحقق بخشیدن به بند ۱۲ از رؤس برنامه های فوری دولت، که عبارت است از:

۱) ایجاد یک زمینه نزدیک همکاری بین دولت و عالم روحانیت، بطوریکه آیات عظام ناظر بر اجرای درست امور باشند. چه تدبیری اندیشیده اید؟ چرا که موضع تکیه گاه دولت بر این محور مشخص نشده است.

۲- گتم از زمره حقایقی که در بستر انقلاب اصیل ملت ایران برای خود جا باز کرده است:

برحق بودن اعتصابات کارکنان سازمانهای سرویس دهنده و عرضه کننده خدمات عمومی است که مورد اذعان قرار گرفته است. حال که در ردیف یازده (۱۱) رؤس برنامه های فوری دولت تصریح شده است:

(پایان دادن به اعتصابات، با همکاری مراجع تقلید، روشنفکران صاحب رسالت، کارگران و صنعتگران)

آیا فکر می کنید موضوع اعتصابات رامیتوان فقط با توصیه نامه ها پایان داد؟ این از بدیهیات است که پایان یافتن اعتصابات مستلزم توجه دقیق و اصولی به خواسته های اعتصاب کنندگان است، که من با استناد به دو فقره تلگرامهای رسیده از فرهنگیان شهرستان میانه که تفرکی هردو آنها را برای باردوم بحضور ریاست محترم مجلس شورای ملی تقدیم میدارم و مربوط است به قطعنامه هایی که در جریان اعتصابات خودشان، صادر کرده اند، چنین عقیده دارم که یک مورد از خواسته های آنها را با ترتیب و ردیف مطالب برنامه دولت حاضر، تطبیق و مورد تجزیه و تحلیل قراردهم، تا از این مسیر ضابطه ای برای ارزشیابی برنامه دولت حاضر ارائه شده باشد

الفد یکی از خواسته های فرهنگیان میانه در بند ششم تلگرام مورخ ۱۳۵۷/۹/۴: (انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور: ساواک. و لغو دایره حفاظت در کلیه ادارات وزارت متبوعه) آنها میباشد و دولت نیز برای اینکه به حساسترین خواسته های مردم انگشت گذاشته باشد، در اولین بند رؤس برنامه های فوری دولت چنین آورده است: (۱- انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور و جایگزین نمودن آن با یک دستگاه اطلاعاتی در خدمت استقلال و امنیت کشور و ملت.) و آنوقت درست در آخرین بند همین قسمت از برنامه، یعنی در بند ۱۷، نوشته شده: (ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون)

پرواضح است که سازمان اطلاعات و امنیت از دو قسمت: (۱- قسمت اطلاعاتی، ۲- قسمت امنیتی) تشکیل شده است که دولت حاضر، در اولین بند رؤس برنامه های فوری، قسمت اطلاعاتی را باقی جمله (و جایگزین نمودن آن با یک دستگاه اطلاعاتی در خدمت استقلال و امنیت کشور و ملت.) حفظ میکند و درست در آخرین بند یعنی بند ۱۷ رؤس برنامه های فوری دولت (با) ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون) قسمت امنیتی آن سازمان را تجدید حیات می بخشد. این اقدام دولت درست بمنزله آن میزان صادق و حقیقت گو میباشد که در سرخدا به میهمان خود گفت: میهمان عزیز، برنجی را که باین خوبی بخته شده است میل نفرمائید و الا آنرا در پوشش های کوفته بادلسم، و بالاخره در قالب آتش به خورد شما خواهیم داد من از دولت حاضر میپرسم، منظور از: (ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون) چیست؟

زیرا آنچه مربوط به استقلال و امنیت کشور و ملت است، در قسمت دوم بند اول رؤس برنامه های فوری دولت آورده شده است، آیا منظور تجدید حیات واحد امنیتی سازمان اطلاعات و امنیت است؟ و در این مورد لایحه جدیدی بمجلسین خواهند داد؟ و آیا منظور ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قوانین موجود است؟ اگر منظور تجدید حیات واحد امنیتی سازمان اطلاعات و امنیت کشور است که این منظور با شاه بیت برنامه دولت یعنی انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور، تناقض پیدا میکند و اگر مقصود ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قوانین موجود است، باید ببینیم در این مورد، بکدام قوانین برخورد میکنیم؟ با یک نگاه بسابقه قانونگذاری قوانینی را که در چشم انداز خود میبینیم عبارتند از:

اول- لایحه قانونی راجع به امنیت اجتماعی مصوب بشماره ۱۳۵۴۴-۱۳۳۱/۸/۱- میباید از جمله خصایص این قانون آن بود که: اعتصاب کنندگان در وزارتخانه ها و ادارات دولتی و امثال آن و نیز در مؤسسات مربوط به خدمات عمومی از قبیل آب و برق و نان و پست و تلگراف و رادیو و بیمارستانها و داروخانه ها و راه آهن دولتی و وسائط نقلیه عمومی و امثالهم و نیز هر کسی را که کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی را و ادار باعتصاب و یا تحریک یا اخلال در نظم و آرامش و یا تمرد و عصیان نماید، مجرم محسوب میداشت. آیا منظور جناب آقای دکتر بختیار با توجه به آنچه که در مصاحبه با رادیو فرانسه در تاریخ ۲۰/۱/۵۷ فرمودند و در جراید روز ۲۱/۱/۵۷ هم انعکاس یافت و گفته اند: (من بخود اجازه میدهم افکار سیاسی خود را داشته باشم.) و علاوه فرموده اند: (در زمینه سیاسی از راه جبهه ملی و گذشته سیاسی ام منحرف نخواهم شد.) اینست که: با اعتصابات از مجرای راه حل های پیش بینی شده در لایحه قانونی که از آن یاد کردم میخواهند پایان دهند؟ (صحیح است)

دوم- لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی مصوب در تاریخ ۱۳۳۴/۵/۹ که بموجب آن کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بر ریاست فرماندار، مرکب از: رئیس دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مشتمل دادستان شهرستان، رئیس شهربانی، رئیس ژاندارمری بوجود آمد.

سوم- لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۲۲ و اصلاحاتی که در آن بموجب قوانین بعدی بعمل آمد. و از جمله این قوانین بعدی، تبصره ۲



بند ب ماده واحده قانون اصلاح قانون تشدید مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرز مصوب ۱۳۴۶/۸/۲۱ میلادی که مقرر می‌دارد: (نماینده نخست وزیری بز تعداد اعضاء کمیسیون امنیت اجتماعی موضوع ماده یک قانون حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۶ اضافه میشود.) که بموجب بخشنامه شماره ۲۱۳۸/۴-۱۳۴۷/۶/۱۳ نخست وزیری مقرر شده است: (از طرف نخست وزیری رؤسای ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور استانها و فرمانداریهای کل و شهرستانها که در کمیسیون امنیت اجتماعی شرکت مینمایند، نماینده نخست وزیری میباشد.) با این ترتیب کمیسیون امنیت اجتماعی از مقامات:

الف- فرماندار شهرستان \* رئیس کمیسیون. ب- رئیس ساواک (نماینده نخست وزیری)

ج- رئیس شهربانی. د- رئیس ژاندارمری ه- رئیس دادگاه شهرستان ز- دادستان شهرستان تشکیل میشود که در این کمیسیون، رأی مقامات قضائی (رئیس دادگاه شهرستان، دادستان شهرستان) بلحاظ اینکه اعضاء قلیل کمیسیون را تشکیل میدهند، در موافقیکه مخالف رأی سایر اعضاء کمیسیون که غالباً اتفاق نظر دارند، ابراز میشود، عملاً بلا اثر میماند. و در عمل قبل از اجرای اصلاحات ارضی، کشاورزانیکه بدفاع از حقوق خود برخاستند، بدسایس اربابان آرزوی علیه آنها پرونده در خور طرح در کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی تنظیم میشد. و بعد از اعلام اصول انقلاب نیز باز کشاورزان بیشتر آماج این بلا بودند زیرا، علیه کسانیکه بامورین جنگلبانی نتوانسته بودند بسازند، وباین علت اینان هم مراتع شخصی آنها را با سوء تعبیر ازملی شدن جنگلها، ملی اعلام کرده بودند.

باعلیه کشاورزانیکه بمقام دفاع از حقابه خود برمی آمدند باسوء تعبیر ازملی شدن آنها حقوق آنها تضییع میشد یا علیه شهروندانیکه ازحقوق تضییع شده خود دفاع نمیکردند وبابه قانون شکنیها و ایجاد خفقان اعتراض نمی نمودند، پرونده هائی درخور طرح در کمیسیون امنیت اجتماعی تنظیم میشد. من طی مقاله ای که در سمت مستشاری دادگاههای استان آذربایجان شرقی نوشته ام و در مجله قانون وکلای دادگستری آذربایجان منتشره در مردادماه ۱۳۴۹ تحت عنوان (کمیسیون امنیت اجتماعی) بجای رسیده است، باین بحث درباره (نظم اجتماعی) و (عدالت اجتماعی) آثار ضد اجتماعی این

قبیل قوانین را درمقدمه مورد تجزیه وتحلیل قرار داده ام. پس اگر منظور دولت حاضر در بند ۱۷ رئوس برنامه های فوری دولت از (ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون) همین قوانین است، در اینصورت برای این دولت درین جامعه قضات و وکلای دادگستری که بدلایلی از جمله آنچه که عرض کردم، خواهان انحلال دادگاهها و مراجع قضائی اختصاصی هستند، پایگاهی احساس نمی کنم و نیز بی اعتبار بودن ادعای دولت حاضر در پاراگراف دوم رئوس سیاست داخلی دولت تحت عنوان: (اعاده حیثیت قوه قضائی وتاسیس استقلال آن) بثبوت میرسد. زیرا، دیدیم که چگونه رأی مقامات قضائی با روشهای ضد اجتماعی موجود در این قبیل قوانین در اقلیت مانده و بلا اثر میشود.

بعلاوه در سابقه قانونگذاری تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور می بینیم که این سازمان بموجب قانون مربوط به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۳۵ بوجود آمده است که توجه ب فلسفه تشریح و روح این قانون و تدقیق در ریشه های آن بابررسی سیر تطور لایحه قانونی راجع بحفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۱/۸/۱ تازمان صدور بخشنامه شماره ۲۱۳۸/۴-۱۳۴۷/۶/۱۳ نخست وزیری که رؤسای ساواک را بنمایندگی نخست وزیری به کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی در سراسر کشور معرفی نموده اند، بروشنی نتیجه گرفته میشود که: خمیر مایه و نطفه تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور را در همان لایحه قانونی راجع به امنیت اجتماعی جستجوگر باشیم و براین تقدیر وتوجه به بیانات جناب آقای دکتر بختیار درمقدمه برنامه دولت خود که فرمودند: ( دولت اینجانب باصول اهداف جبهه ملی ایران همواره چشم دوخته و در راه تحقق آنها کوشش خواهد نمود.) در ارتباط با مندرجات قسمت دوم بند اول رئوس برنامه های فوری دولت مشعر بر (... جایگزین نمودن سازمان اطلاعات و امنیت کشور با یک دستگاه اطلاعاتی در خدمت استقلال و امنیت کشور و ملت) و بند ۱۷ همان برنامه در زمینه (ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون) نتیجه گیری میشود که ادعای انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور باقرار دادن این ادعا بعنوان شاه بیت برنامه دولت حاضر، بمثابة همان قضیه میزبان و مهمانی است که عرض کردم. والا رکن اطلاعاتی ارتش دلیر ایران همواره با مبارزه با مقدمات

برضد استقلال و امنیت کشور، حافظ استقلال و حاکمیت کشور و امنیت ملی بوده است و شهربانی و ژاندارمری هم مأموریت حفظ امنیت داخلی را به عهده داشته اند وتشکیل سازمانهای نظیر سازمان اطلاعات و امنیت کشور تا آنجا که کنجکاوئی را بداخل خانواده ها هم بکشاند، جز برای ایجاد فشار وخفقان و سلب آزادی وحقوق بشری و سانسور مطبوعات وبوجود آوردن اختناق نتیجه ای نداشته ونخواهد داشت.

در اینجا بااعتنای فرصت صمیمانه ترین احساسات خود را بملت آزاده ایران بمناسبت اینکه در این لحظات خطیره، درخت پربار آزادی مطبوعات ایران را با خون خود آبیاری نمودند، تقدیم میدارد. وبجامعه مطبوعات ایران نیز این موفقیت عظیم را از صمیم قلب تبریک عرض میکنم. (آزین)

بدین جهات ودلایل دیگری که عرض خواهم کرد، وقتی پیشهاد گروه اقلیت پارلمانی در موضوع اعطاء مأموریت از طرف مجلس شورای ملی بیک گروه نفری از نمایندگان برای انجام بررسیهای درباره تشکیل وترکیب دولت جدید، در جلسه خصوصی مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۳ مجلس شورای ملی مطرح شد من وعده دیگری از نمایندگان اکثریت بآن گروه همراه بودیم وتعدر لزوم تسریع در اعلام نظر را در آن جلسه بخاطر حساسیت لحظات تاریخی شخصاً موجه نمی دانستم، کما اینکه بمحض اعلام عدم تصویب پیشهاد مذکور و قبل از رأی گیری در مورد اظهار تمایل بدولت حاضر بشهادت ناظرین از گروه اقلیت قبل از اعضاء آن گروه جلسه خصوصی مجلس را ترک کردم. بنابر این مندرجات اعلامیه گروه اقلیت در باره مذاکرات جلسه خصوصی مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۳ مجلس شورای ملی که بدون رعایت اصل سی و چهارم قانون اساسی انتشار یافت و در آن آراء کلیه نمایندگان اکثریت مجلس را در مقابل آراء گروه اقلیت قرار داده اند با بصیرت و دقت و صحت تنظیم نشده است زیرا اکثریت در مجلس شورای ملی از چند گروه پارلمانی و منفردین تشکیل یافته اند که بچشم خود بدیلم چند نفر از اکثریت نیز موافقت خود را با پیشهاد اقلیت اعلام داشتند.

بدین ترتیب عدم ابراز رأی تمایل از طرف اینجانب در جلسه خصوصی مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۳ مجلس شورای ملی و یا اکنون که اعتقاد یافته ام بدولت حاضر رأی کیود بدهم، بنا بدلایلی است که بعرض ساخت مقدس مجلس شورای ملی میرسانم:

اول- نظر بر اینکه طبق اعلامیه های رسمی منتشره در جراید، رئیس دولت حاضر از ارگانهای سیاسی که خود را وابسته وبمستظهر به آرمانهای آن ارگانها معرفی نموده است، بوسیله آن آن ارگانهای سیاسی اخراج شده است. و چون از پیام مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۱ و بیانات صریح جناب آقای دکتر بختیار طی مصاحبه ها نیکه بعمل آورده اند، چنین مستفاد میشود که ایشان اعتقاد یافته اند:

هم سنگرانشان در ارگانهای سیاسی مذکور برای حفظ و جاهت ملی، با آینده نگری پیدایش یا گسترش پایگاه خود در میان مردم و با ستعانت واستعاره از اندیشه جامعه روحانیت، به مخالفت با رسیدن ایشان بقدرت برخاسته اند، لذا در نتیجه برای ایشان در بطن ارگانهای سیاسی مذکور یعنی جبهه ملی و حزب ایران، پایگاهی ظاهر نمیگردد.

دوم- با در نظر گرفتن اینکه جامعه روحانیت پشتیبانی خود را از دولت فعلی اعلام نکرده اند بدینجهت موضع تکیه گاه دولت حاضر در بین مردم مسلمان ایران متزلزل است بنحویکه قبل از گرفتن رأی اعتماد این دولت از مجلس شورای ملی، موج احساسات اعتراض آمیز مردم بتلاطم درآمده وشعارهائی علیه آقای دکتر بختیار بر سر زبانها جاری ویا در سر- کوچها وخیابانها بر درو دیوار نوشته شده است. در چنین صورتی باید روشن گردد: بابرز چنین روحیه در نزد مردم، ایندولت چگونه میخواید افکار عموم را بازسازی نموده وسوی خود منعطف سازد؟ که ایزاز کار ایشان برای پایان دادن به ناآرامیهای موجود نامعلوم است.

سوم- بنا باستدلالی که نمودم چون از نظر اینجانب، مستنبت از مصراحت بندهای ۱ و ۱۷ از رئوس برنامه های فوری دولت در ارتباط با مندرجات مقدمه برنامه مذکور و پیام ومصاحبه های رئیس دولت حاضر اینستکه: قسمت اول بند برنامه دولت بصورتیکه تجدید حیات سازمان امنیت را با اصلاحات وعناوین تازه ای دردورنمای خود جلوه گر میسازد، جنبه شعار و خصیصه تبلیغاتی دارد.

چهارم- بنا باستنتاجی که از بحث حقوقی مطرحه دارم، پشتیبانی حقوقدانان ایران، بخصوص جامعه قضات و وکلای روشن بین دادگستری را همراه این دولت احساس نمی کنم.



پنجم- نفوذ منطقه‌ای، بفرض ادعا یا بفرض صحت وجود آن، نمیتواند در سرزمین پهناور ایران بعنوان نقطه اتکاء در میان عشایر و قبایل و بالاخره نزد قاطبه ملت ایران بشمار آید، کمترینکه مساعی خداپسندانة جامعه منور روحانیت در زمینه پایان دادن ولو موقتی اعتصاب گروهی از کارکنان شرکت ملی نفت ایران در جنوب، مؤید این نظر است.

ششم- با عطف نظر باینکه طبق مندرجات مقدمه برنامه دولت، جناب آقای دکتر بختیار، بجز چشم دوختن باصول اهداف جبهه ملی ایران یعنی ارگان سیاسی که از آن اخراج شده‌اند، در مورد نگرش دیدهای سایر احزاب یا ارگانهای سیاسی کشور بسوی خویش، نه تنها دلیلی ارائه نفرموده‌اند بلکه مدعی آنهم نشده‌اند و علی‌الاصول بدون جلب تشریک مساعی و همکاری و همیاری نیروهای انسانی قشرهای مختلف اجتماع، امکان بخشیدن بوعده‌هاییکه برای تحقق آنها، سوگوگند یاد شده، متعسر و بلکه محال است.

هفتم- باتوجه به بیانات آقای دکتر بختیار در مورد تشکیل احزاب جدید یا تجدید حیات احزایی که در گذشته وجود داشته‌اند و سعی شده در قالبی عنوان شود که تا اندازه‌ای رعایت اصل ۲۱ متمم قانون اساسی را متبادر بذهن سازد، اگر فارغ از نکاتی که عرض کردم، چنین تصور رود که این دولت محور اتکای خود را در بستر فکری چنان ارگانهای سیاسی که هنوز تشکیل نشده‌اند، جستجو خواهد کرد، این تصویری است که غالباً بقضای سیاسی کنونی کشورمان بدور از تعقل سیاسی مینماید.

هشتم- عدم توفیق دولت حاضر بمعرفی اعضاء کابینه خود در دوست و چهارمین جلسه علنی مجلس شورای ملی که طبق دستور جلسه ایکه طبع و توزیع شده بود، ساعت ده صبح روز سه شنبه ۱۳۰۷/۱۰/۱۹ تعیین وقت گردیده بود، در ارتباط با استعفای وزیر جنگی که انتخاب شده بود و آنچه در جریان از قول امیر ارتشی چاپ و سپس تکذیب شد و مطالبی که ناظر بر این جریانات بوسیله آقای دکتر بختیار در مضامینها عنوان گردیدند اینک فقط برای ۱۲ وزارتخانه وزیر معرفی شده‌است، همه و همه مبین آن میتواند باشد که دولت حاضر از یکطرف درین رجال و شخصیتها ایکه میتوانند در بطنه سیاست مسئولیتهائی را قبول کنند، نتوانسته نفوذی داشته باشد

و از طرف دیگر حدود استحکام نقطه اتکاء این دولت را در ارتش درخور تأمل قرار میدهد.

نهم- توفیق دولتها علی‌الاصول بستگی بیابگاههای اجتماعی و ملی و برنامه و ترکیب اعضاء دارد باز در نگرش در برنامه دولت حاضر بالضرورة احساس میشود که برای اجرای واقعی آن بمعیطی صمیمی و آرام و هم سنگرانی معتقدو آگاه احتیاج است. ولی برای تأمین این نیاز سیاسی، عوامل اجرایی کافی و ابزار و وسیله لازم که بتواند اعتصابات برحق را مدبرانه پایان داده و در راستا معقولانه آرامش باتوجه به نهادهای واقعی اجتماع کنونی ایران عزیزمان موفق باشد، معرفی نشده‌اند.

بنا بر آنچه گفته شد با نگرش بمقدمه برنامه دولت جناب آقای دکتر بختیار که مرقوم داشته‌اند (دولت اینجانب نتیجه مسلم انقلابی است که ازدو سال پیش برای رفع تجاوزات مستمر و فجاج غیر قابل توصیف که در کشور متداول گردیده‌است، میباشد) چنین استنتاج میشود که اگر دولت حاضر نتیجه انقلاب هم باشد، زائیده انقلاب اصیل ملت ایران نیست. (صحیح است)

اما از بین مندرجات رئوس سیاست داخلی دولت در برنامه تقدیمی در پاراگراف هفتم آن تحت عنوان: (مبارزه بگیری با فساد چه در دستگاههای دولتی و چه در بخش خصوصی) آمده است، نقطه نظر هائی دارم که بطور منوگرافیک و از دیدگاه علمی وقتی موضوع بحث را آغاز میکنم و مثلاً پاراگرافهای ۵ و ۶ همین قسمت از برنامه دولت را نیز دربر میگردد و آن بحث در باره «مبارزه با فساد اداری» است که راه‌جازه آنرا در تدوین قانون استخدامی میدانم که بتواند عدالت استخدامی را تأمین کند زیرا نیک میدانیم که امور استخدامی در مملکت ما، همواره مسئله‌ای بوده بفرنج، و در عین حال ایکه از دیدگاههای مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و مملکتی تأثیر و تأثری داشته و برای چند صد هزار کارکنان دولت سرنوشت ساز بوده و در شئون مختلف جامعه ما از جهات عدیده آثار در خور توجهی داشته است، و با عنایت باینکه دولتها در هر حال ادعا نموده‌اند که میخواهند قدمی مؤثر در سروسامان دادن بامور استخدامی خود بردارند، و اگر قسمتهائی هم در این مورد برداشته اند همیشه بصورت داری مسکنی بحرکت در آمده، نه بعنوان داری معالج لذا بجای اینکه از این حیث دردی را دوا کنند، مشکلی

هم بر مشکلات استخدامی قبلی افزوده‌اند. بنحویکه روز بروز بر وخامت درد و بزرگ شدن تومور حادث از این جهت کمک شده است و چنین نموده که دولتها بجای اندیشه بحقیقت مسائل استخدامی آنرا بیشتر یک مسئله جنبی تلقی کرده‌اند.

مجلس شورای ملی در انتظار آن بود تا در اجرای قانون تمدید مهلت مقرر در ماده ۱۴۹ قانون استخدام کشوری که در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۲۱ بتصویب رسیده است و نیز در اجرای ماده واحده تمدید مهلت مقرر در ماده ۱۴۹ قانون مذکور مصوب ۱۳۵۳/۴/۲۴، لایحه نهائی استخدام کشوری از طرف دولت بقوه قانونگذاری تقدیم شود که متأسفانه این انتظار علیرغم وعده‌های متعدد دولتها، سالهاست که بیپایان نرسیده است. و آخرین وعده ایکه از طرف نماینده دولت در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۳ کمیسیون امور استخدام و سازمانهای اداری داده شده حکایت داشت که تا آخر دیماه سال جاری لایحه نهائی قانون استخدام کشوری به مجلس تقدیم میشود، امید است که انشاء الله چنین توفیقی نصیب دولت حاضر بشود.

نمایندگان محترم مجلس شورای ملی، هرج و مرج استخدامی از مقررات تصویبنامه‌ای سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ را بخوبی بخاطر دارید، که در هر حال، بادعاهای بیان دادن به نابسامانیهای استخدامی، چاره اندیشی هائی مورد نظر قرار گرفت، و طرحی تحت عنوان (پروژه ۷۸ طبقه بندی مشاغل دولتی ایران) تدوین شد.

من قبل از اینکه به تاریخچه این پروژه بپردازم بعلل وجهاتی که ضرورت تصویب چنین طرحی را ایجاب مینموده، اشاره میکنم و آن نابسامانیهای بود که در امور استخدامی در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ما بوجود آمده بود و اکنون نیز بکلی بر چیده نشده است، که بمواردی از آنها اشاره میکنم.

۱- اعمال خواسته‌ها و امیال و اغراض خصوصی و شخصی مبتنی بر وجود روابط بجای اجرای اصول و ضوابط.

۲- تصمصم گیری در اتاقای در بسته و یا در مهمانیها و مجالس خصوصی با کیفیت مخصوص بخود آن مجالس بجای اتکاء به نتیجه تحقیقات و بررسیهای واقعی.

۳- عدم توجه بسپردن کار بکارگران یا عبارت دیگر

انجام انتصابات و اعطاء ترفیعات بدون در نظر گرفتن لیاقت و شایستگی بلکه بر محور آشنائیهای خصوصی و بایستگی.

۴- دادن وعده‌های دروغ بلحاظ عدم توجه بامکانات مربوط بوظایف و مسئولیتهای خود و بخاطر حفظ پست و چند روز بیشتر تکیه زدن بر صندلی صدارت و وزارت و ریاست.

۵- شیوع رفیق بازی و پارتنری بازی و تحمیل مأمورین نا صالح بدستگاههای دولتی و در نتیجه مصون نماندن مردم از تعرضات این قبیل مأمورین ناصالحی که در رأس واحدهای سازمانهای دولتی گمارده شده‌اند.

۶- اعمال تبعیض از جنبه‌های مختلف استخدامی و خاصه خرجی و پارگیری در سازمانهای دولتی. بمنظور تشکیل باند برای استفاده از آن در مقاصد و زمینه‌های مختلف مانند حفظ موقعیت افراد باند در دستگاه دولتی یا استفاده از آنها در جریانات سیاسی روز و انتخابات و غیره.

۷- دیوانسالاری و زور گوئی مردم در اثر سوء استفاده از اختیار ایکه بموجب قانون برای خدمت مردم بمتصدیان امور دولتی تفویض شده است. وجه بسادرواه اعمال ایده‌نولوژیهای مورد اعتقاد شخصی برخی از مسئولین در جریان تهییج افکار و احساسات مردم در جهت مخالف مصالح ملی، بکار رفته.

۸- اجرای غیر صحیح وظایف قانونی که منتهی به زدوبند برخی- از مأمورین دولتی با متصدیان بخشهای خصوصی شده است، بقصد سوء استفاده و لو با ارتکاب تقلب نسبت بقوانین و مقررات مانند قوانین مالیاتی، شهرداری، نظام صنفی، مقررات گمرکی و نظایر آن که دیده شده عنوان میشود اجرای غیر صحیح این قبیل قوانین جعلی منبعت از حس خود کامگی بوده است.

۹- اشاعه رشاء و ارتشاء و اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی و دولتی.

۱۰- فقد قدرت تصمصم گیری از طرف مصادر مأموریکه انتصابات آنها بدون توجه بشرایط احراز مشاغل صورت گرفته، در مسائل فوری و ضروری، و امروز و فردا کردنها برای انجام امور مردم، در نتیجه فراهم نمودن موجبات سرگردانی افراد ملت و بازداشتن آنها از کار روزانه معاشی حتی بخاطر انجام امور ساده اداری.

۱۱- اشکال تراشیهای اداری با سوء تعبیر از قوانین یا استناد بدستور العملهای غیر اصولی بقصد طی طریق



انحرافی در ارتباط با مردم.

۱۲- بی تفاوت بودن در انجام وظایف قانونی و مسائل حوزه مأموریت و سرسری گرفتن آنچه در اطراف محیط کار مصادرامور میگردد. اختصار روش تکلیف در انجام وظایفی که بعهدہ دارند و اتلاف وقت ملک و ملت با باری بهر جهت کردند. در نتیجه فراهم شدن موجبات سلب اعتماد مردم از مسئولین سازمانهای دولتی و احساس نوسیدی در قبال منفی بافیهای آنها.

۱۳- فراموش کردن وظایف اصلی که همانا در خدمت مردم در واحدهای سازمانهای دولتی بصورت وظایف شغلی بوجود آمده است تا در قبال دریافت حقوق ازیت المال انجام شود و بجای انجام چنین خدمتی بمردم، تفرغ و تخیل و تکبر فروختن مردم با اتکاء بقدرت قانونی مفوضه و بحساب نیاوردن مردمی که بیک ذره محبت نیازمندند.

۱۴ شیوع بوروکراسی (کاغذبازی) : مدیران دستگاههای اجرائی با وظیفه تراشیهایی نابجا و توسعه ناموزون دستگاه اداری، هموارت محدود کردن حدود فعالیت و ابتکارات فردی، اداره تحت تصدی خود را از صورت سازمان انجام دهنده صحیح و منطقی برنامه ها، بصورت یک سازمان بوروکرات (کاغذباز) و مداخله جو و مداخله گر در امور مردم تبدیل می نمایند.

۱۵- فقد مدیریت، تفویض پستهای مدیریت در سطح بالا رابه تحصیل کرده های خارج ویی تجربه که غالباً با مسائل ملی و میهنی بیگانه هستند، بجای گماردن مأمورین تحصیل کرده و تجربه دیده و آشنا بحقوق ملی و میهنی، سوء برخورد مدیران نالایق با مراجعین و یادرجعه مردم و بوجود آوردن حائل بین دستگاههای اجرائی و مردم، بدیده آمرنگریستن و توقع فرمانبرداری مردم از دستورات آنان همانند مأمورین زیر دستشان، بسته بودن درب اطاقهای مصادر امور بروی مردم، جانبداری بدون دلیل از زیردستان منتخب خویش در سلسله مراتب اداری و در قبال شکایات بحق مردم، در نتیجه سلب این اعتقاد از مردم که با مسئولین سازمانهای دولتی همدلی داشته باشند بلکه بیروازین تصور که آنها راهواره در مقابل خود بینند نه در کنار خود.

۱۶- لجاجت و عناد و دهن کجی بمردم و تعدد در اتخاذ روشهایی در جهت خلاف خواسته های مشروع آنان و تصور و خیال پردازی حکومت مقتدرانه بمردم از

این راهگذر، عبارت دیگر با افزون طلبی و رفاه جویی عاری از فرهنگ و اخلاق در سازمانهای دولتی، اداره سالاری بوجود آوردن و خود را برتر از تمام مردم دیدن و با خود را مستحق داشتن همه امتیازات نسبت بسایر انسانها دانستن، و بمقام خود نازیدن بدون اینکه منشاء خدمتی بوده باشند.

نمایندگان محترم مجلس شورای ملی

در قبال نابسامانیهای اداری و استخدامی که شمه ای از آنها رایا دآور شدم، بادعا پایان دادن بانها از یکطرف و بمنظور تحکیم اساس استخدام و ایجاد سازمانهای ثابت در وزارتخانه ها و شرکته و مؤسسات وابسته بدولت و تعیین انواع مشاغل سازمانی مورد نیاز واحدهای مذکور و مشخص نمودن درجه اهمیت و ارزش هر یک از مشاغل و بمقامات دولتی از طرف دیگر، شورای عالی تجدید نظر در قوانین استخدامی در طرح لایحه قانون استخدام کشوری که تهیه نمود (( طبقه بندی مشاغل دولتی )) را پیش بینی و در معرض اظهار نظر قرار داده بود که در مقام اظهار نظر نسبت بان، کارشناسان امور استخدامی اداره همکاری فنی ایران و آمریکا در تاریخ ۲۳ آبانماه ۱۳۳۳ مطابق با ۱۴ نوامبر ۱۹۵۴ نامه ای برتأیید لزوم امر طبقه بندی مشاغل دولتی متضمن پیشنهاداتی در دو مورد بعنوان وزیر دارائی وقت نوشتند ( بنظر میرسد صدور نامه بعنوان وزارت دارائی مبتنی براین عقیده بوده که برخی از متخصصین معتقدند که امر طبقه بندی مشاغل باید بعهدہ دستگاههای مالی مثل وزارت دارائی- سازمان برنامه و بودجه و نظایر آن گذاشته شود. مانند انگلستان. این عقیده از یکطرف بجهت ارتباط نزدیکی که بین طبقه بندی مشاغل و موضوع حقوق وجود دارد و از طرف دیگر بلحاظ اینکه حقوق کارکنان دولت یکی از اقلام مهم بودجه را تشکیل میدهد، تا حدی ممکنست طرفدار داشته باشد.)

اما دو مورد پیشنهاد معموله در این باره عبارت بود از :  
۱- برای انجام طبقه بندی مشاغل ( اقدام مهم ) شورای موقتی مرکب از سه نفر از شخصیتهای برجسته کشور زیر نظر وزارت دارائی تشکیل و سازمان مخصوصی مأمور اجرای این امر گردد.

۲- برای تریب و آماده ساختن غده ای از کارمندان که بتواند عهده دار انجام این وظیفه شونده کلاس کار

کارآموزی طبقه بندی مشاغل دولتی تشکیل و از وجود کارشناسان فنی مزبور برای مدت موقت از چهار تا ششماه استفاده و سپس اقدام طبقه بندی کلیه مشاغل کارمندان دولت طبق اصول و موازینی که فرا گرفته اند، بشوند.

وزیر دارائی وقت با این پیشنهاد جهت طرح در هیئت وزیران موافقت مینماید و مراتب در جلسه مورخ ۱۳۳۳/۸/۱۹ هیئت وزیران مطرح و در نتیجه تصویب نامه ای در شش بند شماره ۴/۲۵۵۳ مورخ ۱۳۳۳/۸/۲۰ بدین متن از هیئت وزیران صادر میشود:  
( هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۳۳/۸/۱۹ بنا بپیشنهاد وزارت دارائی بمنظور بررسی و اجرای طبقه بندی مشاغل و خدمات دولتی تصویب نمودند: هیئت موقتی تحت ریاست

۱- وزیر دارائی - ۲- وزیر کار - ۳- یکی از رؤسای شعب دیوان کشوری تشکیل گردد:

۱- تعیین حدود اختیارات در انجام مطالعه بعهدہ هیئت مزبور خواهد بود.

۲- هیئت مزبور اختیار دارد بکنفرم دیگر کل و بکنفرمعاون و از بین کارمندان دولت هفتاد و پنج (۷۵) نفر را که دارای تحصیلات عالی و اطلاعات لازم باشند، برای انجام کار طبقه بندی انتخاب نمایند.

۳- برای اجرای طرح فوق، هم از ارز یکصد هزار دلار از محل اعتبار صندوق مشترک توسعه فنی و اقتصادی ایران و آمریکا، تأمین و با نظارت هیئت موقتی طبقه بندی مشاغل پرداخته میشود.

۴- حقوق کارمندان مزبور کماکان از اعتبار وزارتخانه و اداره ای که دریافت میدارند تأدیه و فقط فوق العاده و کمک آنها از اعتباری که در اختیار هیئت است، پرداخت خواهد شد.

۵- هزینه های اداری از هر قبیل با تصویب هیئت مزبور از محل فوق قابل پرداخت خواهد بود.

۶- وزارت دارائی مأمور اجرای این تصویب نامه میباشد. با صدور این تصویب نامه، اولین هیئت مدیره سازمان

طبقه بندی مشاغل دولتی تشکیل و سازمانی تحت عنوان ( سازمان طبقه بندی مشاغل دولتی ) شروع بکار کرد که سیر تکاملی آن با تغییر نام سازمانی خود به ( سازمان خدمات کشوری ) وابسته به نخست وزیری ( و شورای عالی امور اداری کشور ) و بالاخره ( سازمان امور اداری و استخدامی کشور ) که یکی از سازمانهای وابسته بنخست وزیری است، در این مقام مورد بحث ما نیست، بلکه هدف از پیگیری

تهیه لایحه قانون استخدام کشوری بر مبنای طبقه بندی مشاغل دولتی، پایان دادن به نابسامانیهای اداری و استخدامی عنوان میشود که نمونه ای از نابسامانی مورد نظر را در بدو عرایض باستحضار. ساحت مقدس مجلس شورای ملی رساندم. و اگر ضوابط مربوط بطرح طبقه بندی مشاغل صحیحاً اجرا میشد امیدسیرفت که توفیقی در هدف پایان دادن بنا بابسامانیهای اداری و استخدامی بدست آید زیرا طرح طبقه بندی مشاغل دولتی با تجزیه و تحلیل مشاغل ( کارشکافی ) که نمودار تنظیم مشاغل تحت طبقات و دستجات معین بر حسب وظایف مرجوعه و مسئولیتهای مربوط و شرایطی که برای احراز هر شغل لازم میباشد، ضوابط اصولی را بدست میدهد که بمواردی از آن اشاره مینماید:

۱- ارائه اصطلاحات متحدالشکل شغلی و جلوگیری از دو باره کاری: چون کمیت اجزاء و کیفیت معنا و ماهیت والای وظایف و مسئولیتهای هر شغل در شرح طبقات مستند مستدل مشاغل صریحاً تعیین و مشخص میشود و بکار بردن عناوین طبقاتی معین، اصطلاحات متحدالشکلی برای مشاغل ایجاد میگردد که موجب تسهیلاتی در امور مربوط بکارگزینی، تشکیلات و سازمان، حسابداری و کنترل بودجه پرسنلی میشود و تجزیه و تحلیل آنها از لحاظ روال صحیح امور و مسائل اداری به سازمانها کمک می نماید، بدینجهت از دوباره کاری و بروز عدم هماهنگی در دستگاههای مختلف دولتی جلوگیری می نماید

۲- تأمین عدالت استخدامی- هدف کلی طبقه بندی مشاغل عبارت از این است که: با تعریف صحیح و تنظیم و طبقه بندی مرتب و سنجش عادلانه مشاغل عمومی، پایه و اساسی را بنیاد می نهد که بموجب آن باتمام کارکنان دولت بارعایت تساوی و عدالت رفتار شود.

زیرا این طرح معیار و مقیاس مطمئنی بدست می دهد تا مبنائی برای محاسبه فوری هزینه مشاغل از نظر مالی بشمار آید در نتیجه امر تهیه بودجه پرسنلی را سهل می نماید، بدین روال اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، افراد ملت و مؤدیان مالیاتی را مطمئن می کند که یک رابطه منطقی بین هزینه خدمت و خدمات انجام یافته وجود دارد. و مالیات پرداختی آنها صرف هزینه خدمات عمومی میشود. پایه بیان دیگر مالیاتهای پرداختی در مصرف خود بامور استخدامی بهتر نرفته و بمصرف واقعی خود میرسند. بعلاوه ضابطه ای بدست میدهد تا درباره ارزیابی مشاغلی که کیفیت مخصوص بخود دارند مانند



مشاغل قضائی، آموزشی، نظامی و نظایر آنها، با تعدیل (نظریه مقام) مورد استفاده واقع و بیکار گرفته شود.

۳- بهبود روشها- تهیه طرح طبقه بندی مشاغل در ارتباط با مجموعه کارها و تنظیم مشاغل، تحت صفات وابسته با تشخیص تشابهات و اختلافات مشاغل بوسیله کارشناسان طبقه بندی مشاغل براساس بررسی دقیق و تجزیه و تحلیل وظایف و مسئولیتها (کارشکافی) و شرایط احراز مشاغل از حیث صعوبت و دشواری آنها طبق شرح مدون طبقات مشاغلی که تهیه میشود و نیز تهیه طرح حقوق در ارتباط با میزان پرداختی بشاغلین هر یک از مشاغل و چگونگی احتساب آن در گروهها و پایه ها بر طبق ارزشیابی صحیح و دقیق مشاغل، متدها و یا عرضه نمیکند که بوسیله شاغلین مشاغل، بمنظور انجام خدمات سودمند یا تولید محصول بهتر با هزینه کمتر در زمینه توسعه فعالیت سازمانی بکار بسته میشود.

۴- بهبود شرایط کار- فراهم نمودن محیط کار مناسب و مساعد و تدارک لوازم کار از قبیل: تأمین نور و روشنایی محل کار، تهویه و تنظیم هوای آن بمناسبت فصول گرم و سرما، در اختیار قرار دادن وسایل و ابزار لازم کار، اتخاذ تدابیر ایمنی و حفاظتی در محیط کار سبب امنیت خاطر کارکنان بقصد انجام امور محوله توأم با دقت و صحت و بهره‌وری بیشتر میشود.

۵- استخدام کارکنان از طریق انجام مسابقه و آزمایش برای استخدام کارکنان به مشاغل دولتی آزمایشات و امتحانات ورودی انجام میشود. طبق روشهای منطقی، امتحانات بوسیله سازمان بی طرفی برای انتخاب مستعد ترین و شایسته ترین افراد از زن و مرد که نتیجه آن منع مدیر آن سازمانهای دولتی از استخدام اشخاصی که مورد نظر شخصی آنها بوده ولی غالباً فاقد شرایط احراز مشاغل بوده و کارآمد نبوده اند و از آنها بعنوان (عزیز کرده) و (نورچشی) اصطلاح میشود زیرا استخدام این قبیل افراد سربار نمودن آنها بسازمانهای دولتی و تحمیل آنان بر بودجه مملکتی تلقی و سبب فراهم شدن زمینه برای تورم کارمند در دستگاههای دولتی میشود.

۶- استخدام کارکنان سازمانهای دولتی بر اساس تعداد انواع مشاغل سازمانی مورد نیاز صورت میگیرد که نتیجه آن:

اولا- بوجود آوردن سازمان اداری بمقتضای - احتیاجات روز است.

ثانیاً- ترتیب تشکیلات واقعی چنین سازمانی و همچنین برآورد انواع مشاغل ضروری و حتی با احتساب

حداکثر بهره‌گیری از نیروی انسانی بر مبنای زمان کار و نقش وظایف و مسئولیت‌های مشاغل میباشد.

۷- صرف تبعیض چون اجرای اصول طبقه بندی مشاغل موجب میشود که بین ادارات کارگزینی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی با نظارت سازمان مرکزی مشکله که در حال حاضر این نقش را سازمان امور اداری و استخدامی کشور، می‌تواند باید ایفا نماید هماهنگی کامل استقرار باید در نتیجه بازرین رفتن مقررات و آئین‌نامه‌ها و تصویب نامه‌های گوناگون استخدامی و اتخاذ خط مشی اصولی واحد و یکسان در حالات مختلف استخدامی از بدو استخدام و کارآموزی و انتصاب و ترفیع و مأموریت و استفاده از مزایای متنوع شغلی باقتضای نوع وظیفه و مسئولیت، این نتیجه بدست می‌آید که جریان کارها عادی و صحیح صورت گرفته و اعتماد و اطمینان کارکنان دولت جلب شود. و با دلگرم ساختن آنان بکار از ایجاد دغدغه خاطر و دل‌سردی اجتناب شده و هر نوع اختلاف روش و تبعیض در امور استخدامی از بین برود و چونکه این رفع تبعیض شامل رفع تبعیض نژادی و مذهبی و فکری و سیاسی در مورد زن و مرد و در باره ساکنین مناطق سراسر کشور، در امور استخدامی گردد.

۸- سپردن کار بکارکنان مشاغل در رشته‌ها و دسته‌ها بکسانی سپرده میشود که ذوق و استعداد و تجارب و تمایل و توانائی و معلومات و لیاقت و شایستگی انجام آنها را داشته باشند. نتیجه این اقدام بهره‌وری بیشتر در کارها و انجام صحیح و دقیق و منظم آنها بوده و با جلوگیری از اعمال نفوذ در انتصابات و واگذاری مشاغل، رفع نارضایتی‌ها و بی‌عدالتیهای استخدامی تضمین میشود.

۹- اعطاء ترفیعات بر اساس لیاقت و شایستگی- چون در سیستم استخدامی بر مبنای طبقه بندی مشاغل، کلیه مشاغل واحدهای سازمانی، باعتبار صعوبت و دشواری وظایف و مسئولیت‌های آن ارزشیابی میشوند و بر این اساس، شرایط احراز هر یک از آن مشاغل مشخص و معین میگردد لذا، نیل بمشاغل و مقامات بالاتر در گروهها و پایه‌ها و دریافت ترفیعات مستلزم دارا بودن شرایط شغلی بالاتر مربوط میباشد، نه خوشایند شخصی منبعث از امیال و خواسته‌های خصوصی رؤسای مافوق شاغلین.

۱۰- فراهم شدن تسهیلات در امر مدیریت طبقه بندی مشاغل با عبارات صریح و روشن، وظایف و مسئولیت‌های هر شغل را معین و مشخص نموده و در نتیجه فعالیتها و کوششها در راه انجام وظیفه به سهولت آشکار و مورد قضاوت صحیح قرار میگردد. در نتیجه:

اولا- در امر تقسیم کار و اندازه‌گیری آن تسهیلاتی در

کار مدیریت فراهم میشود. ثانیاً- رابطه بین رئیس و مرئوس بصورت ساده و قابل حلی درآمده و اساس دوستی برای حسن تفاهم و همکاری بین آنها بوجود می‌آید و دیگر مبدانی برای جلب خوشایند مافوق با توسل به تملق و چاپلوسی باقی نمی‌ماند.

ثالثاً- با تعلیمات لازم درباره اطلاعات عمومی راجع بطبقه بندی مشاغل بمدیران و سرپرستان سازمانها امکان داده میشود که تغییرات مشاغل سازمانی خود را کشف نموده و بموقع لزوم اقدام بتجدید نظر در طبقه بندی آن مشاغل را بسازمان مجری طرح گزارش نمایند.

۱۱- تأمین هماهنگی در کارها- تعریف جامع مشاغل و توجیه دقیق جزئیات وظایف که بر طبق احتیاجات سازمان بوجود آمده باشند، سبب میشود که سلسله مسئولیت حوزه عمل و قلمرو کار، کاملاً مشخص و معین گشته و از اختلاف و بهم آمیختگی کارها و عملیات سازمانها، جلوگیری شود.

۱۲- فراهم شدن تسهیلاتی در امور کارگزینی- با توجه بتعریف طبقه بندی بطور کلی که عبارتست از تنظیم علمی و اصولی مشاغل در تحت طبقات یا دستجات معین، بر اساس عوامل مشترک و یا عوامل مشخصه آنها تا حدودیکه عقل و منطق بان حکم میکند و با التفات بعوامل طبقه بندی (یا عوامل تخصیص مشاغل طبقات) از قبیل: معلومات و تحصیلات و مهارت و تجارب لازم برای انجام کار، تصمیماتی که باید اتخاذ گردد، ماهیت، تنوع و وسعت کار، پیچیدگی و وضع کار هنگام اجاله آن بکارمند حدود اختیار در اخذ تصمیمات، تقدم قوه ابتکار لازم برای انجام کار، کنترل و نظارت دیگران، نتایج اقدامات و مسئولیت در برنامه کار، مسئولیت برای کارهای دیگران و نظایر آن. و با عنایت به هدف طبقه بندی مشاغل بطور اخص که عبارتست از تنظیم مشاغل متعدد تحت دستجات معین بر مبنای تشابهات و عدم تشابهات آنها و تقسیم مشاغل بطبقات و طبقات بسته‌های حرفه‌ای تا حدودیکه برای تسهیل استفاده و مراجعه لازم بنظر برسد.

طرح طبقه بندی مشاغل در انجام سایر امور کارگزینی مانند: تفویض مأموریتها، انجام انتصابات، گزینش لازم بر اساس استعدادها تسهیلات لازم فراهم مینماید.

۱۳- کاهش از تعداد تنوع جرف و مشاغل- طبقه بندی مشاغل از تنوع و کثرت حرف و مشاغل تا حدیکه قابل کنترل باشد، می‌کاهد. بطوریکه میتوان استخدام و بررسی شرایط مطلوبه و آزمایش و انتخاب کارکنان را

برای تمام طبقات یکی پس از دیگری بمرحله اجرا در آورد.

۱۴- ارائه وسیله کنترل انجام کار- تعیین وظایف و مسئولیتها و محتویات مشاغل (کارشکافی) با عباراتی صریح و روشن و انتظاری را که از یک شغل متصور است، امکان میدهد که کار و عملیات شخص شاغل و میزان خوب شدن کار را اندازه گیری کرد و از گسترش و توسعه غیر ضروری سازمان بنا بپیل و علاقه و اشتیاق مسئولین سازمان و بقصد مهم جلوه دادن کار و شغل خود و نیز از پست تراشی بقصد مرئوس پیدا کردن و یا هزینه تراشیهائی در این رهگذر از قبیل: لوکس نمودن غیر متعارف اتاق تک نفری با خرید ابزار و وسایل کار تزئیناتی غیر ضروری از بودجه دولت، جلوگیری نمود.

۱۵- آموزش ضمن خدمت- اطلاعات بالنسبه جامعی که در خصوص هر یک از مشاغل بدست آمده، امکان خواهد داد که تعلیمات و آموزش ضمن خدمت کارکنان را برای آگاهی از اطلاعات مذکور مبتنی نموده و برای هر شغل تست یا آموزش خاصی را پیش بینی نمود. آموزش ضمن خدمت، کارکنان دولتی را در کارهایی که بمعده گرفته اند راضی نگاهداشته و در اثر ایجاد امید پیشرفت با بالا بردن سطح معلومات تخصصی، اتحاد و یگانگی را در میان آنان بی ریزی و حس فداکاری و رسیدن بیک هدف و مقصود رانزد آنان توسعه داده و دولت را برای بوجود آوردن روحیه اجتماعی معاوضت و تعاون، یاری مینماید.

۱۶- قابلیت انعطاف و انطباق- طبقه بندی مشاغل با اوضاع و احوال متغیر، قابلیت انطباق شایان توجهی دارد و بعضی از قلمروهای اداری میدان عمل وسیعی را در دسترس مدیران امور گذاشته که مشاغل جدیدی بسته با حساس نیاز سازمانی، بوجود آورده یا آنها را باعتبار تغییر ماهیت شغل یا از بین رفتن مشاغل یا کهنه شدن شرح مشاغل با تحولات جدیدی که با گذشت زمان یا در اثر انحلال برخی از واحدهای سازمان یا ادغام آنها و یا ایجاد سازمانهای جدید در مشاغل بوجود می‌آید، تغییر دهند. با اتخاذ این روش موجبات استمرار و پیگیری اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و تجدید نظر لازم در آن تأمین میگردد و بررسی و مطالعه مشاغل و وظایف آنها، زود فوایل زمانی معین که از اهم مسائل است امکان میدهد. هرگاه ماهیت و نوع کار شخص طوری باشد که خصوصیات او بتواند اثری در آن بجای گذارد، شغل فقط در پیرامون همان شخص ممکن است بوجود آمده یا تغییر کند. ولی این موضوع غالباً در بعضی از خدمات تحت



تأثیر قاعده رقابت فرامیگیرد. قابلیت انعطاف و انطباق (نظریه شغل) را نباید با پست‌تراشی برحسب دلخواه مدیران برای اشخاص مورد نظرشان و تحمیل هزینه بر بودجه پرسنلی سازمان، یا حذف دلخواهانه مشاغل مورد نیاز بدست‌آویز صرفه‌جویی، اشتباه کرد. زیرا همانگونه که طرح طبقه‌بندی مشاغل، حذف عناوین شغلی زاید را ضروری می‌شمارد، ایجاد عناوین شغلی و پست‌تراشی را بنظر خاصه خرجی و یا حذف دلخواهانه مشاغل را بقصد تسویه حساب شخصی با شاغلین آنها، ممنوع میدارد.

اهمیت استمرار و پیگیری و تجدیدنظر در طرح طبقه‌بندی مشاغل را از اینجا می‌توان برد که عدم اقدام در این مورد (شاید بلحاظ صرفه‌جویی و سختگیری در تأمین مخارج لازم) موجب تضعیف روحیه کارمندان و تقلیل میزان تولید و عقب افتادن برنامه‌های عملیاتی و پرداخت حقوق کم زیاد برای کارهای ساده و بالعکس پرداخت حقوق کم برای کارهای پر مسئولیت (که بنوبه خود منجر بر روی کار آمدن مدیران و کارکنان نالایق میشود) بر مراتب ضررهای نامرئی بیشتری برای دولت ببار خواهد آورد و این وضع پیش نباید مگر در اثر اقدام بیک طبقه‌بندی ناقص و شتاب‌آمیز و غیر هماهنگ با وضع جاری.

۱۷- رعایت اصول تشویق و تنبیه - چون هدف طرح طبقه‌بندی مشاغل تأمین عدالت استخدامی در سازمانهای دولتی است و مقتضای آن اجرای اصول تشویق و تنبیه است تا خدمات کارکنان لایق و ساعی و فداکار مورد تقدردانی قرار گرفته و با دلگرم ساختن آنان بر میزان بهره‌وری کار و صحت انجام آن افزون گشته و با تنبیه کارکنان نالایق و بی تفاوت علاوه بر ایجاد حس تنبیه در سایر کارکنان، از ورود خسارات مادی از قبیل اتلاف وقت و سرمایه و ضررهای معنوی مانند تسری کم‌کاری بدیگران بموقع جلوگیری بعمل آید.

۱۸- فراهم نمودن رفاه کارکنان - بدیهی است برای اینکه در یک واحد سازمان یافته بر مبنای طرح طبقه‌بندی مشاغل کارکنان بتوانند با امنیت خاطر انجام وظیفه نمایند، ترفیه زندگی آنان بایستی مورد توجه خاص مدیران و مسئولین چنین سازمانی قرار گیرد در نتیجه: اقدام بتأمین بهداشت و درمان آنها بایمه کردن کلیه کارکنان و اعضاء خانواده آنان، تدارک مسکن اعم از خانه‌های سازمانی یا اعطاء وام برای خرید یا ساختمان خانه، کمک بامر ازدواج و تشکیل خانواده بر اساس تنظیم خانواده، کمک به تهیه وسایل مورد نیاز زندگی،

برقراری سهمیه خواربار و کمک جنسی، پیش بینی پارکینگ در محوطه محل کار برای متوقف ساختن اتومبیل، یا برقراری اتومبیل سرویس رفت و برگشت از محل کار، تأسیس ساختمان مهد کودک بضمیمه ساختمان محل کار، در مقام توجه بشخصیت فردی کارکنان در ارتباط با مشاغل اداری و سازمانی، ارج نهادن به حیثیت شغلی و موقعیت اجتماعی کارمندی که با رفتار انسانی و جامعه پسند خود چنین حیثیتی را بی‌ریزی نموده است کاملاً ضروری است.

۱۹- ایجاد مرجع رسیدگی بشکایات و اعتراضات و تخلفات اداری و امور استخدامی - پیش بینی تسهیلاتی برای رسیدگی بشکایات و اعتراضات حاصله از تخصیص طبقات و یا سایر جنبه‌های طبقه‌بندی مشاغل عنوان میشود اعم از اینکه این شکایات و اعتراضات از طرف خود سازمانها باشد و یا از طرف کارکنان آنها، ضرورت حتمی دارد. تهیه مقررات مربوط برسدگی بشکایات بلحاظ تسویه بجنبه‌های فنی موضوع از طرف سازمانیکه مسئول اجرای طرح طبقه بندی مشاغل میباشد، بعمل میآید. و در مقررات مذکور پیش‌بینی خواهد شد که هیچ سازمانی نتواند بدون اطلاع سازمان مجری طرح تغییرات عمده و اساسی در وظایف و مسئولیتهای مشاغل سازمانی خود بوجود آورند.

پیش بینی مرجع رسیدگی برای رسیدگی با اعتراضات و شکایات استخدامی در عین اینکه با اجرای صحیح اصول و مقررات استخدامی بر رعایت عدالت واقعی استخدامی کمک میکند تا اگر حتی از کارمندی تظلم شده باشد احقاق حق شود، در ضمن مشارکت و همکاری و تعاون کارکنان را در رفع نواقص از شرح تهیه شده از مشاغل جلب و با اشتراک مساعی آنان جنبه مردمی و دموکراتیک مقررات استخدامی و فراهم شدن زمینه مساعد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تأمین میگردد.

آنچه لازم بتذکر است اینست که طبق اصل هشتم و هشتم متمم قانون اساسی: (حکومت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمعکله تمیز راجع است) ظاهراً در قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ در مقام تأسیس هیئت‌های رسیدگی برای اینکه توجهی باین اصل شده باشد ریاست آنها را عملاً بمعهده یک نفر قاضی از قضات دیوانعالی کشور محول نموده‌اند تا از تراکم امور استخدامی در دیوان عالی کشور توجهاً با مسکانات پرسنل قضائی جلوگیری شده و جنبه‌های فنی مسئله در هیئت‌های پیش‌بینی شده با فراغت کامل مورد

تجزیه و تحلیل قرار گیرد. که چنین مینماید با لمرائه راه حل مذکور مقنن تصویب کننده قانون مذکور اصل هشتم و هشتم متمم قانون اساسی را در قلمرو اجرای عملی آن بتفسیر موسع قائل شده است.

۲۰- پذیرش سیستم عدم مرکزیت نسبی امور برای اجتناب از سیستم مرکزیت مطلق امور در پایتخت که موجب فردگرایی و دیوانسالاری و مایه اتلاف وقت و سرمایه ملت و سبب اعمال نفوذ صاحبمنصبان مرکزی دولت میشود و برای دستیابی بحکومت مردم بر مردم و استقرار نظام مردم سالاری با اتخاذ تدابیر لازم در زمینه هماهنگ ساختن سیاست رفتاری جامعه مبنی بر آموزش سیاسی و تخصصی تا مردم را در موضع اندیشه و عمل نشانند، سیستم عدم تمرکز نسبی امور اداری و استخدامی در قلمرو اجرای این سیاست در کلیه شئون جوامع همواره مورد توجه خیر اندیشان و مصلحین جوامع بشری است تا با هدف عمل (دوسویه): ۱- برنامه ریزی مردم ۲- اجرای آن بدست مجریان دولت.

کارهای مربوط بشهرستانها و بخشها و حتی روستاها با توجه باوضاع طبیعی و جغرافیائی و اقلیمی و اجتماعی و اقتصادی و عرف و عادات و سنن محلی و نوع احتیاجات منطقه‌ای در اسرع وقت ممکنه بدون اعمال نفوذ انجام گیرد و از مهاجرت مردم آن نواحی بسوی پایتخت و مراکز استانها که عواقب نامطلوبی از جهات عدیده اقتصادی و تولیدی و اجتماعی و سیاسی دارد جلوگیری شود. برای اجرای این سیستم:

اولاً- اختیارات متناسب با مسئولیت انجام برنامه‌های منظم و مرتب و هماهنگ همزمان با فراهم آوردن تسهیلات زندگی برای مردم شهرها و بخشها و روستاها بمسورین در مناطق مختلف کشور داده شود.

ثانیاً- اعتباراتی که باستانها حواله میشود باید طبق برنامه‌های محلی بمصرف اجرا برسد نه آنکه بهزینه برنامه‌های فوری و قالبی که معمولاً برای تمام کشور بدون در نظر گرفتن مقتضیات محلی تنظیم میشود، برسد.

ثالثاً- هدف از عدم تمرکز بر آنست که در امور نیست بلکه قصد اینست که کارها و برنامه‌ها بدون اتلاف وقت و سرمایه و بموقع بادر نظر گرفتن مشکلات و تنگناها و نیازهای منطقه‌ای و ترسیم خطوط اصلی تفکر خود کفائی از دیدگاههای مختلف در مناطق انجام و برنامه‌ها بدون دلیل معطل نمانده و وقت و نیروی انسانی و هزینه‌های ملی بمصرف واقعی خود برسد.

رابعاً- امکان دادن بمقامات تصمیم گیرنده در استانها و شهرستانها و بخشها با قدرت اجرایی خود را با جلب مشارکت مردم بر اساس طرز تفکر آنان و عندالامکان با تشکیل انجمنهای ملی با اختیارات قانونی لازم، بحیطه اجرا در آورند.

خامساً- چون موضوع عدم تمرکز در ارتباط مستقیم با مشارکت مردم است لذا بایستی اصل بر توانائی و صلاحیت و قدرت تصمیم گیری قرار داده شود و با قبول این اصل در انتخاب و انتصاب مدیران صالح و لایق اقدام گردد. مدیرانی قادر به بازشناسی محیط کار و اهمیت اختیارات خود و روحیه مردم حوزه مأموریت خود باشند تا بسوی رسم هائیکه در اصل روحیه اقتدارگرایانه و غیر آزاد منشانه را توسعه میدهند گرایش نیابند، بلکه شهامت و قدرت انجام کار واقعی را بدست آورند.

بالاخره، اجرای عدم تمرکز در امور استخدامی بکارگزینیهای سازمانهای دولتی در استانها و شهرستانها امکان خواهد داد تا با اجرای مقررات مربوط ساکنین سراسر کشور را بنیل بمشاغل عمومی در محل سکونت خودشان یاری دهند و از هرگونه تبعیض و نیز تحمیل هزینه‌های اضافی پرسنلی مربوط بنقل و انتقالات بیوجه کشور جلوگیری نموده و از ناراضیهای ناشی از این قبیل نقل و انتقالات که در بدو و خانه بدوشی کارکنان را فراهم میساخت بکاهد.

۲۱- پرداخت حقوق مساوی برای کارمساوی - نتیجه این اصل که موجب رعایت عدالت و رفع تبعیض است، جلوگیری از حاتم بخشی مقامات سطح بالا، از خزانه دولت، بمیل شخصی برای آن عده از شاغلین مشاغل مشابه میباشد که مورد نظر خاص آنان بوده‌اند و بالای جلوگیری از دلسردی کارکنان دیگر مشاغل مشابه میباشد.

۲۲- ایجاد معیار و مقیاس کار سنجی - سنجش شغل با تعیین ارزش کار بمنظور منطبق ساختن عنوان شغلی شاغل با وظائفی که عملاً بمعهده دارد و اجتناب از ردیف کردن سلسله عناوین گنگ و گمراه کننده شغلی در لیست حقوق که نتیجه آن غیر ممکن ساختن کنترل بالمره امور مالی است. و امکان اعمال اصول حسابداری متحدالشکل با بوجود آوردن اصطلاحات شغلی متحدالشکل بجای بکار بردن عناوینهای متضاد و غیر صریح. و نیز تطبیق میزان حقوق با توجه بماهیت واقعی کار نه عناوین شغلی و در نتیجه جلوگیری از سرپوش گذاشتن بر حقایق و فلج کردن و



بی اثر ساختن استخدام کشوری.

۲۳- تعیین منطقی میزان حقوق طبقه بندی مشاغل در مورد تعیین حقوق کارکنان دولت بنحو مؤثری از نفوذا و اعمال نظرهای شخصی و سیاسی جلوگیری میکند و از طریق ایجاد مراتب و درجات حقوقی مشترک جهت تمام طبقات مشاغل برای کنترل سطح حقوق و مقرریها یک معیار منطقی و عقلانی بدست میدهد.

۲۴- کنترل امور مالی- اعمال اصول جدید کنترل امور مالی بنحو متمرکز و اخذ نتیجه قطعی از آنها در زمینه های کنترل هزینه های پرسلی اقتضا دارد که مطالعه و تحقیقی در وظایف و مسئولیتهای مشاغل مختلف بعمل آمده و روش ارتباط و مراتب قدرت در بین آنها کشف و معلوم گردد. و با مطالعه و بررسی در جزئیات حرکات و طرز اجرای کار و زمانیکه برای انجام کار صرف میشود کارشکافی لازم بعمل آید و حدود شربخشی آنها در ارتباط با سرمایه گذاری لازم برای ایجاد سازمان از جهات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فکری روشن شود که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل چنین امکاناتی را بدست میدهد.

۲۵- تأمین رفاه و آینده کارکنان- از آنجا که برخورداری از شرایط آبرومندانة زندگی در مواقع بیماری و نقص اعضاء و پیری از حقوق مسلم انسانهاست و بازه صرف جوانی و فداکاری که کارکنان دولت در طول خدمت ابراز میدارند بایستی آتیه زندگی آنان تأمین شود تا بتوانند با امنیت خاطر و بدون دغدغه بخدمات صادقانه و صمیمانه خود در دستگاههای دولتی ادامه دهند، بدینجهت برقراری حقوق مرخصی و معذوریت برای ایام استراحت و بیماری و برقراری حقوق شهریه و بازنشستگی و وظیفه برای مواقع بروز حوادث و سوانح در حین انجام وظیفه و رسیدن بسن پیری و از کار افتادگی و تضمین زندگی همسر و فرزندان او برای بعد از مرگش، طبق شرایط قانونی موجه، ضرورت حتمی دارد.

۲۶- اجرای اصول استخدامی مفید در اعلامیه جهانی حقوق بشر- این اعلامیه که در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ ( ۱۳۲۷/۹/۱۹ ) بتصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و دولت ایران نیز آنرا تصدیق کرده است، اصول زیرین را در زمینه امور استخدامی از جمله حقوق انسانی بشمار آورده است:

بند ۲ ماده ۲۱- هر کس حق دارد با تساوی شرایط بمشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

ماده ۲۳- ۱- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

۲- همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

۳- هر کس که کار میکند بمرز منصفانه و رضایت بخشی ذیعق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

۴- هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

ماده ۲۴- هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص بمحدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخذ حقوق ذیعق میباشد.

و بالاخره اصل بیست و پنجم ناظر بتأمین حقوق ایام پیری و نظایر آنست.

در اینجا لازم بیادآوری است که دولتها همواره یکی از برنامه های خود را « مبارزه با فساد» اعلام داشته اند ولی یککاش یکقدمی هم در راه اجرای این برنامه برداشته بودند.

دولت آقای دکتر جمشید آموزگار در برنامه خود در جلسه مورخ ۲۷/۵/۲۰۳۶ ( ۱۳۵۶ ) بمجلس شورای ملی تقدیم داشت با الهام از ضوابط مورد ارائه قوانین استخدامی کشورهاییکه بر مبنای طبقه بندی مشاغل تدوین گردیده است آنچه را که در مورد (سیاست اداری) اعلام داشته بود بمستخرج از صورتجلسه شماره ۱۱۶- ۲۷/۵/۱۳۵۶ مذاکرات مجلس شورای ملی بازگو میکنم: سیاستهای اداری- سیاستهای دولت در زمینه اداری بر اصول زیر مبتنی خواهد بود:

۱- اجرای اصل انقلاب اداری از طریق: الف- جلوگیری از گسترش غیر لازم دستگاههای دولتی بعد بررسی در تشکیلات سازمانهای دولتی بمنظور بالا بردن کار آئی و بهره گیری صحیح از نیروی خلاق و سازنده کارکنان دولت.

ب- کم کردن مقررات و تشریفات دست و پا گیر و حل و فصل امور مراجعان در کمترین زمان.

ج- ارزشیابی کمی و کیفی کار کارکنان دولت با روشهای نوین بمنظور تشویق کارکنان وظیفه شناس و برقراری انضباط اداری

۲- اجرای دقیق اصل نوزدهم انقلاب

۳- اجرای اصل عدم تمرکز همراه با جلوگیری از تراکم امور در شهرهای بزرگ و تفویض اختیارات بیشتر همراه با خواستن مسئولیت در مراتب اداری و در سطوح مختلف تقسیمات کشوری و همچنین مشارکت دادن مردم، یوزه از طریق انجمنهای ملی، در امور مربوط بخود در اجرای سیاست، تجدید نظر لازم در روش توزیع منابع و ضوابط تنظیم بودجه بعمل خواهد آمد.

۴- تقویت و تجهیز و افزایش ظرفیت اجرایی شهرداریها از طریق آموزش و تقویت نیروی انسانی و کمک بتجهیز منابع ملی آنها تا رسیدن بعد خود کفائی بتحویکه بتوانند نیازهای مردم را بسرعت و درستی برآورند.

۵- برقراری هماهنگی لازم در تنظیم و اجرای مقررات و قوانین بتحویکه تکلیف مردم روشن باشد در اینمورد، از همفکری مردم در چار چوب حزب استفاده خواهد شد.

۶- تدوین و اجرای برنامه های خاص برای مبارزه با فساد بصورتهای گوناگون و رفع علل و موجبات آن.

۷- جلوگیری از تبعیض در تصمیمات دولتی.

۸- شناسائی و انتخاب مدیران شایسته و کارآمد با تفویض اختیار توأم با مسئولیت به آنان و احتراز از تراکم غیر معقول امور نزد مدیران از طریق انتقال اختیار و مسئولیت بسطوح پائین تر.

۹- ترویج احترام بوظیفه شناسی و حمایت از کارکنان با کفایت و خدمتگزار و توجه بمسائل و مشکلات کارکنان دولت.

ولی در عمل کدام قدمی برداشته شد؟ هیچ! آناتکه آگاهانه در استنباط خود از انقلاب اداری، با توسل بمباحث روانشناسی چنین استدلال میکنند که: «نظام اداری علی الامول ایزاری در خدمت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است که میبایستی بگردش منظم برنامه ها کمک کند ولی دیده شد که رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی ما باسارت نظام اداری در آمد، و طرحهاییکه برای رفاه ملت تنظیم شد در پیچ و خم مقررات اداری، قوانین و آداب و سننهای ضد و نقیض و میل و سلیقه مقامات اداری گرفتار گردید. و چون نظام اداری و فن اداره کردن، با انسان سروکار دارد و انسان از یکسو اسیر باورها و دانسته های خود میباشد که اغلب آنها را از گذشته کسب کرده و میخواهد برای امروز و فردا بکار بندد، و از دیگر سو، انسان اسیر تمایلات، خواستها،

دوست داشتنها، بیزاریها و سایر حالات روانی است. برای اینکه تأثیر این احوال شخصی و روانی بعداقل برسد، میباید در کادر اداری بمقیاس وسیعتر همه افراد ملت، دارای یک ایدئولوژی ملی باشند که برافکار، عقاید و احساسات آنها حاکم باشد و چنان در روح آنها نفوذ داشته باشد که برقرار تمام حالات روحی و شخصی قرار گیرد تا کارمندگامی بر ندارد جز اینکه بداند در جهت کمک بان ایدئولوژی ملی است.

ولی رسیدن باین مرحله مستلزم یک آموزش وسیع مؤثر ملی است تا افراد را با ایمان بارآورد. در اینصورت امکان دارد انقلاب اداری بصورت حقیقی آن تحقق یابد.

بخوبی توجه دارند که آموزش فضیلتها و تقوی سیاسی و رفتار صحیح اجتماعی در جوامع، میبایستی از خانواده که هسته و کانون اولیه هرجامعی را تشکیل میدهد، آغاز و بموازات پیشرفت دانش اکتسائی از محیط زندگی مستمراً ادامه یابد تا نایل به هدف افراد ملت بکمک به ایدئولوژی ملی توفیق حاصل آید. ولی وقتی بضرورت اوضاع و احوال زمان بایک اصل انقلابی مواجه هستیم، باید امکانات موجود در زمان و مکان، بیاری ارائه راحلهای علمی و عملی درجهتی بشتابد که ما را بکمال مطلوب برساند.

با تجزیه و تحلیلی که مستملاً از ضوابط مورد ارائه طرح طبقه بندی مشاغل بعمل آمد، روشن میگردد که منظور از طبقه بندی مشاغل تغییر نوع کار، یا محل خدمت کارکنان نیست یا احياناً کاسته شدن از حقوق آنها و یا تصفیه و یا اخراج آنها تحت عناوین و بهانه هایی از خدمت دولت نمی باشد. بلکه، بمنظور کسب اطلاعاتی است درباره وظایف و مسئولیتهای هر شغل تا مشاغل با اسلوب علمی طبقه بندی شده واصل پرداخت حقوق مساوی برای کار مساوی اجرا و از تبعیض و تبعیذاتی و آشفتگی در امور استخدامی و کارگزینی جلوگیری شود و یا سازماندهی بواحدهای تابعه وزارتخانه ها، براین مبنای کارها جریان صحیح خود را باز یابند.

بدین ترتیب جمع بندی ضوابط یاد شده بطور کلی بیانگر فلسفه طرح طبقه بندی مشاغل بصورت مبارزه با میکروپ هر نوع فساد در امور اداری و استخدامی است اعم از: سوء استفاده های مالی و رشوه خواری، لالابالگیری و اتلاف وقت، ناتوانی در تصمیم گیری، یا تصمیم گیری مغرضانه بی اعتنائی بمسائل و مشکلات، بی تفاوتی نسبت بخواسته های قانونی کارمندان و بیار آوردن موج اعتصابات و کم کاری، بی توجهی بدرخواستهای اصولی مردم و

بدرین ترتیب جمع بندی ضوابط یاد شده بطور کلی بیانگر فلسفه طرح طبقه بندی مشاغل بصورت مبارزه با میکروپ هر نوع فساد در امور اداری و استخدامی است اعم از: سوء استفاده های مالی و رشوه خواری، لالابالگیری و اتلاف وقت، ناتوانی در تصمیم گیری، یا تصمیم گیری مغرضانه بی اعتنائی بمسائل و مشکلات، بی تفاوتی نسبت بخواسته های قانونی کارمندان و بیار آوردن موج اعتصابات و کم کاری، بی توجهی بدرخواستهای اصولی مردم و

بدرین ترتیب جمع بندی ضوابط یاد شده بطور کلی بیانگر فلسفه طرح طبقه بندی مشاغل بصورت مبارزه با میکروپ هر نوع فساد در امور اداری و استخدامی است اعم از: سوء استفاده های مالی و رشوه خواری، لالابالگیری و اتلاف وقت، ناتوانی در تصمیم گیری، یا تصمیم گیری مغرضانه بی اعتنائی بمسائل و مشکلات، بی تفاوتی نسبت بخواسته های قانونی کارمندان و بیار آوردن موج اعتصابات و کم کاری، بی توجهی بدرخواستهای اصولی مردم و

بدرین ترتیب جمع بندی ضوابط یاد شده بطور کلی بیانگر فلسفه طرح طبقه بندی مشاغل بصورت مبارزه با میکروپ هر نوع فساد در امور اداری و استخدامی است اعم از: سوء استفاده های مالی و رشوه خواری، لالابالگیری و اتلاف وقت، ناتوانی در تصمیم گیری، یا تصمیم گیری مغرضانه بی اعتنائی بمسائل و مشکلات، بی تفاوتی نسبت بخواسته های قانونی کارمندان و بیار آوردن موج اعتصابات و کم کاری، بی توجهی بدرخواستهای اصولی مردم و

بدرین ترتیب جمع بندی ضوابط یاد شده بطور کلی بیانگر فلسفه طرح طبقه بندی مشاغل بصورت مبارزه با میکروپ هر نوع فساد در امور اداری و استخدامی است اعم از: سوء استفاده های مالی و رشوه خواری، لالابالگیری و اتلاف وقت، ناتوانی در تصمیم گیری، یا تصمیم گیری مغرضانه بی اعتنائی بمسائل و مشکلات، بی تفاوتی نسبت بخواسته های قانونی کارمندان و بیار آوردن موج اعتصابات و کم کاری، بی توجهی بدرخواستهای اصولی مردم و



دامن زدن بر آتش ناراضیها و نظایر آن که باتدقیق در فلسفه ( انقلاب اداری ) تبلور وتجلی اهداف آنرا در اجرای صحیح ودقیق قانون استخدام کشوری مبتنی بر طرح طبقه بندی مشاغل وتأثیر آن در سازمان بخشی وزارتخانه ها از حیث ارتباط بانیا زهای عمومی در می یابیم. اما متأسفانه، طبقه بندی مشاغل در قلمرو سیاست استخدامی ما، نهادی است که بر شد کافی نرسیده است و تدوین کنندگان قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ آگاهانه یا ناآگاهانه در منزلت ساختن ارکان رکنی این طرح، موادی را در آن قانون گنجانده اند که درست در جهت مخالف تأمین هدفهای آن و مغایر با مصالح ملی بوده است که بچند مورد از آن در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۳ کمیسیون استخدام و امور سازمانهای اداری مجلس شورایی ملی، طی پیشنهادی که با کمال تأسف مورد توجه قرار نگرفت، متذکر شدم و اینکه بیک مورد دیگر آن که تبصره ماده ۶ قانون مورد بحث است اشاره میکنم که بشرح آن: وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسسات موضوع بند (ت) ماده ۲ میتوانند تا تاریخ تصویب لایحه نهائی قانون استخدام کشوری با تأیید هیئتی، مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری خود را که حداقل بیست سال سابقه خدمت دارند، بازنشسته کنند، بمدت خدمت این قبیل مستخدمین فقط در احتساب حقوق بازنشستگی حداکثره سال بدون پرداخت کسور بازنشستگی افزوده میشود.

گنجانیدن مواد و تبصره هائی در قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ مانند تبصره ماده ۶ این قانون را از مسیر هدفهای اصلی و اساسی خود منحرف ساختن و وضعیتی بار آورد که چندین برابر بدتر از آتسفر موجود در زمان حکومت قانون استخدام مصوب جوزای ۱۳۰۱ بود. برای بی بردن باین حقیقت بچند مورد از نتایج اعمال سوء تبصره ماده ۶ آن قانون اشاره میکنم:

۱- نتیجه اجرای سوء تبصره مذکور خارج کردن نیروی انسانی متخصص در رشته های مختلف شغلی از دسترس سازمانهای دولتی و عرضه آنها در واقع به بازار آزاد بود که اثر آن استغناء بخش خصوصی از نیروی انسانی متخصص با حقوق مکنی و احساس کمبود از این حیث در دستگاههای اجرایی و ناراضی عده باقیمانده از کارمندان که با بازنشستگان شرایط مساوی داشتند، بلحاظ قلت حقوق در مقام مقایسه با پرداختیهای بخش خصوصی.

۲- پرداخت حقوق بازنشستگی بمأخذ ۳ سال خدمت در قبال ۲ سال خدمت انجام یافته آنهم بدون کسور بازنشستگی متعلق به ۱۰ سال امتیاز اعطائی، در صورتیکه اصولاً کسی مستحق حقی است که شرایط بدست آوردن آنرا دارا بوده باشد و برقراری حقوق بازنشستگی نیز از این قاعده مستثنی نیست و بایستی میزان حقوق بازنشستگی بمأخذ طول مدت خدمت محاسبه و تعیین و پرداخت شود. والا نتیجه این چنین بازنشستگی:

اولاً- موجب بدست آوردن در آمدی اضافی است که بازنشسته در واقع استحقاق دریافت آنرا برای سالهاییکه خدمت نکرده بوده نداشته است.

ثانیاً- تعمیل بار سنگینی بر پرداختیهای صندوق بازنشستگی است که دولت را مجبور خواهد ساخت تا کسری اعتبار از این حیث را در بودجه عمومی کشور پیش بینی و تأمین نماید.

۳- بازنشستگی که حالتی از حالات افتخار آمیز استخدامی است و علی الرسم بافتخار نیل بدان در غالب کشورها برای تجلیل از خدمات بازنشسته در دورانیکه مشغول بخدمت بوده مجلسی ترتیب داده میشود ولی بازنشستگی بر طبق تبصره ماده ۶ بصورتی تجلی یافته که گوئی وسیله تنبیه قرار داده شده است.

۴- بازنشستگی موضوع تبصره ماده ۶ ممکنست مبتنی بر محور ۲ نوع سیاست استخدامی باشد که بعنت مخدوش بودن هر دو مورد نمیتوان از آنها بعنوان (سیاست استخدامی) یاد کرد:

اول- آنکه اتخاذ این روش بمنظور جا باز کردن برای جوانان تحصیل کرده ولی بیکار باشد که تجربه نشان داده اگر این تدبیر برای چند صباحی زود گذر بعنوان داروی مسکن جلوه کند، دارای عواقب نا مطلوبی هم از جهت تعدید میباشد باز قبیل: بروز موج ناراضی این چنین بلزنشستگان در سنین میان سالی و گردش ناساعدا مور اقتصادی و مالی، ایجاد حس رفاہ جوئی در نسل جوان و بتسلسل بدآموزی نسل جوانتری که وارد محیط زندگی اجتماعی میشوند.

دوم- آنکه این روش برای طرد مستخدمین ناصالح از سازمانهای دولتی بزعم اجرا کنندگان تبصره ماده ۶ اتخاذ شده باشد. که در این مورد باید دید عمل استادی بچنین کامندانی چه عنوانی داشته است.

اگر آن اعمال عنوان اتهام آمیزی داشته و شامل قوانین جزائی از قبیل عناوین جرمی پیش بینی شده در قوانین مجازات متخلسین، مجازات مقدمین بر علیه امنیت

کشور، مناقبات اخلاق و نظایر آن میشده در آنصورت ماده ۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری تکلیف مقامات دولتی را معین نموده و رؤسای این قبیل کارمندان می بایستی با اعلام مراتب به مقامات قضائی مربوط، به تکلیف خود عمل میکردند، که نحوه رفتار با این قبیل کارمندان در صورت محکومیت یا برائت در قوانین موضوعه مملکتی، مصرح است.

اگر سوء شهرت استادی به چنین کارمندان، جنبه تخلفات اداری داشته، در آن صورت هم آئین نامه محاکمات اداری مستخدمین رسمی، تکلیف قضیه را روشن نموده است. و دیگر مجالی برای دست آویز قرار دادن بازنشستگی به قصد طرد کارمندی که ادعا شده به آنها استناداتی داده شده بوده، باقی نمی ماند و بلکه باز نشسته نمودن آنها بدست اویز تبصره ماده ۶، و به ادعای توجه استناداتی به آنها، به منزله پاداش دادن بخاطر عمل ناشایست تلقی خواهد شد.

۵- اعمال اغراض خصوصی، و تسویه حسابهای شخصی، با دست آویز قرار دادن تبصره ماده ۶، و بسوء استفاده از اختیارات، بصورت بروز بی مهری مقامات سطح بالای وزارتخانه ها، برای طرد کارکنان تجلی کرده است که مغضوب آن مقامات قرار گرفته بوده اند.

۶- بهم ریختن ضوابط استخدامی مترقی ترین روشهای متخذه، بر خلاف فلسفه تدوین قانون استخدام کشوری، مصوب ۱۳۴۵، که تا تاریخ تصویب آن میلیاردها ریال، صرف هزینه مطالعه و پژوهش از جهات عدیده، منجمله اعمال تبعیض در بازنشسته کردن کارکنان وزارتخانه ای که دارای شرایط همطرازی بوده اند، و به تمسک طرد کارمندان مغضوب متصدیان مقامات روز، و نگهداری کارکنان محبوب همان مقامات.

بعلاوه چون موضوع، عنوان بازنشستگی داشته، با این اقدام به ایجاد خفتان و مسدود کردن راههای شکایت، و اعتراض، و احقاق حق، برای کارکنان دولت و ایجاد موج ناراضی، دست زده اند.

۷- بر خلاف ضوابط موجود، ارائه طرح طبقه بندی مشاغل، انجام تغییرات عمده، در وظایف سازمانی واحدهای حفاظت وزارت خانه ها، که وظیفه اساسی آنها، اجرای طرح های حفاظتی و ایمنی مصوب سازمان اطلاعات و امنیت کشور، با آینده نگری سالم داری تاسیسات سازمانهای دولتی، و حفظ جان کارکنان آنها، در زمان جنگ و صلح در قبال حملات و خرابکاریها بوده، که گفته میشود با محول

نمودن وظیفه جنبی دیگری، تغییرات عمده در وظایف آنها داده شده است از جمله وظیفه تجسس در وضع خصوصی کارکنان وزارتخانه ها، و تقدیم گزارشات در مسیر مورد دلخواه مقامات مافوق، و بکار بستن این قبیل گزارشات، در سرنوشت کارمندان مغضوب، در لباس مبارزه با فساد، به عهده آن واحدها گذاشته شده است.

که دیدیم نتیجه این انحراف، و دست بازی به هدفهای اصولی طرح طبقه بندی مشاغل، آن بوده هست که غالب کارکنان اعتصاب کننده دولت، در جریان اعتصابات اخیر، از جمله خواسته های خود را، انحلال واحدهای حفاظت وزارتخانه ها اعلام کرده بودند.

نظر بمراتب، از آنجا که وجود مواد و تبصره هائی نظیر تبصره ماده ۶، قانون استخدام کشوری را از هدفهای اداری و استخدامی مبتنی بر حفظ حیثیت اجتماعی انسانها و گردش صحیح امور اقتصادی، منحرف ساخته، و جراحی این قبیل آپاندیسهای تقنینی ضروری است.

و چون خانواده های کارکنانی که، بدست آویز تبصره ماده ۶ باز نشسته شده اند، در مقام بیان ناراضی ها از بیدادگرهای وزرای اقدام کننده، بصورت کانونهای بیانگر ناراضی و مراکز تبلیغات ضد ستمی درآمده، و از بین بردن چنین کانونهای ناراضی و تبدیل آنها به کانونهای خوشبینی توجهاً به آنچه در مملکت میگذرد لازم میباشد لذا طرح اعاده این قبیل بازنشستگان، از طرف عده ای از نمایندگان مجلس شورایی ملی، تهیه و تقدیم شد، که مراحل رسیدگی و تصویب خود را، در کمیسیونهای استخدام، و امور سازمانهای اداری و اقتصاد دارائی مجلس شورای ملی گذرانده و در انتظار طرح، در جلسه علنی میباشد، که امید است اهمیت آن مورد توجه خاص قرار گیرد. در خاتمه متن تلگرافات فرهنگیان شهرستان میانه و اعلامیه علماء اعلام آن شهرستان را جهت استحضار نمایندگان محترم میخوانیم.

میانه تهران ش ۷۵ - ۴۲ - ۴۳ - ۱۳۵۷/۷/۳۰

جناب آقای شریف امامی نخست وزیر، رونوشت تهران وزیر آموزش و پرورش آقای گنجی - رونوشت وزیر کشور جناب آقای قره باغی - رونوشت تهران - مجلس شورایی ملی، جناب آقای دکتر افتخاری. رونوشت، مجلس شورایی ملی آقای سلیمانی مافرنگیان آموزش و پرورش منطقه میانه قطعه نامه بشرح زیر تهیه و پشتیبانی علنی و صریح خود را با قاطعیت و ایمان اعلام داشته و یکماه تمام از تاریخ ۱۳۵۷/۷/۳۰ لغایت ۱۳۵۷/۸/۳۰ تا حصول نتیجه قطعی با دادرسی متبوعه



مهلّت داده میشود و بعد از اتمام مدت مذکور و چنانچه این قطعنامه که متضمن و حرکت سریع در امور جاریه مملکتی میباشد بای توجیهی مقامات وزارتخانه روبرو گردد مجدداً عموم فرهنگیان با یکپارچگی و اتفاق نظر، در مداومت و استمرار اعتصاب خود از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید. امید است اداره متبوعه نیز در بازتاب این خواسته‌های مشروع، نهایت تلاش و فعالیت را نموده، تا اقتضای تاریخ مذکور نتیجه را امر با بلاغ فرماید.

- ۱- اجراء صحیح قانون اساسی و متمم آن واجراء خواسته‌های مراجع عالیقدر تقلید.
- ۲- لغو حکومت نظامی در شهرهای مختلف که موجب وحشت و اضطراب شده است.
- ۳- آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدی و معلمان و دانش آموزانیکه در وقایع اخیر دستگیر و زندانی شده‌اند.
- ۴- محاکمه و تعقیب عاملان کشتارهای فجیع و دلخراش شهرهای مختلف کشور.
- ۵- تشکیل فوری کانون مستقل جامعه معلمان.
- ۶- حذف بودجه اردوهای عمران ملی و صرف آن برای تأسیس و نوسازی مدارس کشور.
- ۷- انحلال فوری کمیته ملی یکپار با یسواد و تصمیم گیری صحیح در این مورد که تا بحال منشاء هیچ حرکت فرهنگی نبوده است.
- ۸- برکناری فوری فرماندار شهرستان میانه که تا بحال منشاء حرکت و خدمتی در سطح شهرستان نبوده و موجب نارضایتی عموم را فراهم آورده است.
- ۹- جلوگیری از هرگونه ینماگری در بیت‌المال و مصرف آن در موارد اصولی و منطقی و اختصاص بودجه تغذیه رایگان به پیشبرد مسائل آموزشی و نوسازی مدارس و تهیه ابزار کار برای معلم.
- ۱۰- تثبیت قیمتها و از بین بردن تورم سرسام‌آور در کشور.
- ۱۱- آزادی آقای محمد درخشش رئیس جامعه معلمان کشور و اعاده حیثیت نامبرده.
- ۱۲- تعیین سالگرد شهادت دکتر خانعلی بعنوان روز معلم.
- ۱۳- انحلال دایره حفاظت در کلیه ادارات آموزش و پرورش.
- ۱۴- پرداخت مسکن بمعلمان بر مبنای کارمندان شرکت نفت و رفع هرگونه تبعیضات ناروا در این زمینه.
- ۱۵- تسریع در پروژه ساختمان تلفن خود کار میانه که

چهار سال تمام است باعث بلا تکلیفی و سرگردانی و بالاخره موجب نارضایتی عموم میباشد.

- ۱۶- اجراء سریع طرح طبقه بندی مشاغل بمعلمان درباره کارکنانیکه در اداره آموزش و پرورش و واحدهای آموزشی خدمت میکنند و ضمانت اجرائی بخشنامه شماره ۱۸/۲۰۵۸۰/۲۷/۵/۱۳۵۷.
- ۱۷- دادن پاسخ لازم به خواسته‌های دانش آموزان که طی نامه با اداره آموزش و پرورش و واحدهای آموزشی تسلیم نموده‌اند.
- ۱۸- تسریع در تهیه کتابهای درسی و قرارداد آن بلافاصله در اختیار دانش آموزان کشور قبل از مهرماه هر سال.
- ۱۹- ایجاد کلاس برای آموزگاران که با مدارک سیکل استخدام شده‌اند تا مرحله راه یابی بدانشگاه.
- ۲۰- صدور دفترچه تدارکات تهیه خواربار و لوازم زندگی، چون دیگر سازمانهای دولتی.

جامعه فرهنگیان شهرستان میانه: مهدوی، مهداد، جلیلی، گروسی.

میانه تهران شماره ۸ ک. ۳۱ ت ۵۷/۹/۴

تهران نخست‌وزیری ارتشد از هاری  
رونوشت تیمسار سرلشکر قره‌باغی وزیر کشور  
رونوشت وزیر آموزش و پرورش محمدرضا عاملی تهرانی  
رونوشت آقای دکتر افتخاری نماینده محترم مجلس شورای ملی

رونوشت به آقایان معلمان  
رونوشت تبریز استاندار آذربایجان شرقی تیمسار شفقت  
رونوشت مدیر کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی آقای محسنی

رونوشت حضرت آیت‌الله العظمی آقای قاضی طباطبائی  
رونوشت قم حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای شریعتمداری

رونوشت حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای گلپایگانی  
رونوشت حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای مرعشی  
بنام خدا شماره ۲ قطعنامه فرهنگیان شهرستان میانه  
نظر بر اینکه کلیه موارد قید شده در قطعنامه مورخ ۲۰/۷/۵۷ فرهنگیان منطقه شهرستان میانه بجز یکی دو مورد صنفی از خواسته‌های صنفی مورد توجه قرار نگرفته است و در واقع شخصیت جامعه فرهنگیان و خواسته‌های مشروع قانونی آنان که در حقیقت متأثر از حرکت ملی و تمیحات همه گیر کرده و طبقات مختلف کشور میباشد با

بی تفاوتی دولت وقت قرار گرفته لذا تا حصول نتیجه قطعی و نهائی با همه مبارزان راستین ایران علی‌الخصوص فرهنگیان مجاهد آذربایجان شرقی در رهنه مراحل و شئون برای تأمین یکراه حل که براراده و توان ملت متکی باشد دست با اعتصاب هنگامی زده و بیخاطر تحقق هدفهای مقدس ملی و صنفی از هیچ کوشش انسانی فروگذار نخواهیم بود در نشست روز چهارشنبه مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۱ در سالن کوروش کبیر بر شرکت کلیه نمایندگان معلمان شهرستان میانه با اتفاق آراء تصمیمات زیر اتخاذ گردید.

- ۱- دفاع از خواسته‌های مراجع عالیقدر تشیع و بازگشت حضرت آیت‌الله العظمی خمینی.
- ۲- لغو دولت نظامی که بر روی گور اجساد خونین شهدای راه، حق و آزادی شکل گرفته است
- ۳- آزادی همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط
- ۴- برقراری دادگسالی جهت رسیدگی بجنایلت جرائم دژخیمان و فاسدانی که تا بحال از خون ملت تغذیه کرده‌اند
- ۵- اخراج کلیه مستشاران و سردمداران امپریالیسم مالی و لغو قراردادهای سری که متعجر به برقراری یک کاپیتالاسیون علنی گردیده است.
- ۶- انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور ساواک و لغو دایره حفاظت در کلیه ادارات و وزارت متبوعه
- ۷- آزادی رکن چهارم مشروطیت مطبوعات که با استقرار دولت نظامی لگد کوب شده است
- ۸- انحلال فوری کمیته ملی یکپار با یسودای و تصمیم گیری صحیح در این مورد.
- ۹- برکناری فوری فرماندار شهرستان میانه که تا بحال منشاء حرکت نبوده و موجبات نارضایتی عمومی را فراهم کرده است
- ۱۰- پشتیبانی از خواسته‌های کارگران و کارمندان شرکت ملی نفت.
- ۱۱- تعیین سالگرد شهادت دکتر خانعلی بعنوان روز معلم چنانچه مسئولین مملکت من باب خیرخواهی به ندای فرهنگیان منطقه میانه پاسخ مثبت دهند بخاطر جبران عقب ماندگیهای آموزشی اعلام همکاری می‌نمائیم و گر نه همه همصدا با هم مبارزین شرافتمند ایران از رفتن به کلاسهای درس خودداری خواهیم کرد.

جامعه فرهنگیان شهرستان میانه گروسی بشارت مهداد مهدوی جلیلی فرید

اعلامیه علماء شهرستان میانه در حوادث دلخراش با توجه به نهضت مقدس دینی و ملی مسلمانان ایران

بخطرات طرفداری از حریم اسلام و دفاع از استقلال و قطع ایادی اجانب از کشور و ملت و برهبری حضرات آیات غظام و مراجع تقلید.

بهمگان روشن شد باینکه در خلال این قیام سرنوشت ساز اسلامی جمعیت ایران مواجه با حکومت دیکتاتور و استبداد هستیاری دولتهای خیانتکار بویژه دولت نظامی آقای از هاری گردید و بطوریکه در برابر خواسته‌های مشروع و منطقی عده کثیری از مسلمین ایران راشهید و جمع زبانی راجروح و خانواده‌هایی بی سرپرست و انبوه بی شماری در حبس و تبعید و دارائیت هستی ملت بیغما و غارت و آتش کشیده شد و هر روز هم برخشونت و کشتار بی رحمانه ادامه میدهند.

وظیفه شرعی و ملی و بدستور مراجع عظیم الشان اهالی مجاهد شهرستان میانه و توابع آن با همبستگی کامل از اول نهضت تا باسروز بیباخته اهل بازار و کسبه با بستن دکاکین مکرر و کارگرو کارسند و کشاورز همه و همه با اعتصابات هنگامی خاصه اعتصابی متعدد آقایان برداران و خواهران فرهنگیان میانه در پیشروی علماً میانه با روح وحدت در جمع تظاهرات مذهبی و سازنده شرکت نموده و تا پیروزی نهائی یاری خداوند شرکت خواهند نمود.

و بجهت همین تظاهرات و اجتماعات مذهبی روزی نبود مگر اینکه مأمورین دولت بدون علت و دلیل جوانان غیور و متدین مارا کتک کاری و اذیت و یاروانه زندان نمایند.

تا اینکه روز چهارشنبه محرم سخت‌گیری و اختناق راهبه هیئت عزاداران حسینی در حال عبور از خیابان آیت‌الله خمینی با پرتاب گاز اشک‌آور و شلیک گلوله باز نمودند بطوریکه جمع زیادی مجروح و مصدوم و حال دو نفر از مجروحین شدیداً وخیم و به بیمارستان روانه و بستری شدند و بعد از ظهر هم در خیابان صاحب‌الزمان جوان متدین مورد اصابت گلوله قرار گرفت در بیمارستان بستری میباشد.

جالب اینکه بملت جلوه دادن عمل غیر انسانی و شنیع خود مأمورین خطا کار ناگزیر دست به آتش سوزی بانک صادرات زدند که قبلاً تخلیه نموده بودند و هكذا به شکستن شیشه‌های اماکن عمومی و خصوصی اقدام خوشبختانه بعموم اهالی آشکار شد که اینهمه خرابکاری و آشوبگری بسبب خودشان انجام گردیده است از همه مهمتر اینکه مسئولین امنیتی عده‌ای از مأمورین مزدور خود



را ساعت سه از نصف شب شنبه ۸ محرم بایک برنامه تنظیم شده و نفرت آسبز نخست روانه منزل حجت الاسلام آقای حاجی سید سجاد حججی - نمودم در چنین وقت هونانک بتعداد ۱ نفر مأمور چنان بیرحمانه و وحشیانه باشکستن پنجره و درب وارد اطاقی شدند که ۱ نفر از بچه ۱۸ ساله تا ۱۸ ساله در استراحت بودند و همگانرا به وحشت انداخته که در تاریخ جنایتکاران چنگیز و مغول همچنین جنایتی رخ نداده است. با دستگیری آقای حججی در بستن حساب و بستن چشم و شکستن سرو دهان و دست با لباس خواب و خونین بدون عمامه و قباوعیا و کفش در هوای سرد با ضرب و شتم بیرون کشیده بسوی پاسگاه زندانمری میانه برده و با یک ساعت توقف در اطاق سرد با اینوصف هر چه آب خوردنی درخواست نموده در دادن آب مضایقه نمودند سپس بمنزل حجت السلام والمسلمین آقای حاجی میرزا علی احمدی با همان کیفیت و حال روانه ایشانراهم در بستر خواب بی رحمانه و وقیحانه دستگیر و با بستن چشم و کتک کاری و شکستن استخوان پهلوکشان کشان بدون عمامه و عبا و کفش بیرون کشیده بطرف پاسگاه میانه رهسپار بعداً دو نفر معظم لها را با چشم بسته و دست بند زده از پشت سر سوار ماشین نفر بری سر بازی نموده بدون وسائل گرم کن در هوای سرد و شبانه بطرف تبریز حرکت داده که واقعاً باشنیدن و دیدن این قضیه دلخراش دل هر انسان بی رحم بلرزه و ناراحتی در پی آید مسبب و عاملین این عمل ننگین را بباد لعنت و نفرین قرار میدهند آری این است عدالت و ترقی که حکومت استبدادی و دولت های سابق و نظامی و عدمیداندند که ملت ایران را بدروازه تمدن بزرگ خواهند رسانید این است رفتار و عمل طرفداران حقوق بشر که اعلان شده هر کس از نظر مال و شرف و انسانیت و آزادی و آسایش دیکمال آرامش خواهد بود. این است قانونیکه حکومت دیکتاتوری و نخست وزیران گذشته و نظامی در پارلمان اعلان نمودند که قانون مشروطیت را مویمو اجرا خواهند کرد.

این است وعده دولت که میخواهد امنیت و آرامش را در کشور برقرار نماید در عوض جمعیت مسلمین را بفاک و خون و روانه بیمارستانها میکند این است حسن رفتار دولت نظامی با علماء اعلام که اظهار ارادت و علاقه مینمود.

در عوض نخست وزیران خائن و فاسدین و خیانتکاران کشور را در آسایش قرار داده و کوچکترین بی احترامی

را بایشان روا نمیدارد باری قاطبه اهالی و توابع میانه در تاسوعا و عاشوراء حسین با صفوف منظم و فشرده با جمعیت بیش از پنجاه هزار نفر مرد و زن با نظاهرات اولم و سلازنده حکومت استبدادی و دولت نظامی را محکوم.

و فراندم بسیار عالی به پشتیبانی از خواسته های مشروع و ملی مراجع عظام انجام دادند که در تاریخ این شهرستان بی نظیر باشد در پایان از عمل زشت و قبیح آمرین و مأمورین دولتی میانه ابراز تنفر و انزجار و محکوم نمودند جای شگاف عوض مجازات این جنایتکاران پاداش و ترفیع مقام هم داده شد دورد پروان پاک شهدای ایران بخواست پروردگار نهضت تایروزی ادامه دارد

از طرف جامعه روحانیت میانه

هادی نیری - ابومحمد حججی - علی کفانی - محمد علی احمدی - زین العابدین موسوی - محمد انصاری - فتح اسبقی - میرزا عباس احمدی - سید حسین عظیمی - قدرت اسکندری - علی رضوی - محمد عبداللہی - علی تقدیسی - احمد غیانی - سید ناصر حسینی - صادق منتظری - سید محمد حسینی - مفید فراهیه - همت علی نمازی - سید مجتبی حسینی - عوض بهتری - علی اکبر اشرفی - سید محمد شیخدر آبادی - حجت یاری - فیض الله شاهی - علی ایمانی - محی الدین شریفی - سید علی چاوشی

رئیس - آقای قربانی نسب بفرمائید.

حسین قربانی نسب - جناب آقای رئیس - خانمها و آقایان جناب آقای بختیار. منم مثل جنابعالی سوگند یاد میکنم که تصدم از مخالفت با دولت شما عوام فریبی و وجه العمله شدن و ویرای آینده خود رای دست و پا کردن نیست. چون در هیچ شرایطی در آینده کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی نخواهم بود.

و باتوجه باین مطلب باید صادقانه عرض کنم برنامه کار دولت جنابعالی مخلوطی از برنامه دولت آقای شریف امامی و دولت آقای ازهارى است.

بادر نظر گرفتن این حقیقت که آن دو دولت در ابتدای کار خود، کارگران شریف این مملکت را متمم به تن پروری و لایبالیگری نکرده بودند.

جناب نخست وزیر! لایبالیگری برای نداشتن مسکن؟ یا برای نداشتن بهداشت. لایبالیگری برای نداشتن آموزش؟ یا برای اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل صحیح. تن پروری برای نداشتن تأمین اخراج از کار؟ کارگری که حداقل دستمزدش بموجب تصویب شورای

کار نیست و یک تومان میباشد. کارگری که قریب دمسال باو قول داده اند که قانون کار بمجلس می آید تعطیلات و مرخصی کارگر و کارمند یکسان میشود کارگری که باو گفتند که در قانون تأمین اجتماعی تجدیدنظر میشود و بعد از سی سال پرداخت حق بیمه شما هم میتوانید بازنشسته شوید (صحیح است).

کارگرانی که در پانزده سال گذشته هر زمان که برای دفاع از حقوق مسلم خود ناگزیر با اعتصاب میشدند بلافاصله از طرف دولت اعتصاب آنها غیرقانونی، و تعدادی از کارگران روشنفکر آن کارگاه بعنوان خرابکار بدون پرداخت هیچگونه مزایائی اخراج میشدند (صحیح است).

کارگرانی که از دسترنج آنها میلیاردها تومان اندوختند و آنها که توانستند، پولهای خود را بخارج بردند و امروز هم که بایک مقدار رکود مواجه میشدند و بلافاصله کارگران را دسته جمعی اخراج می نمایند. و بعضی از کارفرماها از فرصت سوء استفاده کرده و در سه ماهه گذشته دهها هزار کارگر این مملکت را اخراج کردند.

و باتوجه به بیکاری که در این مملکت وجود دارد معلوم نیست که سرنوشت این کارگران و خانواده آنها در این فصل با کیست. و در کنار این بیکاری دهها هزار کارگر خارجی مجاز در این مملکت کار میکنند.

که دولت شما هیچ برنامه ای برای جایگزین کردن نیروی کار ایرانی بجای نیروی کار خارجی تدوین ننمودید. صرفاً باین نکته اکتفا کردید که بخدمت کارگران خارجی غیر مجاز خاتمه خواهید داد. جناب نخست وزیر. در برنامه دولت کترین اشاره ای برفاه کارگران، آزادی سندیکائی، و قانونی بود اعتصاب نکرده اید.

در عوض دو مطلب را عنوان نموده اید: ۱- مدعی شده اید که (شرافت کار و کارگری با تن پروری و لایبالیگری بازده این سرمایه واقعی ملت که کار است بتاراج برده).

۲- برنامه اقتصادی کشور در این امر قرار داده اید. که سالهای سال استعمار و جامعه فئودالیته بدولت ایران القاء کرده بود که تونه تاجر خوبی هستی. و نباتتگر خوبی خواهی شد. تو فقط مأمور حفظ و آرامش هستی. بقیه اش باتو نیست!

بدین ترتیب است که دولت سوسیال دمکرات شما میگوید. بجز صنایع ما در هیچ زمینه اقتصادی دولت

احساس مسئولیت بهمفهوم، راه انداختن، کار کردن، با سود رساندن نخواهد داشت.

جناب آقای بختیار. شما که دولت خود را صراحتاً نماینده انقلاب معرفی میکنید و ارادتش را هم به حضرت آیت الله العظمی خمینی، و به جبهه ملی در رأس آن به آقای دکتر سنجابی اعلام میکنید. که بنده حرفی نمی توانم داشته باشم. چون به جنابعالی ارادت قبلی نداشتم. اما اگر از جنابعالی بیوسم آیا این انقلاب در کدام فضای سیاسی سامان گرفته. حتماً معتقدید ملی است. و رهبری آنها با حضرات آیات اعظام و بعد جبهه ملی. و یا دیگر گروههای سیاسی این مملکت.

پس نماینده انقلاب. از طرف رهبری انقلاب کنار گذاشته شده است. و همکاری با دولت جنابعالی را هم تحریم کرده اند. جبهه ملی تحریم کرده است. و هر حزبی در هر جریانی که در ایران است. و خودش را سهم در رهبری انقلاب، یا دسته ای از انقلاب میدانند. دولت شما را تحریم کرده است. اما انقلاب را همه قبول کرده اند. در مملکت هیچ کسی نیست که انقلاب را قبول نداشته باشد. حتی دولت آقای ازهارى هم.

اینست فضای کلی مخالفت من با دولت جنابعالی. حال برای اینکه سخن کوتاه کنم. در اثبات همین اقدام که دولت جنابعالی سهمی از دولت آقای شریف امامی. و سهمی هم از دولت آقای ازهارى است. به برنامه دولت شما میپردازم تا بینم در این برنامه چه چیز از انقلاب دارید. و چه چیز از دولت آقای شریف امامی و آقای ازهارى.

جنابعالی در رأس برنامه خودتان. انحلال سازمان اطلاعات و امنیت را گنجانده اید. که اگر واقعی باشد بسیار عالی است. ولی متأسفانه فقط بتعویض نام آن اکتفا کرده اید. گفته اید غارتگران و تجاوزان بحقوق مردم بسرعت محاکمه میشوند. دو دولت گذشته هم گفته بودند و همین شدت و از اینهم شدیدتر. آزادی زندانیان سیاسی هم تکرار همان برنامه هاست. یک سری وعده هائی این دولت داده است که برای دلجوئی از خانواده هائی که فرزندان. بانان آورشان را از دست داده اند. و از این قبیل که اینها هم تماماً و بشیم این موارد. بعضی مورد ها قویتر، و بعضی ضعیفتر در برنامه دولت های گذشته وجود داشته است.

جنابعالی در مورد آزادی مطبوعات اقدام آقای شریف - امامی و در مورد رادیو و تلویزیون اقدام آقای ازهارى را



سرمشق خود قرار داده‌اید.

دولت شما درباره آزادی اجزای دربرنامه خود بطور صریح تأکیدی ندارد. امادر نطق رادیویی بدین مضمون اشاره‌ای کرده‌اید. کلیه احزاب سیاسی که غیرقانونی نیستند می‌توانند شروع فعالیت نمایند و دستجات متنوع بیشتر می‌توانند در صورتیکه وابستگی بخارج نداشته باشند پس از رسیدگی در زمره سایرین درآیند) وتشخیص این اماها یعنی قانونی بودن یا نبودن، وابسته بخارجی بودن یا نبودن، همان مسئله‌ای است، که تا با مرور مطابق میل دولتها صورت گرفته، یعنی قضاوت روی احزاب بجای اینکه توسط قوه قضائیه صورت بگیرد، توسط قوه مجریه صورت نگیرد، که این همان راهی است که بخفقان جبهه ملی و حزب ایران انجامید.

واما در مورد سیاست خارجی دولت شما. جنابعالی کلیاتی را عنوان کردید که کم‌ویش در برنامه دولتهای قلی هم‌عنوان شده بود. جناب آقای نخست‌وزیر، دولت آمریکا باترساندن ملت ایران از همسایگان خود باخودش اسلحه‌های فرسوده بقیمت گزاف. میلیاردها تومان ثروت این مملکت را بجیب کارتل‌های نظامی خود ریخته و ماهیانه میلیونها تومان بابت حقوق بکارشناسان نظامی آمریکا می‌پردازیم، باتوجه باینکه ملت ایران از آمریکا میخواهد که دست خود را از حقوق ما بردارد، ودولت جنابعالی که کبابه ملی بودن رابدوش میکشد. علاوه براینکه کمترین اشاره‌ای به تجدیدنظر در روابط خود

با آمریکا نکردید، بلکه از حضور ژنرال هویزر آمریکائی در ایران اظهار بی‌اطلاعی نمودید. برای ملت ایران مفهوم نیست، چطور نخست‌وزیر از حضور تعدادی افغانی مسلح در خیابانهای تهران مطلع میشوند ولی از حضور یک ژنرال آمریکائی بی‌اطلاع میباشند، برای اطلاع جنابعالی باید عرض کنم. در روزنامه کیهان مطلبی بدین مضمون نوشته شده بود. که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد معاون فرماندهی نظامی آمریکا در اروپا که به ایران رفته. به رهبران نظامی توصیه کرده است که از دولت غیر نظامی جدید کشورشان حمایت کنند. من بعنوان یک کارگر از این خبر مایوس شدم. چون معتقدم که افراد ارتش برادران این ملت هستند و نسبت بوطنشان بیش از ژنرال آمریکائی میاندیشند. ولی مطلبی را در برنامه خود گنجانده‌اید که برای من جالب است و آن تأمین استقلال ملی است.

جناب نخست وزیر باید به عرضتان برسانم. که

استقلال ملی ایران بعهده ملت ایران و بعهده ارتش ایران است نه بعهده ژنرال هویزر آمریکائی. (صحیح است-آفرین) اما مطلبی که باید به عرض نمایندگان محترم برسانم، ملت میخواهد هر چه زودتر تکلیفش را بادولت و این مجلس بداند. و این هر قدر بتأخیر بیافتد یا جملات بازی شود بیزبان استقلال مملکت است. (صحیح است)

دولت آقای بختیار ویا هر دولت دیگر باید برای مجلس باید امکانات تأییدی را از افکار عمومی بهره داشته باشد.

این شرط اول رای به یک دولت است. این تأیید از دولت جناب آقای بختیار بهر تقدیر سلب شده است که وقتی این تأیید از طرف دوستان سیاسی با داشتن سی سال همفکری سیاسی از ایشان سلب میشود میماند، مخالفین سیاسی ایشان، که بنظر من نباید آقدر دچار فقدان شخصیت شده باشند که به جناب آقای بختیار پناه ببرند.

موضوع حل مشکل امروز ایران اهمیتش در آن است که بدون همکاری، و هم‌رایی تمام رهبرانی که بایک دستخط آنها کلیت ملت اعتصاب میکند، به خیابان میآید، صدها شهید میدهد، لازم شد نفت بداخل میرساند، لازم شد نفت را بروی خارجی می‌بندد، صدها راه پیمائی‌های بزرگ چند میلیون نفری براه میاندازد. دولتی که میخواهد روی کار بیاید باید با توافق یک چنین رهبرانی همراه باشد. (صحیح است)

بهین دلیل است که من راه حل عده‌ای از همکاران محترم راه برای تشکیل دولتی که قبلاً بتواند بامذاکراتی که با عناصر رهبری ذینفع انقلاب ترتیب دهند و چنین دولتی را روی کار آورند. یک راه حل امیدوار کننده میدانم. من با اعتقاد بقانون اساسی عرایض را بسمع نمایندگان محترم مجلس شورای ملی میرسانم (احسن).

رئیس- آقای دولتی بفرمائید.

احمد دولتی - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم جناب بختیار، در شرایط کنونی مملکت شهادتی از خود نشان داده و پست نخست وزیری را پذیرفته‌اند، اگر گروههای کثیری از افراد ملت ایران بمنظور تحقق انقلاب ندانسته جان خود را در کوچ و خیابان بخطر می‌اندازند و خود را ندا می‌کنند شما دانسته و با خلوص نیت و وطن پرستی پیشقدم شده‌اید و جان خود را بخطر انداخته‌اید تا با یاری توده‌های مردم انقلاب را بکمال مطلوب خود برسانید. (احسن)

دکتر عادل رانکوهی- شما از دولت نظامی تینسار از هاری هم بشدت دفاع کردید!

دولتی- در چنین شرایطی که تمام دستگاههای مسلکی سابق مورد حمله و خشم مردم واقع شده‌اند فردی مانند شما که هیچ وابستگی بانها نداشته‌اید می‌بایست چنین مأموریتی را داشته باشید.

دستگاههای اداری را می‌خواهید اصلاح کنید که خودتان ۳۰ سال بر آنها خرده گرفته‌اید و آنچه را که می‌خواهید از بین ببرید شاید مانند بسیاری، سالها گرفتار آن بوده‌اید از قدیم گفته‌اند هزار طیب باندازه یک بیمار نمی‌داند، شما بریض این جامعه بوده‌اید و خوب می‌دانید گرفتاری افراد آن چیست. وی شک خواهی توانست که گرفتاریها را از بین ببرید.

پیام رادیو تلویزیونی، مصاحبه و اعلام برنامه دولت شما همگی امید بخش بوده‌اند شما اگر خاطیان را محاکمه کنید و دستگاه امنیتی را منحل و زندانیان سیاسی را آزاد نمائید کلی از شمارهای دیوارها و کوچ و خیابانها کم می‌شود. و بسیاری از خانواده‌ها آسایش و راحتی خیال پیدا می‌کنند. وقتی دستگاهی منحل شده باشد دیگر توده‌هایی از جمعیت بان حمله نمی‌کنند و کشتار عجیب پیش نمی‌آید که در گذشته شاهد چند نمونه از آن بوده‌ایم و وقتی زندانیان سیاسی آزاد شدند دیگر تیرهای بزرگی از روزنامه‌ها باین مسأله اختصاص پیدا نمی‌کنند. و دیوارهای جدائی شکسته می‌شود. هنگامی که اسوال عمومی از گلوی غارتگران بیرون کشیده شود و بخزانه دولت واریز شود باعث تسکین بسیاری از دردهای مردم است. (صحیح است)

یکی از موارد بارز برنامه دولت محاکمه و مجازات مأمورین می‌باشد در اعلام چنین برنامه‌هایی باید مراقبت نمود مانند سایر غارتگران این مأمورین با فرار نگذارند چون وقتی مطابق ماده حکومت نظامی قرار بود کسانی که مورد اتهام هستند دستگیر شوند اکثر آنها تیکه بخود مشکوک بودند از کشور خارج شدند. اگر بار دیگر این تجربه تلخ تکرار شود بهیچوجهی برای مردم قابل تحمل نیست.

خوشبختانه قسمت اعظم مشکل فعلی جامعه را شناخته‌اید نمونه‌اش همان افغانی‌ها هستند که تقریباً ۲۰۰ نفر مسلح از آنها را دستگیر کرده‌اید. این نشانه چیست؟ ما که با کشور افغانستان رابطه بدی نداریم، ما که در کشور آنها افراد مسلح ایرانی نداشته‌ایم که

آنها هم در کشور ما داشته باشند و از طرف دیگر آیات عظام که رهبر مسلمانان هستند هیچگاه چنین عملی را صلاح نمی‌دانند. پس چرا اینها مسلح بجان مردم افتاده‌اند؟ اینها همان آلت دست دیگران هستند که می‌خواهند در جامعه وحشت اندازند و هرچ و مرج بر پا کنند تا اربابان از آن بهره برداری نمایند.

در فلان مؤسسه اکثر کارستانان می‌خواهند کار کنند و کار مردم را راه بیندازند. اما چند نفری هستند که آنها را تهدید می‌کنند و براههای مختلف مانع از پیشرفت کار می‌نمایند هر چند مردم داد می‌زنند که با این کار باعث ناراحتی مردم و گرانی ارزاق و وسایل زندگی نشود باز هم ادامه می‌دهند تا جائیکه آیات عظام مجبور می‌شوند اعلامیه صادر کنند که مردم آتش تیزی هدف اسلام نیست، غارتگری هدف اسلام نیست، آدم زنی هدف اسلام نیست، قطع ارزاق و مانعاج روزمره مردم هدف اسلام نیست! آیا این افراد مجاهدین اسلام هستند؟ ( دکتر صدیق اسفندیاری - هرگز. هرگز) یا کسان دیگری هستند که خود را زیر مسک اسلام پنهان کرده‌اند و می‌خواهند بهر قیسی شده است بهیف برسند حتی اگر مردم از جان و مال ساقط بشوند.

قدرتهائی هستند که این افراد آشوب طلب را حمایت می‌کنند و هر ساعت بلندگو کولک می‌کنند و مردم را بجان هم می‌اندازند. و آن کارهای یاد شده را پسندیده و حق طلبانه قلمداد می‌کنند اما اگر این چنین حرکتی در کشور چکسلواکی رخ می‌داد بلافاصله وجب بوجوب خاک آن کشور را با نظامی اشغال می‌نمودند و صدا را در حلقوم مردم خفه می‌کردند. (عباسیزائی- صحیح است، آفرین)

جناب بختیار اگر انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی و آزادی خواهی است حامی آن باش و تا آخرین پله توفیق آنرا همراهی کن. اما اگر عده‌ای بخواهند از احساسات پالک مردم که سینت خود را آماج گلوله قرار می‌دهند. بفتح دیگران استفاده بکنند توطئه‌شان رادر نقطه خفه کن و بدان که مردم آزاده و آزادی خواه ایران پشتیبان توهستند و تجربه نشان داده است که ایرانی از این مردم بیزار است.

همیشه این مطلب در سرلوحه برنامه‌ات باشد که اشتباهات گذشته باید جبران شود امانه بقیمت جان و مال مردم و خسارات جبران ناپذیر بکشور و احیاناً بقیمت استقلال ایران.



رفعتی- هويدان کيارها را کرد.

دولتی- هم اکنون زمزمه‌هایی از این قبیل بگوش می‌رسد: آتش سوزی که در ایران شده است در هیناسابقه ندارد. عده زیادی از عزیزان جان خود را از دست داده‌اند. برنامه‌های عمرانی و زندگی روزمره متوقف شده است و اینها مقدمه از دست دادن استقلال مملکت می‌باشد. اگر اوضاع باین ترتیب ادامه پیدا کند، روزی حتماً بنشینیم و بگوئیم خوشا بان زمان که شیخا... را... نمی‌کردند خوشا بان زمان که سرگرده‌ها را نمی‌گرفته و خوشا بان زمان که قسمتهائی از مملکت خواهان تجزیه نبودند.

پزشکپور- مردم ایران خواهان تجزیه مملکت نیستند. دولتی- در این روزها هشدار برای جامعه روحانیت لازم است که آگاه باشند فرصت طلبان خود را پشت رهبران گروه‌ها پنهان میکنند و اقتدر چهره‌شان نمی‌دهند تا رهبران توده‌های مردم پیروز شوند، آنگاه از پشت پرده بیرون آمده و همان رهبران را از این می‌برند و خودشان فاعل مختار می‌شوند و آنچه میل و خواسته آنهاست برسر ملت و مملکت می‌آورند. بدلائل دیگری هم جامعه ایرانی نمیتواند از این خطر خانه برانگیز بر حذر باشد. دلیل بارز آن تجربه تلخ گذشته است که هنوز اکثر ملت ایران که شاهد عینی بوده‌اند بخاطر دارند. دلیل دیگر نزدیکی مکانی با سیستم‌های حکومتی است که در دورترین نقاط دنیا تبلیغات حکومتی و اغفال گری دارند تا چه رسد به کشورهای نزدیک. دلیل سوم چرب و نرم بودن کشور ایران برای بلعیدن است بخصوص از نظر مواد نفتی که جهان بان نیاز بزم دارد و ایران را می‌خواهند همراه و همگام خود بکنند نه بخاطر خود ایران بلکه بخاطر نفت آن و دست یافتن بخلیج فارس آرزوی دیرینه آنها بشمار می‌آید.

نمایندگان محترم دم از سیاست مستقل ملی زدن کلمه خوش آیندی بیش نیست بعلم اینکه دردنیای کنونی ما را بحال خود نمی‌گذارند و دست از سرما بر نمی‌دارند. پس چرا باین کلمه دل خودمان را خوش بکنیم و از حقیقت دور باشیم. باز هم خطاب بجامعه روحانیت و علمای اعلام است، که واسطه تقدیم خاک مقدس ایران به بیگانه نباشند که اول خود آنها با آتش بسوزند و بعد مردم و کشور.

قدمی- مردم هم همین را میگویند.

دولتی- یک نیروی دیگری در مملکت دست با شتاب می‌زند. آنها کسانی هستند که خطا کار هستند و دستشان به بناپاکی آلوده است و هدف آنها این است که اوضاع را

آنچنان بهم بریزند تا حتی اداره آنها آتش بگیرد و پرونده‌هاییکه میچ آنها را باز خواهد کرد بسوزد و یا آنچنان شیرازه اجتماعی را از هم بگسلند که سیستم قادر نباشد آنها را بسزای اعمالشان برساند و یا بیشتر هر چه و مرج بوجود می‌آورند تا ولی نعمت‌های آنها که اکنون دستگیر شده‌اند محاکمه نشوند. در این چنین مواردی که جای دادگستری خالی است و سرعت عملی در کار نیست تا به افرادی که طالب ناپسانمانی هستند و خطا کار بشمار می‌روند مجازات بکنند. در چنین شرایط سهمگینی که اعتصابات چرخهای اقتصادی مملکت را فلج کرده است و سزاوار آن است بیشتر باین امر خانه برانداز بیندیشیم و یا مذاکرات و شورتهای متعددی آنرا حل کنیم و در صورت ادامه آن، آنرا تحت شرایطی در بیاوریم که قابل کنترل باشد.

بفرض اینکه کشور ما در حال جنگ با کشور دیگری است اگر برای اعتصابات مقرراتی نداشته باشیم مکانی است که دشمن با تحریکات و یا راههای دیگری مسئولین سوخت را وادار با اعتصاب بکنند تا نیروی محرکه نظامی را از کار بنیدازند و در این موقع باید کشور وسی و شش میلیون نفر جمعیت ایران فدای آن بشود. که عده‌ای چند روزی دست با اعتصاب زده‌اند. در هیچ جامعه پیشرفته‌ای که حقوق بشر بویوم رعایت میشود به عقل و منطق جور در نمی‌آید که سرنوشت کشور و اکثریت را بدست اقلیتی ناچیز بسپارند و آنان این سرنوشت را مورد بازپچه قرار بدهند. پس احساس میشود و بسیار لازم و ضروری است که در این مورد تدبیری بعمل آید و مقرراتی وضع شود و در موقع خود اجرا گردد.

ایران کشوری است که بیشتر مواد خوراکی آن از خارج وارد میشود و اکنون مدت مدیدی است که گمرکات تعطیل شده و تخلیه بار در بندر انجام نمی‌شود و در حقیقت اگر بدین منوال باشد بعد از گذشت مدتی با کمبود مواد غذایی مواجه خواهیم شد. نمیشود که بدور خود سیم خاردار بکشیم و بگوئیم کسی با ما ارتباط نداشته باشد.

قدمی- هیچکس چنین چیزی نگفته است، انقلاب مردم را لکه دار نکند.

دولتی- در این موقع بحرانی افرادی که در بندر و گمرکات مشغول انجام وظیفه هستند در مقابل اجتماع مسئولیت خاصی دارند افراد مسلمان این اجتماع از آنها انتظار دارند که این وظیفه بزرگ انسانی را بهتر از گذشته انجام بدهند و آیات عظام بانها بفرمایند اعتصاب آنها

کار صحیحی از نظر منافع مردم مملکت مانیست

لائمی- شما حرف خودتان را بزنید و به روحانیت نمیتوانید راه نشان بدهید.

دولتی- در هر کشوری عده‌ای از افراد از خزانه عمومی مقرری دریافت می‌دارند که کارهای عمومی مردم را انجام دهند. پس این گونه افراد در مقابل تمام مردم تعهداتی دارند. در اوائل تظاهرات هزاران مردم از افرادی که در دستگاهها بکار اشتغال داشتند و یا خلاص کاری می‌کردند ناراحت و نارضی بودند و سر بطنیان برداشتند. اما پس از مدتی همین افراد که مردم را ناراحت و نارضی کرده بودند از موقعیت سوء استفاده نمودند و پیشاپیش مردم نارضی بحرکت در آمدند تا موجب آن شدند که اکنون چندبامی است کارهای ضروری و اولیه مردم که جنبه فوری و فوتی دارد انجام نمی‌شود و همین افراد که برای جامعه کاری انجام نمیدهند از خزانه عمومی امرار معاش می‌کنند. در اینجا باین قبیل افراد ندا می‌دهم که در این چنین شرایطی مردم نیاز بیشتری بخدمات آنها دارند و اگر بخواهند در انقلاب مردم سهمی داشته باشند باید زندگی روزانه آنها را فلج نکنند.

قاسم زاده- دیروز در رودسر اوایش ریختند بخیانانها و... رئیس- آقای قاسم زاده در مجلس شعار ندهید.

دولتی- جناب بختیاز، بطوریکه شواهد و قراین نشان می‌دهد خوشبختانه ارتش ایران از برنامه‌های دولت شما استقبال کرده است. اصولاً باید بهمین طریق هم باشد زیرا که ارتش از ملت ایران جدا نیست بلکه کسانی که در نیروهای مسلح هستند افرادی از ملت هستند که وجودشان وجود ایران است و نبودن آنان نبودن ایران.

رفعتی- ارتش از استقلال ایران دفاع میکند، این مملکت صاحب دارد.

دولتی- حال که میهن عزیز ما در وضعی بسرمیبرد که احتیاج بیشتری به اتحاد و اتفاق همه سازمانها می‌باشد چقدر برای ملت ایران امید بخش است که بتواند کشور را از ورطه هلاکت نجات دهد.

همانطوریکه اگر امنیت کشور در مرزها بخطر افتد هر یک از افراد ملت بحکم یک سرباز هستند در داخل کشور هم وقتی ناپسانمانی مصالح ملی را بخطر اندازد انتظار می‌رود پرادران سرباز ایرانی هم در حل این ناپسانمانی شرکت نمایند. متشکرم (احسن).

رئیس- آقای اسحق نژاد بفرمائید.

محمد حسین اسحق نژاد- بیاری خدای بزرگ و توانا نمایندگان محترم مجلس شورای ملی از آنجا که برنامه تقدیمی جناب دکتر شاپور بختیار جز در دو سه مورد تکرار همان برنامه دولت‌های قبلی است بنابر این اقتدر در این مجلس نیرامون این مسائل صحبت شده است که تکرار مطالب را دیگر ملال آور میدانم (صحیح- است) بنابر این در این موارد که در گذشته کرا از صحبت و تذکر لازم داده‌ام چیزی نمیگویم.

بار دیگر توفیق حاصل گردید که بتوانم در این سنگر مقدس ترجمان احساسات موکلین خود باشم.

و تردیدی نیست که این بار نیز مانند گذشته در برابر دولت‌ها در موضع مخالف صحبت خواهم کرد.

زیرا هنوز در رعایت اصول و احترام به حقوق و منافع مردم ایران قدمی برداشته نشده است. و اما قبل از اینکه در مورد برنامه به بحث بپردازم با یک پیش گفتر به بیان خود ادامه میدهم بنام یک ایرانی که در این روزهای بحرانی نگران آینده ایران است و بنام کسی که سالهاست عمرش را در مبارزه با فساد و قانون شکنی و خیانت به کشور گذرانیده است. لازم میدانم شما را آقای دکتر شاپور بختیار که امروز داعیه رفع گرفتاریهای مملکت را دارید در جریان مسائل مملکتی به آن صورت که وجود دارد و بطرفی که شما شاید از آن آگاه نباشید بگذارم.

آقای دکتر شاپور بختیار منم به مانند ملت ایران، پیام رادیویی و تلویزیونی شما را شنیدم. و یا دقت آنرا مورد بررسی قرار دادم. اما تاوانستم ام پیام رادیویی و تلویزیونی شما را به ملت ایران از یک کاندیدای نخصیت وزیری مانند شما که به گفته خودتان از ۲۰ سال گذشته یعنی بظواهر حوادث ۲۸ ارداد بکلی از گردونه سیاست کنار بودید و یا فارغ از هر گونه مسئولیت‌های مملکتی بوده‌اید بپذیرم. چرا که اگر این واقعیت را بپذیرم که نخست وزیری شما بعد از ۲۰ سال حاصل قربانیهای بی شمار... مردم و مبارزه اصیل ملت ایران دست کم در یکسال اخیر بوده است. آن وقت بجا و شایسته بود که پیام رادیویی و تلویزیونی خودتان را و یا مصاحبه اخیر پیش از عنوان کردن خیلی مسائل حتی مکتب سیاسی خودتان از مبارزه ملت ایران سخن می‌گفتید و از ملت ایران که شایسته هر گونه تجلیل و تکریم است حرف می‌زدید و از همه بالاتر ملت ایران از شما انتظار داشت



که قبل از معرفی خودتان به نقش رهبری مبارز ملت ایران که شخصیت‌های مذهبی و حضرات آیات عظام در پیشاپیش آن بوده و همدست اشاره می‌کردید.

اما نه تنها این حق را نادیده گرفتید. بلکه اشاره کوتاه به این موضوع در جواب پرسش خبرنگاران درست همان حرفی بود که نخست وزیران سلف شما هم روی ناچاری مدام به زبانشان جاری بود پس فرقی بین دولت نظامی و یا دولت آشتی نبلی و دولت شما چیست که می‌گویند دولت ملی است. و یا منعکس کننده تمایلات و خواسته‌های ملت ایران است. آقای دکتر شاپور بختیار ملت ایران با قیام شجاعانه خود با براه انداختن نهضت ملی علیه همه مفاسد و همه غارتگری‌ها و خیانت‌های آشکار و غیر آشکار یک بار دیگر آگاهی مسائل سیاسی و روشن بینی و وطن خواهی خود را ثابت کرد.

و نشان داد که چرا این کشور در پهنه گیتی همچنان پایدار باقیمانده و پرچم سمرنگ ایران زمین در آسمانها در طول تاریخ در اهتزاز است یا بهتر بگویم ملت ایران نشان داده است. که می‌خواهد زنده و پاک بماند آزاد زندگی کند آزاد باشد و یا آزاد ببرد ملت ایران می‌خواهد نشان بدهد که لیاقت دموکراسی را داشته و دارد.

و رنگ و ربا و تزویر و خیانت را بر قامت زیبایش نمی‌پسندد و در توطئه‌های بیگانگان برای نابود کردن این ملت و برای غارت ثروت‌های ملی هر قدر سخت باشد نخواهد پذیرفت. این گیم مردانه برای آن صورت نگرفت که جناب بختیار بر کرسی نخست وزیری بنشیند و بخواهد زندگی مادی شهدای راه استقلال و یا بهتر بگویم مردمی که بخاطر ابتدائی‌ترین و در عین حال پر شکوه‌ترین جلوه حیات خود یعنی دموکراسی و آزادی و حق و عدالت مبارزه کردند و در این بین خون هزاران نفر ریخته شد تا همین نمایند.

ملت ایران قربانی نداده‌اند که شما وقتی نخست وزیر شدید خون بها بپردازید. من بعنوان یک فرد آذربایجانی که شهر من تبریز در این مبارزه اصیل نیز مثل سایر شهرهای ایران نقش اساسی و مهمی داشته است از شما در بیان این جمله گله‌مند هستم. آری ملت ایران در راه خواسته‌های انقلابی‌اش کشته داد نانهال استقلال این کشور آبیاری گردد. بخاطر بیاورید اگر چنانچه مبارزه دلیرانه در کار نبود شما کجا و نخست وزیری کجا این ملت در راه خواسته‌های انقلابی‌اش کشته داد تا نهال استقلال این کشور آبیاری گردد.

در این رهگذر صدها و هزاران خانواده عزادار و در بعضی مواقع ملت ایران را غمناک و ماتم زده کرد به عقیده من اسسال ملت ایران عزادارند یعنی هر روز و هر ساعت برای هر فرد ایرانی روز عزاست.

چرا بخاطر اینکه هر روز که خبرهای غمگینی را از رسانه‌های گروهی مشاهده می‌کنیم می‌بینیم که چگونه در شهرهای ایران مثل برگ خزان جوانان این مملکت جان خودشان را در جلو رگبارهای مسلسل از دست می‌دهند. آیا شگفت‌آور نیست که عده‌ای بخود اجازه میدهند گلوله‌های را که سینه جوانان و مردم را می‌شکافد و گل‌های نوشکفته را بر پر می‌کند نه بینند.

ملت ایران همیشه برای سربازان احترام قائل‌اند ملاحظه فرمائید یک بچه خردسالی به برادران سرباز خود چه می‌گوید.

وقتی که می‌خواست شاخه گل تقدیم کند به این عنوان: گلی برای تو برادرم. این گل برای تو برادرم. می‌دانم. تفنگ سنگین است. گلوله بد است.

برادرم. این گل برای تفنگ تو. تفنگی که باید سینه دشمن را نشانه گیرد. تفنگی که باید از مرزهایمان پاسداری کند برادر سربازم مرا در نشانه تفنگ نشان.

من و تو هر دو در نشانه تفنگ دیگرانیم.

برادر سربازم

گلوله‌ات را برای روز دیگر نگهدار

روزی که باید من در پشت تو بایستم

تا مبادا دشمن ترا بزند

برادر سربازم

من پشت سر تو هستم

تو هم پشت سر من باش

تفنگ سنگین است. میدانم.

گلوله بد است.

و لازم میدانم با یک جمله کوتاه بیان کنم درود برون پاک شهدا زنان مردان کودکان جوانان کارگران - فرهنگیان دانشجویان دانشگامیان و سایر افرادی که با نثار خون خود به دوران ظلم و استبداد پایان داد درود بکارکنان صنعت نفت ایران درود بر رسانه‌های گروهی و مطبوعات که پایای ملت ایران قدم برداشته‌اند بنابر این چگونه میتوان انتظار داشت که مردم مملکتی

را فقط و فقط با گفتارهای شیرین و طلائی و سرگرم کننده سرگرم کرد و بخواسته‌های منطقی و اصولی آنان توجه نداشت.

من در دولت‌های گذشته آقای مهندس جعفر شریف امامی و تیمسار ارتشید از هاری نقطه نظرهای خود را بیان داشتم.

و برای آگاهی بیشتر آقای دکتر شاپور بختیار لازم میدانم از هر کدام یک نسخه که در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی آمده است بخدمستان تقدیم دارم.

آری ملت ایران عصیان کردند که دست عوامل غارتگران-چاپلوسان - بلی گویان از دامن این کشور کوتاه گردد و آنان که امنیت، اقتصاد و سیاست واز همه بالاتر مذهب و حیثیت این مرز و بوم را به خطر انداخته‌اند مجازات شوند و از کنار ملت ایران در هر مقامی باشند رانده شوند فرصت آن پیدا شود که این کشور کهن سال و ملت نجیب و شریف راه رستگاری و حقیقت و سرافرازی را طی کند.

آقای دکتر شاپور بختیار- شما باید آگاه باشید بدانید که در این مجلس بارها راه حل بحران را به دولت‌های قبلی هریک از نمایندگان با دیدگاه خود و نقطه نظرها را به تفصیل تذکر دادیم.

ما اعلام خطر کردیم و با صدای بلند فریاد زدیم که راهی را که دولت‌ها پیموده‌اند راه ملت نیست و یا بهتر بگویم راه حقیقت نیست.

راه استتلال کشور نیست اشاره کردیم که عاقبت این خود سربها و این یکه تازها ملت را به خشم خواهد آورد و بیان کردیم که اجازه ندهید عوامل فرصت طلب و غارتگران بر بیت‌المال مملکت به تازند.

ولی افسوس و هزاران افسوس که این اشارات و یا تذکرات و یا گفت و شنودها و حتی نامه‌های کتبی واز همه بالاتر فریادها بجائی نرسید و کشور را گرفتار این بحران کردند و اینکه شما که در چنین شرایط سختی که خزانه دولت خالی و عده‌ای با توجه به آمار هائیکه اتحادیه کارکنان بانک مرکزی و یا سایر مسئولین اعلام میدارند مصدر کار میشوید باید رسیدگی کنید که چقدر صحیح است.

این مملکت را چاییدند و خوردند و بردند و ذربهترین نقاط خارج از کشور به عیش و نوش مشغولند و به مردم ایران و به قانون ایران لب خند می‌زنند و یا بالاتر از آنها بیان کنم کشت و کشتار براه انداختند و جوانان آیندساز این مملکت را در جلو رگبار مسلسل‌ها قرار دادند.

وضع کشاورزی را به این روز انداختند صنعت مملکت را به یک حالت سرگردان و نیمه فلج رسانده‌اند.

و دانشگاهها را تعطیل و دانش آموزان را در یک حالت بد قرار دادند و در این حالت بحرانی جنابعالی به جلو آمده اید بدان جهت لازم میدانم یادآور باشم که شما نیز در آغاز راه خودتان دچار اشتباه شده‌اید شما درست پس از اعلام قبولی نخست وزیری و پس از سخنرانی و مصاحبه رادیو و تلویزیونی برنامه آینده تان را روشن کردید. و آنوقت از مجلس شورای ملی رأی تمایل خواستید و اظهار داشتید مجلس بمن رأی تمایل بدهد و به نظر می‌آید که مجلس ایران را در برابر یک عمل انجام شده قرار دادید.

خواستید جامعه ایران به فهمانید که من برای تمایل مجلس بمیدان آمده‌ام.

در حالی که خود بهتر میدانید شما پس از تهیه همه مقدمات کار از مجلس شورای ملی رأی تمایل خواستید و این ژست سیاسی جنابعالی برای شخص من توأم با حسن تفاهم نبوده است.

در این موقع ملاحظه فرمودید اطلاعیه نمایندگان اقلیت مجلس شورای ملی را، در ساعت هشت و نیم بامداد روز سیزدهم دیماه ۱۳۵۷ نمایندگان گروه اقلیت مجلس شورای ملی حاضر در مرکز جلسه‌ای در مجلس شورای ملی تشکیل دادند در این نشست که تا ساعت ده بامداد بطول انجامید نقطه نظرهای اقلیت پیرامون مسائل مملکتی و کیفیت تشکیل دولت جدید مورد بررسی قرار گرفت.

گروه اقلیت بر این اعتقاد است از آنجا که آقای شاپور بختیار قبل از ابراز تمایل مجلس شورای ملی بعنوان نخست وزیر آینده معرفی گردیده و حتی با چنین عنوانی طی دفعات مکرر از وسایل ارتباط جمعی استفاده نموده.

بطوریکه خبر برگزیدن آقای شاپور بختیار بعنوان نخست وزیر ایران قبل از ابراز تمایل مجلس شورای ملی بستر تاسر جهان مخایره گردید بنابراین اخذ رأی تمایل مجلس شورای ملی در چنین شرایطی هرگز نمی‌تواندسواى یک اقدام تصنعی و برخلاف واقع و غیره منطبق با سنت پارلمانی تلقی گردد.

علیهذا گروه اقلیت مجلس شورای ملی با توجه به مراتب فوق‌الذکر طی تنظیم پیشنهادی در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی حضور یافت و پس از بیان نقطه نظرهای مذکور از سوی برخی از نمایندگان اقلیت پیشنهاد خودشان را مطرح نمودند حاکی از اینکه نمایندگان از بیان خود پنج تن را انتخاب نمایند تا در اسرع وقت با توجه به شرایط



خاص و بحرانی کشور و با توجه به تحولات این برهه از تاریخ ملت ایران با گروههای مختلف اجتماعی و سیاسی و مقامات مختلف مملکتی و بویژه مراجع عالیقدر روحانیت مذاکره و تبادل نظر نموده و نتیجه این بررسیها را که حاوی راهحل مشکلات جامعه ایرانی در این شرایط میباشد و همچنین نحوه تشکیل و ترکیب دولتی که بتواند در این شرایط خاص برخوردار از حمایت اکثریت ملت ایران باشد به مجلس شورای ملی گزارش نماید تا سپس نمایندگان مجلس شورای ملی با توجه بگزارش مذکور و کسانی که حائز شرایط و توانائی خاص برای انجام این مسئولیت خطیر بمجلس شورای ملی معرفی شده اند اتخاذ تصمیم نموده و ابراز تمایل نماید متأسفانه این پیشنهاد اقلیت مورد قبول اکثریت مجلس شورای ملی قرار نگرفت و با توجه بدلائل و مطالب آورده شده در بالا هرگز موضع و مورد ابراز تمایل مقتضی نسبت بکسی که بعنوان نخست وزیر معرفی شده است وجود نداشت.

نمایندگان اقلیت بعنوان اعتراضی باین نحوه کار خلاف اصول و خلاف سنت پارلمانی جلسه خصوصی را ترك نموده اند که عبارتند از آقایان: محسن پزشکیپور - حسن متولی - محمد حسین اسحقى نژاد - دکتر حسین طبیب - غلامرضا اخلاق پور - پرویز ظفری - علی اصغر مظهری - دکتر داریوش شیروانی - ابراهیم نواب صفاء - منوچهر یزدی - جلال پارسا مطلق - محمدصادق افتخار - محمد صادق فرمان - نوراله قدسی - محمود تقی زاده منظری - دکتر مرتضی مشیر - دکتر کاظم رحمانی - دکتر جعفر عادلی رانکوهی - حسن هرزندی - دکتر سید محمد جزایری - کاظم اسکونی - حسنعلی سلیمانی. و اما ایراد دیگری که بنظر می آید در سخنان شما و در واقع بطرز تفکر سیاسی جنابعالی آنچنانکه از نطق رادیو و تلویزیونی شما پخش شده وارد است.

این است که شما برخلاف قانون اساسی که برای همه ملت ایران محترم است و برخلاف قوانین جاری مملکتی اظهار داشتید که من به گروههای سیاسی ممنوع شده اگر از خارج دستور ویا الهام ویا... نگیرند اجازه فعالیت خواهم داد

باعتماد من ملت ایران این همه قربانی نداده است که با برچیدن حزب فراگیر برای رسیدن به مکتب سیاسی دیگر قانع کند.

ملت ایران برای حراست از دین و اعتقادات مذهبی

خود بپا خاسته است شما در برنامه دولت خودتان از کنار این امر مهم خیلی ساده رد میشوید و بجای بحث بیشتر در استحکام پایه های حکومت اسلامی با مردم از سویال دمکرات بودن حرف میزنید و من بعنوان یک فرد متعصب مذهبی نمی توانم قبول کنم که مکتب سیاسی سوسیال دمکرات برتر از مکتب اسلام باشد. آقای دکتر شاپور بختیار ملت ایران راه سیاسی را پیدا کرده و گمان نمی کنم آوردن این افکار سیاسی داروی درد این ملت باشد این مردم آزادی - دمکراسی امنیت صداقت در کار مسئولین اجرایی میخواهند.

این مردم حکومت سالم و مردمی میخواهند. این مردم دولت علاقمند و ملی میخواهند. و گر نه این سرزمین پایگاه افکار سیاسی و فلسفی و ادبی است و نیازی به هدیه های سیاسی و ره آورده های غربی و یا شرقی ندارد. این کشور آنهایی است که با فرهنگ غنی خود با تکیه بر تعالیم عالی آسمانی و قرآن مجید راه رستگاری اش را پیدا کرده است.

اگر شما امروز انقلاب مردم را به چشم خود مبینید و مشاهده میکنید که به امنیت و مکتب دریافتی مردم خیانت شده است و همچنین برای آزادی های فردی و اجتماعی و فرهنگ به خصوص به قرآن ما و به دین ما و ملیت ما خیانت کرده اند باید راه خیانت را بست و خائنین را مجازات کرد تا امنیت و آرامش و آسایش به کشور باز گردد لازم میدانم اشاره کنم به گفت و شنودهایی که از طریق رسانه های خبری بر آن تکیه میکنم.

ایجاد فضای باز سیاسی بوده تا از این رهگذر مردم بتوانند به مشارکت بیشتر در امور مذهبی - سیاسی - اقتصادی اجتماعی - فرهنگی - صنعتی - و غیره... مردمی بگرایند.

سلباً لازماً ایجاد چنین فضای باز سیاسی با داشتن تحمل بیشتر در مقابل انتقادهای سازنده و با هر نوع مخالف گوئی به دستگاههای مسئول است و بایستی دولت تحمل شنیدن هر نوع ابراز عقیده مخالف را داشته باشد تا به راستی مردم فضای باز سیاسی را باور کنند.

آری من در مورد آقای دکتر شاپور بختیار اساساً گرفتار حیرت هستم و عقیده دارم ایشان فریب نام خود را خورده است. چرا بخاطر اینکه بختیار است و خیال کرده اند که (بخت یار خواهد بود) والا هیچ آدم عاقل و حسابگری در این شرایط خاص قبول خدیت نمی نماید.

دکتر بختیار ها و اساساً همه آنهائی که آرزوی نخست وزیری در این مملکت دارند باید بدانند و این توصیه

را از من به پذیرند که بدون داشتن تکیه گاه مردمی قبول چنین پستی عبث خواهد بود.

الحمد لله این روزها افکار و نظریات مردم همیشه و در همه حال عربان و در فضای باز خیابانها و معابر شهرها قابل لمس است. آقای دکتر شاپور بختیار مگر نمی بیند و مشاهده نمیکنید و فریاد مردم را نمی شنوید که مردم یکپارچه مخالفت و حتی نفرت خود را از ایشان و کابینه ایشان ابراز می نمایند و اساساً من معتمد در شرایط امروز مملکت مردم راساً و مستقیماً حرف خود را میزنم و هر کس را سیاست خود را بیان میکند و راه سیاست خود را می پیماید و اعتراض و انتقاد خود را علناً اعلام مینماید و اعتماد بایعدم اعتماد خود را نسبت به دولت خود را سلب میگرداند. آقای دکتر شاپور بختیار انصاف داشته باشند و خود بگویند که نظر مردم نسبت به ایشان چیست و اگر احساس کرده اند و دیده اند و شنیده اند و فریادهای مردم در همه شهرها به گوششان رسیده است می دانند که مردم مملکت به ایشان چه نظری دارند و قبول داشته باشید اگر رأی اعتماد بدهیم مردم مملکت راهمین کارها به خشم خواهد آورد و مجلس و یاد دولت علناً برخلاف میل مردم و خواست مردم قدم برداشته است.

چرا نمی خواهید اینها تکرار نشود. در همین چند روز که از ایام قبولی شما میگردد. مشاهده مینمائید عکس العمل مردم را که در قبال تظاهرات خیابانی در شهرهای مملکت نشان داده اند

و عیناً شبیه دو دولت گذشته بوده است مجموعاً قضاوت در باره این دولت عیناً نظیر قضاوتی خواهد بود که در باره دولت های گذشته داشته اند. بنظر من می آید هر دولتی که امروز بیاید توفیقی نخواهد داشت جز اینکه با جامعه روحانیت مملکت در مسائل اساسی به توافق برسد و دولت آقای شاپور بختیار چنین سیاستی را دنبال نموده و بنابراین امیدي چندان به توفیق در کارها نیست چرا وقت تلف می کنی؟ چرا شیرازه مملکت را روز به روز پاشیده ترک نمی مگر در این مملکت آن رجال با سیاست و با کفایت کجا رفتند و چه شده اند تا با ذرک حقایق و واقعتهائی که شما بهتر از من میدانید.

چاره اساسی به دردهای اجتماعی و سیاسی و مذهبی بنمایند. من بعنوان نماینده مردم در مجلس شورای ملی امروز تاریخ را به شهادت می گیرم و در مقابل نسلهای آینده مسئولیتی نخواهم داشت فکر میکنم در این مملکت دست هائی هستند که ما را به بی راهه می برند

راه حل با توجه به مزاج مملکت یک کلمه بیشتر نیست آنرا هم همه ملت ایران میدانند و عبارتست از توافق و کنار آمدن با جامعه روحانیت من لازم میدانم یاد آور باشم هر فردی به عنوان رئیس دولت این توافق را بیاورد من و سایر همکارانم که با من هم عقیده هستند با آن دولت موافق خواهیم بود و در غیر این صورت بنا به خواست مردم مخالفت قهری و قطعی است اگر ادعا دارید که در سیاست قدم بر می دارید باید اوضاع و احوال و شرایطی را که حاکم بر مقررات ماست به شناسید و بدانید و لمس کنید آقای دکتر شاپور بختیار... شما بفرض رأی اعتماد مجلس را هم گرفتید وقتی پایگاهی در بین مردم ندارید چه قدرتی برای اداره امور مملکت خواهید داشت انصاف داشته باشید و راضی نشوید مملکت نیش از این در میان آتش و خون بسوی نابودی و یا خدای نخواستہ تجزیه و.... برود همان است که گفتیم یا اعتماد مردم نیز درگرو توافق جامعه روحانیت است و یا بی جهت خود را به زحمت و ما را به درد سر و مملکت را به سقوط نکشائید.

و اما مسایلی که فوریت آن بنظرم می آید فهرست وار بیان میکنم

۱- مقررات حکومت نظامی که اکنون چهار ماه ونیم است در یازده شهر ایران اجرا میشود باید هر چه زودتر لغو گردد و نیروهای ارتش بجای اینکه در خیابانها و معابر مستقر شوند به مرزهای کشور بازگردانده شوند انسان وقتی در خیابانها حرکت میکند همه جا سر باز می بیند و با دیدن آنها بی اختیار باین فکر می افتد که به یک شهر جنگ زده وارد شده است.

بخصوص که تمام مغازه ها تعطیل است و شهر خلوت است بهتر است بجای قرارداد ارتش رود روی مردم حکومت نظامی را که برقراریش نیز به صلاح مملکت و ملت نیست هر چه زودتر لغو کنید.

۲- چرا تا بحال اقدامی برای بررسی علل کشتار های مردم در شهرهای قزوین - کرمانشاه - شیراز - نهاوند - تهران - تبریز - قم - کرمان - لاهیجان - اصفهان - یزد - آذرشهر - سردرود - میانه - بزنجان - اردبیل - اهواز و چند شهر دیگر صورت نگرفته و دولت هیچ اقدامی برای جلوگیری بعمل نیاورده است و اگر هم اقدامی شده بعد کافی و وافی نبوده است اصولاً آقای دکتر بختیار تصمیم دارند آمار صحیح شهدای یک ساله



اخیر را برای آگاهی مردم اعلام دارند و کی؟...  
 ۳- دولت شما بعنوان اولین اقدام ۴ زندانی سیاسی را که اغلب به حبس ابد محکوم بوده اند روز پنجشنبه گذشته آزاد کرد ولی هیچ میدانید که هنوز عدّه خیلی بیشتری در زندانها بسر میبرند که اکثرشان با وضع بدی روبرو هستند دولت باید در کوتاه ترین مدت وبدون در نظر گرفتن هیچ قیدو شرطی باقیمانده آنها را آزاد کند وهمچنین عدّه ای زیاد را که در جریان وقایع یکسال اخیر دستگیر بوسیله (فرمانداری نظامی) شده اند اگر بی گناه هستند هر چه زودتر آزاد کنند بخصوص در مورد آزادی آقای محمود اعتماد زاده (به آذین) ...  
 ۴- آقای بختیار اکنون که به مطبوعات آزادی داده شده با توجه به آزادی که قانون معین کرده تا واقعتاً را بنویسند، لازمست هر چه زودتر به رادیو و تلویزیون نیز آزادی داده شود و سانسور کاملاً از مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای همیشه برداشته شود.  
 ۵- پیشنهاد میکنم کلیه تبعیضات حقوقی و یا هر نوع تبعیض فردی و طبقاتی و شغلی را برای همیشه از این مملکت ریشه کن سازید.  
 ۶- دادگامی که برای محاکمه فاسدان و چپاولگران در نظر گرفته شده و از دولت شریف امامی تا به امروز از آن صحبت بوده هنوز خبری از محاکمه نیست این دادگاه ملی هر چه زودتر با افراد صالح و بصیر و مطلع بکار خود مشغول گردد.  
 دولت شما باید در اسرع وقت این دادگاه را با جلسات علنی و با حضور کلیه رسانه های گروهی تشکیل دهید تا فاسدان به اشد مجازات برسند و مقابل ملت ایران جواب این صدها فساد را پس بدهند و در مقابل ملت زانو بزنند و جواب گذشته ها را عرضه کنند...  
 ۷- راجع به درآمد سرانه نفت برنامه دولت چیست و آیا به نظر شما آن همه سازو برگ که برای ایران خریداری شده است لازم بود و ملت ایران به آن ساز و برگ نیازمند است یا نه.  
 ۸- دیده ایم که دولت شما در مورد بازگشائی دانشگاهها و مراکز آموزشی کوچکترین اقدامی نکرد و این خود مردم و استادان دانشگاهها بودند که برای نجات و رهایی از پنج روحی جوانان چون فرشتگان نجات دانشگاهها را باز کردند دولت باید هر چه زودتر نسبت به بازگشائی مدارس و دبیرستانها هم اقدام جدی بنماید

و کلاسهای درس را در تمام مراکز آموزشی دایر کند.  
 ۹- آقای دکتر شاپور بختیار در مورد قرار داده های دولت های قبلی بی رویه و با برخلاف مقررات در زمینه های مختلف منعقد کرده اند چه روشی در پیش دارید اصولاً این قرار دادها خاصه آنهاست که بهر حال منافع ایران را در برمیگیرد چه وضعی خواهد داشت و آیا در مورد مسکن که یک مسئله خاص برای حقوق بگیران و افراد کم درآمد است چه فکر اساسی کرده اید دولت های قبلی هر یک با خوا بهای پلائی و وعده های دروغین در روی کاغذهای بسیار گرانبها برای مردم آپارتمان ویلا و خانه ساخته اند و سازمانها و شرکت های بنام های مختلف... که ظاهر طرح خانه سازی و رفع مشکل مسکن را اعلام میکردند تشکیل داده اند و عملاً مردم را چاپیدنند و هیچگونه کار اساسی بعمل نیاوردند. آیا دولت شما هم در مورد مسئله مسکن میخواهد روی نقشه به مردم خانه تحویل دهد یا نه؟  
 ۱۰- نیروگاهها و راکتورهای اتمی که با صرف میلیاردها ریال از بیت المال مردم خریداری شده آیا دولت شما چه برنامه ای در مورد آنها در پیش خواهد گرفت و من میدانم به این راکتورهای اتمی ایران نیاز داشته یانه. باید مسئولین این مسئله را روشن و جهت اطلاع مردم منتشر کنند.  
 ۱۱- رشد صنایع بویژه صنایع سنگین و افزایش بی رویه نرخ دلار و بطور کلی صنعت ایران چه وضعی پیدا خواهد کرد و ملت ایران در حال حاضر سخت نگران این مسئله است که باید ملت ایران تاوان نرخ دلار را بپردازد اکنون که اغلب صنایع مملکت به حالت تعطیل در آمده است و هیچ منبع درآمدی وجود ندارد و درباره آغاز فعالیت کارخانجات تولیدی و صنعتی و دیگر کارخانجات چه فکر اساسی کرده اید؟  
 در مورد کشاورزی مملکت که بدست وزیران اسبق به حالت تعطیل درآمد و بجای صادر کردن برنج و گندم و سایر محصولات خود وارد کننده اش شده ایم چه فکر اساسی بعمل آورده اید؟  
 آیا سیاستی دارید تا با یک برنامه ریزی صحیح و یک انقلاب واقعی کشاورزی وضع آنرا بجائی برسانید که کشور ما مثل گذشته خود کفا گردد و از خوردن چلوکباب مونتاز جلوگیری گردد و علاوه بر تأمین نیاز داخلی محصولات کشاورزی محصولات خودمان را بخارج نیز صادر نمائیم.  
 شما مدعی هستید که دادگاه ملی برای محاکمه چپاولگران بیت المال و فاسدین ترتیب میدهم برای

شکنجه گران ساواک که در کمال بی رحمی و ناجوانمردی جوانان بیگناه خانواده ها را بر اثر شکنجه های وحشتناک کشته اند چه میکنند؟  
 آنهاست که مرتکب اینهمه قتل شده اند اکنون کجا هستند؟  
 شما آقای بختیار چگونه میخواهید آنها را محاکمه کنید آیا اصولاً فکری برای مجازات این بیرحمها و دژخیمان کرده اید؟  
 محاکمه شکنجه گران ساواک حتی از محاکمه چپاولگران مهم تر است.  
 ۱۳- قانون از کجا آورده اید تراحتی برای یکبار هم شده اجرا کنید.  
 کسانی را که این همه ارز مملکت را خارج کرده اند تعقیب کنید و از آنها بپرسید پول هائیکه این چنان راحت بخارج فرستاده اند و یا برای خودشان قصبو خانه و ویلا خریده اند از کجا آورده اند چطور میشود آنها را مجدداً به این مملکت برگرداند و تنها گرفتن چنین افراد و به محاکمه کشیدن اینها برای ملت ایران قانع کننده نیست هر چه زودتر ترتیبی بدهید فوراً در این مورد یک فکر اساسی کنید.  
 ۱۴- آقای دکتر شاپور بختیار بیاید مبارزه با گرانفروشی را از خود دولت آغاز نمایند قیمت بتزین - تلفن آب بها - گذرنامه پست و سایر مایحتاج مردم را به قیمت های قبلی برگردانید مردم از این افزایش بی رویه واقعا کلافه شده اند.  
 ۱۵- کلیه قوانین مخالف اسلامی را لغو کنید.  
 ۱۶- آرامگاه شهدائی را که در یکسال اخیر جان خودشان را از دست داده اند در هر یک از مرکز استانها بنا سازید.  
 ۱۷- کلیه کارکنان خارجی را از ایران اخراج کنید مگر آن عدّه ای که وجود آنها برای این ملت ضرورت دارد و بجای آنان از افراد بصیر و مطلع و ماهر و یا نیمه ماهر با همان حقوق و مزایای خارجیان استفاده شود.  
 ۱۸- قانون کار از آن تاریخی که شما در وزارت کار مسئولیت داشتید تغییر نکرده و ماله است دولتها وعده میدهند که قانون کار جدید جهت تصویب به مجلسین تقدیم خواهد شد هر چه زودتر وضع قانون جدید کار را روشن سازید.  
 ۱۹- حداقل دستمزد با توجه به ماده ۲۲ قانون کار برای هر چهار نفر به مبلغ ۲۱ ریال در سال جاری تعیین

شده است بنظر شما این مسئله را خود حضرتعالی قضاوت کنید که این حداقل دستمزد مورد قبول شماس و یانه.  
 ۲۰- طبق بندی مشاغل کارگران با الگوی صحیح پیدا نشده است.  
 ۲۱- سود ویژه کارگران بمعنای واقعی به کارگران پرداخت نمی شود و بلکه بعنوان یک نوع پاداش پرداخت میشود. توجه بفرمائید که روحانیت نسبت به اوضاع و احوال و شرایط فعلی چگونه اظهار نظر میفرمائید. و از مسئولین امرو کسانیکه در مقام مسئول هستند بایستی جوابگو باشند و این نمونه ایست از صدها اعلامیه دیگر. امیدوارم که مورد توجه کلیه مسئولین و دست اندر کاران قرار گیرد.  
 اعلامیه آیات عظام  
 بسم الله الرحمن الرحیم- حوادث خونین و فجیع در شهرهای مقدس- مشهد قم- کرمان- قزوین- کرمانشاه اردبیل- نهاوند- آستانه اشرفیه- لاهیجان- آذرشهر- تبریز ویناب و دیگر بلاد. نشان داد که تصمیم نهائی و قطعی ملت مسلمان ایران که طرد استعمار و پایان دادن به نظام فوری و دیکتاتوری و استقرار نظام عدل و حق اسلامی است. خلل ناپذیر است و از مصائب و صحنه های خونین و بی سابقه ای که دشمن خون آشام به وجود میآورد هراس نمیکنند و رشد و شعور اسلامی ملت که در سایه آن علیه استبداد بقیام برخاستند تحت الشعاع هیچ جنایت و خشونتی قرار نخواهد گرفت به هوای قوه الهی با آگاهی تمام آثار ارتجاع و جاهلیت های گوناگونی را که استعمار و استبداد با دوری از مفاهیم عالی و اسلامی بوجود آورده است محو خواهد کرد و به رفع سانسور مطبوعات و وعده انحلال ساواک و سازمان اوقاف تناقض نخواهد کرد و مبارزه را تا نیل به هدف و سقوط کامل دیکتاتوری و استبداد ادامه خواهد داد. و نخواهد گذاشت خونهای عزیزانیکه ریخته شده و خسارتهائیکه متحمل گردیده است به هدر رود ما ضمن اینکه برای مقتولین جنایات نظام جبار طلب مغفرت مینمائیم بیازماندگان شان تسلیت میگوئیم و به عنوان همدردی با آنها روز دوشنبه نهم میفر ۱۳۹۹ مطابق ۱۸ دیماه ۱۳۵۷ را اعلام عزا مینمائیم توجه عموم را به تذکرات ذیل جلب میکنم همگان مواظبت کنند از اعمال شیادانیکه به بهانه های گوناگون افراد را مورد تهدید قرار میدهند جلوگیری ننوده و نگذارند نهضت منحرف شود امنیت خصوصی افراد فقط بدست مراجع ذیصلاح ملی نمیتواند مورد مؤاخذ قرار گیرد و نه افراد مجهول الهویه



و ناشناخته و باید همه در محافظت هرچه که برای یک اجتماع سالم و نیرومند و مترقی اسلامی لازمست کمال اهتمام را بنماید برای اعتلای کلمه اسلام و اجرای احکام قرآن مجید آماده شوند و برادری و تعاون اسلامی را بطور کامل انجام دهند و از گرانفروشی و اجحاف و احتکار جداً پرهیز نمایند و در کمک مالی و غیره به آسیب دیدگان و بازماندگان مقتولین دروغ ننمایند و از کمک به نظام ظالمانه تا سکوت قطعی آن تا آنجا که ممکن است خودداری نمایند و توجه باشند چنان نیست که استعمار بین المللی و دشمنان اسلام اکنون دست روی دست گذاشته باشند و از توطئه و بیانی منصرف شده باشند آنها همیشه نقشه های خود را علیه اسلام و مسلمین و استعمار دنبال میکنند ما باید علی الدوام آگاه و هوشیار باشیم و تمام راههای نفوذ آنها را به بندیم و بصلاح (اشد اعلی الکفارو رحمانینهم) خود را مجهز نماییم و السلام علی من اتبع الهدی صفر ۹ مطابق ۱۰/۱۷/۵۷ محمد رضا علی الموسوی گلپایگانی - سید کاظم شریعتمداری - سید شهاب الدین مرعشی.

یک سنت پارلمانی عملاً به مرحله اجرا درآمد جای خوشوقتی است اما چون جناب آقای دکتر شاپور بختیار قبل از معرفی دولت خودشان بحضور شاهنشاه و مجلس شورای ملی در خلال ایراد بیاناتی که از رادیو تلویزیون پخش شد و نیز در طی یک مصاحبه مطبوعاتی روش برنامه و عصاره افکار خودشان را منتشر ساختند.

بند ۱ با بررسی نکات و مطالب عنوان شده توانستیم برداشتهای امید بخش و آینده ساز مبتنی بر آنچه خواست ملت ایران و بحق اناس جنبش ملی بوده داشته باشیم لذا از همان لحظات خود را تجهیز کردم تا بعنوان موافق با برنامه دولت جناب آقای بختیار در جلسه علنی مجلس شورای ملی مطالبی باستحضار برسانم و از خداوند متعال و ارواح اولیاء حق موفقیت دولت جناب آقای بختیار را مسئلت دارم

اما بحث در برنامه

۱- اعلام کرده اید که آزادی و حقوق فردی و اجتماعی فرد فرد ملت ایران را بر اساس اعلامیه حقوق بشر و بی شک با توجه بقانون اساسی رعایت خواهد شد این آرزوی همه ما میباشد.

۲- تصمیم به آزاد کردن زندانیان سیاسی گرفته اید که جای خوشوقتی است ولی بموازات این تصمیم باید چاره اندیشی شود که مسائل کشور را و مصالح ملت ایران بصورتی در چهارچوب قانون اساسی حل و فصل شود که زندانی سیاسی پیدا نشود چون بحث در برنامه دولت جناب آقای بختیار مستلزم وقت کافی است

نی خواهم وارد این مطلب شوم که زندانی سیاسی از کجا و چرا و به چه علت پیدا میشود تا دستاویزها و انگیزه ها را ازین بردارند و هر ایرانی با فکر ایرانی برای مصالح ایران بایران توجه و اندیشه کند و وقتی فضای باز سیاسی بمعنی واقعی در دسترس همه علاقمندان باشد و محور اندیشه های سیاسی ایران و ایرانی و آینده ایران و مصالح ملت ایران باشد و بس زندانی سیاسی دیگر چه مفهومی خواهد داشت بر همه روشن است.

۳- یک کشور بنام ایران و یک ملت بنام ملت ایران سالهای سال در عرصه پهناورگیتی عرض وجود میکند آرزوی ایرانیان پاك نهاد جز استقلال و تمامیت ارضی و رژیم ثابت سلطنت بر محور قانون اساسی نیست بنا بر این اطمینان داشته باشید در مبارزه بی ایمان با تجزیه طلبان و تجزیه ایران ملت ایران همه وقت پشتیبان شما و دولت شما خواهد بود چرا که هر وقت کلمه تجزیه بگوش

میرسد گوش چشم ما میخواهد از حدقه بیرون آید خون در رگها جریان سریع پیدا میکند و هر کسی در هر مرتبه و مقام که هست آماده برای مقابله و مبارزه میشود بنا بر این اندیشه حفظ ایران و مبارزه بی ایمان با تجزیه طلبان مورد تأیید همگان و توفیق جنابعالی را در رهگذر این کار مهم یش از پیش از پیشگاه حضرت احدیت و با پشتیبانی ملت ایران مسئلت دارم.

جناب آقای دکتر بختیار در بیاناتی که ایراد فرمودید شنیدم که با کسانی که غیر از مردم ایران الهام میگیرند و به پرچمی جز پرچم ایران می نگرند مبارزه خواهید کرد در دل هر ایرانی آتش وطنخواهی شعله ور است مکرر در مکرر شنیدیم با فکر ایرانی برای بقا اعتلاء ایران گام برخوای داشت وقتی پرچم سه رنگ ایران به اهتزاز در می آید دلها به عشق ایران می طپد چرا که این پرچم یکی از نشانه های موجودیت این ملت بزرگ است بنا بر این مبارزه جنابعالی و دولت شما از حمایت بیدریغ همه ایرانیان علاقمند بخاک مقدس و پرچم عزیز ایران برخوردار خواهید بود.

۴- در چند ماه اخیر که جنبش ملت ایران تحقق یافت و در ۱۰ آبانماه سال جاری مورد تأیید شاهنشاه قرار گرفت تعقیب جدی و بی گیری کسانی که نا جا انتردانه بحقوق حقه ملت تاخستند و سوء استفاده کردند و به بیت المال تجاوز نمودند و مملکت را به این روز در آوردند یکی از خواسته های ملت است.

جناب آقای دکتر شاپور بختیار مردم میخواهند هرچه زودتر شاهد مجازات این دسته از عاملین فساد باشند لذا اقدام عاجل و فوری دولت جنابعالی برای باور مردم از عواملی است که بقاء دولت آن جناب را تحکیم می بخشد. مملکت ایران مسلمان و مذهب رسمی آن شیعه اثنی عشریه است و به همین مناسبت تعظیم شعائر دینی و اجرای مقررات اسلامی در سایه توجهات و تشریک مساعی جامعه محترم روحانیت مورد علاقه تمام مردم ایران است بدیهی است اقلیت های مذهبی بحکم تعالیم عالیله اسلامی و به اعتبار قانون اساسی همواره محترم بوده و خواهند بود بنا بر این از اینکه عزم جزم کرده اید تا دو بازه استفاده از راهنماییهای روحانیون عظام در راه اجرای مقررات اسلامی گام بر دارید بسیار پسندیده است و بدانید که در کف عنایات ائمه اطهار و بمقدور انشا الله موفق و مؤید خواهید بود.

جناب آقای بختیار آنچه از بیانات و مصاحبه مطبوعاتی جنابعالی استنباط شد نوید بخش و آینده ساز تلقی گردید اما آنچه لازم است مورد عنایت قرار گیرد

و بنده به سهم خود لازم میدانم یادآور شوم بشرح زیر اعلام میگردد:

۱- صنعت نوپای ایران از وضع فعلی باید بکلی خارج شود زیرا پیشرفتهای صنعتی بر پایه مونتاژ استقرار یافته است که بهیچوجه نمی تواند مارا بیک کشور صنعتی تبدیل سازد بنا بر این از جمله کارهای مهم دولت شما تعیین و تکلیف نحوه صنعتی شدن کشور است.

۲- اصلاح قانون کار از طریق تجدید نظر کلی و اصولی در قوانین کار و تأمین اجتماعی بنحویکه بحق بتواند کارگر زحمتکش ایرانی را برین رفاه و آسایش سازد و هویت و شخصیت کارگر را در جامعه شاخص و محترم نگاه دارد و بوسیله کارگر و کارفرما بر پایه حسن تفاهم و علاقه قلبی و افزایش تولید تضمین کند.

۳- عطف توجه عاجل بکار کشاورزی که خود صادرات مواد غذایی و روغن داشت و امروز نیازمند استفاده از تمام مواد تولیدی و غذایی کرده است.

اصلاح فوری قوانین مربوط به زراعت و آبیاری و لغو مقررات دست و پاگیر بنحوی که با زراعت شکوفا و دست یابی به آب کافی خود کفا باشیم و در حقیقت عملاً کشت و صنعت مفهوم واقعی داشته باشد.

۴- دولت جنابعالی باید بصورتی تلاش کند که ناباورها را از میان برود مردم به آینده امیدوار باشند آزادی عقیده و بیان و قلم در حدی که نظام کشور را بهم نریزد در دسترس استفاده مردم باشد از انتقادهای سازنده نهراسید و بخواسته های مردم توجه شود روابط دولتیان با مردم و برخورد مردم با دولتیان بر پایه صداقت و اسانت و لازم ملزوم مقرر گردد و عده های آنچه عملی است بمردم بدهند زیرا نا باورها بر اثر گفتن ها و انجام ندادنها پیدا شده و مردم را بکلی روبرو با دولتیان قرار داده و حال آنکه باید دولت در کنار مردم و مردم در کنار دولت باشند هر کس به اداره ای مراجعه میکند چون آقدر با قیافه های گرفته و ابروهای درهم فرو رفته مواجه شده که رغبت نمی کند برود و خود را برای مبارزه حاضر میکند.

لذا جنابان وزیران کابینه جنابعالی باید تذکرات لازم را بهمکاران خود بدهند خلاصه مردم بعد از چند ماه تلاش انتظار دارند اکنون که نقطه عطف هاروشن - تنگناها مشخص - خواسته ها مسلم شده و با یک دولت صادق روبرو هستند. ضمناً باید در برنامه های رادیو تلویزیون آنچنان تجدید نظر شود که مردم باور کنند







این دستگاه منعکس کننده حقایق و واقعیات است زبان فارسی را بجان و دل داشته باشد و حفظ آنرا وظیفه خود بدانند نه اینکه هر کس هر لغتی که دلخواه او است استعمال کند و مردم عصبانی شوند. چرا که این وسیله باید تا حدی در آرامش فکری و روحی مردم مؤثر باشد و مردم با رغبت به شنیدن و دیدن برنامه‌های رادیو تلویزیون گوش فرا دهند و چشم بدوزند نه اینکه هروقت کسی خواست پیچ رادیو را باز کند یا کلید تلویزیون را بکشد حاضرین او را مورد حمله قرار دهند و نگذارند آندورا باز نماید.

جناب آقای دکتر بختیار بنده که بعنوان موافق با برنامه دولت شما صحبت کردم خدا را شاهد میگیرم که بر اساس وطن خواهی و ایران دوستی برخود فرض دانستم که از اندیشه‌ها و برنامه دولت جنابعالی که پیش‌بینی میشود بنفع مملکت پیاده خواهد شد پشتیبانی کنم و در این لحظات حساس از همه ملت ایران بخواهم که با کسانی که کمر خدمت محکم بسته و می‌خواهند ایران را در موضوع خود و بمذد قانون اساسی و با رژیم پارلمانی سلطنتی حفظ کنند همکاری و تشریک مساعی و پشتیبانی کنند باشد که هر چه زودتر ناآرامیها مبدل به آرامش و ناپاوریها به باور صحیح و توبیخها به امید مبدل گردد مظاهر بقاء ملک و ملت با شکوفائی هر چه بیشتر در کنار پرچم سه رنگ ایران که در حال احتزاز است نوید بخش آینده‌ای متضمن مصالح ملی میباشد.

جناب آقای نخست وزیر در مقدمه برنامه دولت خودتان اشاره و به لحظات حساس کشور و یک توطئه بین المللی عظیم برای تضعیف و خدای ناخواسته تجاوز ب موجودیت و حاکمیت ایران گردیده و وطنخواهان با ایمان همه نگرانند و بنده در موافقت با دولت جنابعالی و برنامه تقدیمی به مجلس نیز تحت فشار این نگرانیها خواستار آنم که هر چه زودتر با رفع نگرانی در جمیع جهات تلاش کنید و بی شک ملت نجیب و حقشناس ایران با مشاهده آثار تلاش‌های سازنده جنابعالی صادقانه دولت شما را پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. از اینکه قانون اساسی را محترم و اجرای روح و کلام و فریضه آن را بعنوان پیوند ناگسستی با مذهب اسلام اعلام کردید موجب مزید تشکر و امیدواری است زیرا ملت ایران پای بند این دین مبین اسلام و کتاب آسمانی و قرآن مجید و دل بسته قانون اساسی که خونهای پاک شهیدان مشروطیت ایران

بمشترک آن است بوده و میباشد شما با کوهی از مشکلات روبرو هستید و بطور قطع با آگاهی از مشکلات موجود آماده قبول مسئولیت شده‌اید چون نسبت بموارد ۱۰۰ و ۳۰۰ و ۴۰۰ و ۵۰۰ مندرج در رئوس برنامه‌های فوری دولت جنابعالی قبلاهم کم و بیش بحث شده و مورد توجه و قبول است موجب اتلاف وقت نمیشوم و در مورد بند ۷ و ۶ بهنگام تقدیم لوائح مربوطه عقائد خود را تشریح خواهم کرد.

درباره بند ۸ موضوع لغو تدریجی حکومت نظامی امیدوارم تمام طبقات و بخصوص روحانیون گرانقدر در رعایت نظم و تأمین آرامش و آسایش بیش از پیش رشد فکری خود را بروز و ظهور دهند.

درباره بند ۹ و ۱۰ برنامه منظومه موضوع شهدا و پرداخت غرامت به آنها نیز در موقع طرح لایحه تقدیمی دولت آنجناب در مجلس اظهار نظر خواهد شد.

اما چون ادامه اعتصابات زندگی روز مره رافلیج - اقتصاد کشور را مختل - تولیدات را در حد اقل - کاهش و بیکاری را در حد اعلا ی افزایش نشان میدهد اخذ تصمیم و اتخاذ تدابیر فوری و عملی یا همکاری تمام طبقات بخصوص جلب عنایات مراجع تقلید کمال ضرورت را دارد و اعتصاب کنندگان گرامی - توجه داشته باشند که سرانجام این نابسامانی و بهم ریختگی چه خساراتی را متضمن خواهد داشت و بهمین مناسبت اینک که ندای انقلاب واقعی ملت بسمع جهانیان رسید دیگر باقیماندن در حال اعتصاب نه تنها مؤثر در اصل اهداف ملی نیست بلکه از مسیر واقعی و حقیقی و معنوی منحرف خواهد ساخت مساعد شدن زمینه برای اجرای مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ بستگی تام و تمام به پایان یافتن اعتصابات دارد و مورد نهایت ضرورت میباشد و خود نمایانگر تأیید ولزوم خاتمه دادن با اعتصابات است امیدواریم توفیق حاصل فرمایند و اعتصابیون بخاطر بقاء ایران و شکوفائی اقتصاد و آسایش مردم بندای جنابعالی جواب مثبت بدهند و آیات عظام و بخصوص مراجع تقلید در این باره بجهت هشدار دهند و هر چه زودتر شاهد وضع عادی و پیشرفت امور و ترمیم خرابیها و بکار افتادن چرخهای تولید کشور و بهبود وضع اقتصادی باشیم هیچکس نیست که نخواهد انتخابات از سطح روستا تا مجلسین (انجمن دم انجمن شهر - بخش و شهرستان - استان و مجلسین) در محیطی آزاد و باتمایل و آراء مردم انجام پذیرد. بنظر بنده که شاید مورد قبول بسیاری از علاقمندان باشد توفیق در این باره مستلزم عادی شدن وضع مملکت در کلیه جهات بالاخص وجود

امنیت است تا همه بتوانند آزادانه بیایند و بحث کنند و جلب توجه کنند و احزاب قانونی موجود یا احزابی که در چهار چوب قانون اساسی تشکیل خواهد شد توانائی تبلیغ برنامه‌های خود را داشته باشند و در حقیقت بعد از اجرای ماده ۱۷ که در آن با ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون اشاره کرده اید عمل برنامه ریزی برای یک انتخابات آزاد میسر و مقدور خواهد بود.

در مورد سیاست خارجی دولت ملاحظه شد اساس سیاست خارجی را بر پایه شناخت صحیح واقعیات داخلی و خارجی بر محور صداقت و صراحت در روابط بین المللی بنحوی که متضمن حقوق و منافع ملت ایران و تمامیت ارضی، وحدت، حاکمیت و امنیت ملی استوار داشته که مورد تأیید است. تقویت و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با کشورهای اسلامی بسیار ارزنده است چرا که مسلمانان جهان میتوانند نیروی شکست ناپذیری بوجود آورند که در جهان پهنای مایه پایداری و جاویدانی است هم چنانکه حفظ و توسعه روابط با کلیه دول جهان بخصوص همسایگان بر اساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر و همزیستی مسالمت آمیز استقرار داده‌اید. اما مطلبی که بنظر میرسد توسعه روابط ایران با کشورهای که وجود مشترک و بستگی های ملت ایران با ملل در حال رشد دارد میباشد که پیشرفت در این راه انسانی و مردمی با توجه بسوابق تمدن درخشان ملت ایران و همکاری و هم فکری و نوع پروری که صفت شاخص ملی ما شناخته شده و موجب افتخار و سربلندی است تلاش و کوشش ایران در جهت رفع تشنجات بین المللی با توجه به پیشرفت برنامه‌ها و توسعه اقتصادی و اجتماعی که مالا تحقق آرمانهای ملت ایران بستگی بان دارد در پناه صلح و آرامش در روابط بین المللی بسیار بجا و مورد تأیید است.

پشتیبانی بدون قید و شرط از اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و تلاش در تحقق خواسته‌های مشروع مللی که برای رهائی از قید استعمار تلاش می‌کنند و اقدامات جدی در زمینه رفع تبعیض نژادی و بطور کلی در موارد ۷ و ۶ فصل سیاست خارجی روشنتر راهی است که دولت آنجناب انتخاب کرده و مورد تأیید است و توفیق دولت را در تهیه لوائح لازم برای تکمیل سازمان دیپلماتی و تکمیل اساتامه قانونی و تقدیم آن به مجلسین خواستارم در سیاست داخلی دولت جنابعالی که تأمین

آزادی فردی و اجتماعی و آزادی عقیده و بیان و آزادی قلم در چهار چوب قانون اساسی و اعاده حیثیت توه قضائی و تأمین استقلال آن و عدم دخالت دولت در کار تجارت و امور صنعت مگر در موارد مندرج در متن برنامه و تجدید سازمان اجتنابناها مناسب با برنامه‌های منظور و اجرای برنامه ریزی در جهت خود کفائی کشاورزی و دامپروری و مبارزه شدید با تورم از

خواسته‌های ملت ایران است که توفیق دولت شما را خواستارم در اینکه ترکیب سازمانها هر چه باختصار در خدمت مردم باشد بسهولت لازم مشهود است و در جهت استقلال دانشگاهها انحلال وزارت علوم و آموزش عالی از جمله تصمیمات پسندیده و معقول است و تجدید نظر در تشکیلات سازمان برنامه و بودجه نیز نهایت ضرورت را دارد جناب آقای دکتر بختیار برنامه دولت شما تقدیمی به مجلس شورای ملی متضمن نکات بدیع و تازه‌ای است که در رهگذر خواسته‌های مردم و عصاره آنچه در مبارزه با فساد و تعقیب فاسدان مورد توجه مردم است میتواند امیدبخش باشد واز اینکه میخواهید ضابطه جای رابطه را اشغال کند و همیشه از جمله خواسته‌های طبقات مختلف مردم بشمار میرود اطمینان داشته باشید بعد از این همه تلاش و مبارزه چنانچه توفیق اجرای برنامه تقدیمی را حاصل فرمائید بسیاری از مشکلات و معضلات حل و فصل خواهد شد.

رئیس - آقای قائمی بفرمائید.  
قائمی - بنام خداوند قهار منتقم آغاز سخن می‌کنم خدای را صفات بسیار است شاید باقتضای صفتی که عرض کردم نام خدا را بر زبان آوردم چون، کردند بر سر زمین ایران، بر مردم پاک سرشت میهن ما، آنچه را که سزاوار نبود و می‌بایست در برابر خداوند و در برابر تاریخ انتقام پس بدهند از اینجهت بنام خداوند منتقم آغاز سخن می‌کنم جناب بختیار دولت شما در شرایط بسیار دشواری بیدان آمده است، وضعی بس مشکل داریم اما وضع من و گروه دیگری از همکاران که در سالهای گذشته این مجلس موضع اعتراض، موضع انتقاد (یکی از نمایندگان - نه از اول) از همان اول از همان روز تخت در موضع حق گویی بودیم (همه نمایندگان) قضاوت با ملت و با تاریخ است که قضاوت خواهد کرد. خوشبختانه صورت مذاکرات مجلس شورای ملی هم ننندی است که وجود دارد.  
توکلی مگر شما به آقای هویدا رأی ندادید؟  
قائمی - به همان آقای هویدا آنچه باید بگویم در



بوده سال ۵۰ گفتم. افسوس میخورم که چرا بعضی از دوستان بجای ۱۸۰ درجه ۳۰۰ درجه تغییر جهت داده‌اند به ترتیب من خواستم برای شما روشن کنم که وضع هم چون منی هم چندان ساده نیست. شما آقای بختیار دولت خود را حاصل انقلاب و جنبش عظیم ملت اعلام کرده‌اید اما اعتقاد من اینست که ملت ایران بیا نخاست، انقلاب نکرد، ایثار در دادن خون عزیزان نکرد تا دولت شما مصدر کار شود و کرسی صدارت تقدیم شما شود: انقلاب و جنبش ملت ایران پیام داد، پیامها دارد، من هر چه در برنامه شما بررسی کردم انعکاسی از پیامهای گوناگون جنبش و انقلاب ایران را نمی‌بینم اجازه بدهید عرض کنم پس چطور شما بوجود آمده انقلاب ملت ایران هستید؟ یککاش چنین می‌بودید که این آرزوی من بود. یککاش چنین بود.

**پوربردباری** - باز هم مخالفت می‌کردید (خنده نمایندگان)

**قائم** - بله باز هم اگر قدمی بنا سزا میرفت مخالفت می‌کردم شما می‌بایست بر پایگاههای ملی بر پایگاههای انقلابی ملت ایران همچنان تکیه می‌داشتید تا این سخن درست در آید. اما مگر جبهه ملی ایران اعلام نکرده است که شما از گروه جبهه ملی اخراج هستید؟

**امیندخت صبح** - جبهه ملی فقط بیست نفر هستند.

**قائم** - مگر حزب ایران که شما از ارکان آن بودید عضویت شما را منتفی اعلام نکرده است؟ (چند نفر از نمایندگان - خیر)

**رفعتی** - اشتباه قلمی بوده است

**اجاق** - بگذارید حرفشان را بزنند.

**قائم** - مگر از موضع عالی انقلاب و جنبش ملت ایران اعلام نشده است که موضع شما قانونی نیست و شما مطرود هستید چطور با چنین شرایط اعلام می‌فرمائید که شما حاصل انقلاب و جنبش ملت ایرانی هستید شما در یکی از مصاحبه‌ها پتان فرموده بودید که این موضع عالی یعنی حضرت آیت الله العظمی خمینی نسبت بسایر دولتها نیز چنین بوده اند. آیا این جهات، توجه کنند و ادعای شماست تقاضا دارم هنگام پاسخ، باین سؤال هم جواب بفرمائید. دوستان در برهه‌ای از زمانیم که بیداری و هشیاری بسیار لازمست، سرنوشت ملت که سال ایران مطرح است ایران باید مانند و میماند (انشاء الله) ملت ایران از قومیت، از تاریخ، از سرزمین و از حیث ملی و تاریخی خویش با جان و دل همچنان که در طول قرون و اعصار

پاسداری کرده پاسداری می‌کند. چرا؟ چرا وقتی در قبال جنبش عظیم ملت که بغاوت محو آثار استعمار، استثمار استبداد ظهور و بروز کرده است مردم را می‌ترسانید می‌گویند کودتا میشود چه کسی کودتا کند؟ **یکی از نمایندگان** - کسی نگفته است.

**قائم** - ارتش ایران، فرزندان همین ملت است، جان و دل افراد ارتش با جان و دل هر ایرانی عجیب و در هم آمیخته است. چطور فرزندان ایران که در لباس سربازی هستند در قبال حق و سخن حق طلبی در برابر قیام و جنبش ملتی که محو استبداد، استعمار و استثمار را می‌خواهد. بر ملت، بر برادران و خواهران خویش خنجر می‌زنند؟ **پور بردباری** - ارتش وظیفه دارد.

**قائم** - اگر دیدیم، که حوادث دردناک و خونین در گيرودار قیام و مبارزه ملت ایران بروز کرد و احياناً تنی چند آنچنان که می‌باید عظمت مسئله را درک نکردند و خون عزیزان ما را بی‌گناه بر پهنه ایران زمین ریختند این حکم کلی نیست ولی بر این مبنا و این ضابطه نمی‌شود بر ارتش خدای ناکرده تاخت، نه تنها نمی‌شود تاخت بلکه باید از این برادران خواست که مسلماً پذیرا هستند، که شما در صف مقدم مبارزه ضد استعماری ملت ایران می‌باید قرار داشته باشید و مسلماً چنین خواهد بود. مسلماً ملت ایران و ارتش ایران فرصت نخواهد داد که حتی یک وجب از خاک سرزمین مقدس ما مورد تجزیه قرار گیرد.

**معین اجاق** - بدیهی است.

**قائم** - پس از این جهت ملت ایران هر اسیر بدل راه نخواهد داد. باری، شما جناب بختیار در جبهه ملی ایران سخن‌های راسخ بسیار گفته‌اید یککاش شرایط آنچنان بود که شما با یاران سابق هم عهدی و هم پیمانی خود را نگه می‌داشتید و امروز آن چنان تزلزلی که در پایگاه اجتماعی شما بوجود آمده است بوجود نمی‌آید تا من نیز می‌توانستم در مسیری دیگر سخن گویم اما افسوس، سرمایه و اعتبار بسیار گرانی پشت سر داشتید حاصل سالها مبارزه. گرچه این را بگویم که چهره جنابعالی بعنوان یک مبارز استقلال طلب در جنب و کنار رجال سیاسی ملی از ۱۲-۱۰ سال پیش برای من آشنا شده است گرچه یاران سابق شما را از سال ۱۳۲۹ که دانشجوی دانشکده حقوق بودم و تنی چند از دوستان عزیز که هم اکنون این جا در خدمتشان هستم و در آن جا هم از محضرشان استفاده می‌کردم در کنار نهضت ضد استعماری ملت ایران که به رهبری آنکس که شما میراثش را گرامی می‌دارید و هنوز زیر عکسش

سخن می‌گویند تا اعتبار گذشته را یادآور کنید در آن روزگار که مبارزه ضد استعماری ملت ایران به اوج عظمت رسیده بود من دانشجوی آن روزگار در کنار صف شما، در کنار صف جبهه ملی آن روزگار مبارز بودم.

**یکی از نمایندگان** - بعداً چی؟ بعد از آن چه کردید؟ **قائم** - بنا بر این خوب می‌شناسم چهره‌های ملی ضد استعمار را. بدیهی است این را امروز برای شما گناه نمی‌دانم که اگر شما مدت زمانی بعد از آن تاریخ به نهضت ضد استعماری پیوسته بودید.

**رحیمی لاریجانی** - من شاهد عینی آن وقایع و ۲۰ سال سابقه شما را میدانم. سال ۳۲ شما کجا بودید؟ مغفرت می‌خواهم که این‌ها را می‌گویم.

**قائم** - اگر آن شرایطی را که قبل از جدایی از یار داشتید اکنون هم می‌داشتید امروز چون من بسیار بودند کسانی که با جان و دل شما را تأیید می‌کردند.

**رحیمی لاریجانی** - هنوز هم عده‌ای وطن پرست هستند. من شاهد عینی تاریخ ایران بودم همه‌اش ادعا می‌کنند. رئیس - اجازه بدهید صحبتشان را بکنند.

**قائم** - بسیار شنیدیم! اجازه بدهید کمی هم بگوئیم. باری شماسخن از اطرافیان می‌کنید. در یکی از مصاحبه‌ها که من از قیاس مع الفارقش می‌گذرم گفتید. اما گرداگرد خودمان را نیز حق بود نگاه می‌کردید. انتظار از دولتی که در این شرایط، در شرایط بحرانی، در شرایطی که شما خودتان آنرا بسیار و بسیار خطرناک می‌دانید قبول مسئولیت کردید! انتظار بسود

که چهره‌های بسیار قوی با تجربه، کسانی که بتوانند اینکار بزرگ و این بار سنگین را بدوش بگیرند در کنار داشته باشید. من آنچه دیدم و آنچه را که بررسی کردم جز جناب آقای صادق وزیری که یکی از چهره‌های با تقوای ایران هستند و جز آقای میرفندرسکی که تبحر و تخصص در کار دیپلماسی دارند.

**عباس میرزائی** - شما همه را نمی‌شناسید.

**قائم** - وزیر جنگ که نظامی است و معروف به پاکدامنی من توانی رادر دولت شما نمی‌بینم، با کدام قدرت و توان بیدان آمده‌اید؟

**چند نفر از نمایندگان** - بقیه را شما نمی‌شناسید.

**قائم** - آقایان اجازه بدهید حالاً همه را عرض می‌کنم مگر جناب آقای عباسقلی بختیار وزیر صنایع و معادن شما معاون آقایان عالیخانی و هوشنگ انصاری نبودند؟ مگر تراست‌های صنعتی در فساد و تباهی سالهای اخیر

کم تأثیر داشته‌اند؟ (آفرین) مگر سرمایه ملی ما بجهت این تراست‌سازها نرفته است؟ مگر روز مصاف وطنشان را پیش پیش نفرستاده‌اند، این چمدان وطنی‌ها، این اسکناس وطنی‌ها کجا هستند؟ اینها همان‌ها بودند که در این سرزمین ملت ایران را غارت کردند، هرکس و در هر موضعی که باین بی‌وطن‌ها همکاری کرده‌است لاف‌ل در این شرایط نباید نقش داشته باشد مگر آقای سیروس آموزگار مجله تلاش را اداره نمی‌کردند؟ مگر مجله تلاش را انتشار نمی‌دادند؟

**یکی از نمایندگان** - ایشان شخص دانشمندی هستند. **قائم** - من به دانش‌شان تعظیم می‌کنم. **یکی از نمایندگان** - بوزارتشان هم تعظیم کنید.

**قائم** - بمن بگوئید حرکت مجله تلاش در کدام زمینه‌ها بوده است؟ آیا منطبق است با خواست ملت ایران در شرایط حاضر؟

**شریعت** - حرکت شما هم در سه سال قبل همین بود. **قائم** - جواب شما را قبلاً دادم البته نه در این دولت بلکه هنگامیکه در دولت شریف‌اماسی سخن می‌گفتم و همچنین زمانیکه در مخالفت با کفایت مذاکرات در دولت ارتشید از هاری صحبت می‌کردم اینجا جواب این چنین حرف‌ها را عرض کردم.

**رحیمی لاریجانی** - شما با معاون آقای دکتر آموزگار رفیق بودید، من شما را می‌شناسم شما هم مرا می‌شناسید چرا در زمان آموزگار نگفتید؟ روزیکه من گفتم اطاق اصناف باید منحل شود تو کجا بودی؟

**قائم** - اجازه بدهید صحبتم را بکنم. **رئیس** - آقای رحیمی بشما تذکر میدهم که دیگر شعار ندهید.

**قائم** - به اعتقاد خودتان شما می‌توانید این بار سنگین راه منزل پرسیانید. باز بگویم در حساس‌ترین شرایط تاریخی میهن که شما بقول خودتان شجاعت، جسارت، شهادت بخرج داده‌اید و نخواسته‌اید که به تعبیر خودتان نیک نامشی‌ها را بعد از صدو بیست سال بگور ببرید آیا باید با کابینه‌ای دست و پا شکسته و ناقص به مجلس بیائید؟ وزاری راه و نیرو و بازرگانی شما کجا هستند؟

باری هرکس بخواهد یا نخواهد جنبش مقدس ایران طریق خود را تا انتها طی خواهد کرد (صحیح است) جنبش ملت ایران پیام‌های اصیل خود را تا تحقق نبخشد آرام نخواهد نشست، ماهیت ضد استعماری



جنبش می‌بایست بخواست خدا و بیاری و حرکت ملت به نتیجه قطعی برسد و برای همیشه نفوذ و دخالت و نقش استعمارگر در میهن ما، در جامعه ایران زمین تمام بشود. در جراید از قول خبرنگارها می‌شنویم می‌گویند که در ماورای بحار در گوشه و کنار دیگران برای ما تصمیم می‌گیرند اینرا در خبرنگارها می‌شنویم و در جراید خودمان هم می‌خوانیم، جنبش ملت ایران می‌خواهد تصمیم گیرنده در سرنوشت ملت باشد و لاغیر. بنابراین توجه داشته باشید که درجه شراطی، درجه لفظاتی، در قبال چه خواست‌هایی قبول مسئولیت کرده‌اید. آیا باین توان و نیرو که من الکن اشارت مختصری نسبت به زوایا و قسمت‌هایی از آن کردم، می‌توانید کاری از پیش ببرید؟ آیا در خودتان این توان و نیرو را سراغ دارید؟ من که سراغ ندارم، بدین جهت بعلت سراغ نداشتن این توانائی و قدرت بنام مخالف در این مجلس می‌گویم و رأی بکوبم هم بدولت شما خواهم داد. اما آیا شما برآستی در پاسخ عرایض من این را توجیه می‌فرمائید و این توان را در خودتان و در دولت خود می‌بینید؟ اگر می‌بینید برای شما آرزوی توفیق میکنم.

**جلالیان** - شما در شخص دیگری این توان را سراغ دارید آصف - در خودشان

**قائم** - من داوطلب هیچگونه کار دولتی نیستم. بازی بهتر است که در جزئیات برنامه دولت شما وارد بشوم چون من در کلیت از نظر وجودی و موضوعیت برای این جمع و هیأت متأسفانه توان کافی نمی‌توانم پیدا کنم و بسدان معتقد و ایمان داشته باشم از اینجهت و از این زاویه در مخالفت با دولت شما صحبت میکنم بنا بر این زیاد وارد فرازاها و قسمت‌های مختلف برنامه شما شدن، شاید ضرورتی نداشته باشد. من اگر با شما رابطه دوستی میداشتم باور کنید در آن هنگام که این تصمیم را می‌گرفتید که یاران گذشته را، اعتبار سیاسی چندین ساله را، همه و همه را برای گرفتن عنوان صدارت کنار بگذارید عرض می‌کردم:

ورنه کار صعب است مبادا که خطائی بکنی **توکلی** - ایشان برای نجات مملکت در این لحظات شهادت بخرج داده‌اند.

**قائم** - اما متأسفم که اینچنین افتخاری را هم نداشتیم و این توفیق را پیدا نکردم. من سخنان را کوتاه می‌کنم (احسنست) و نتیجه می‌گیرم و امیدوارم باشد که با قبول و پذیرش

جنبش ملت ایران دولتی بتواند مشکلات میهن ما را با حفظ تمامیت ارضی و با وحدت ملی، با حفظ قومیت‌ها، با حفظ میراث تاریخی پاسداری کند. و این را باید بگویم که تهدید به کودتا خطاست توهم تجزیه صحیح نیست. ملت ایران قرنها توان و قدرت خود را در حفظ تمامیت، تمامیت به تمام معنی، ارضی، فرهنگی و معنوی برای نگهداری از تاریخ کهن خویش با ثبات رسانیده است و امروز هم شایستگی بیشتری پیدا کرده است و چیزی کمتر نشده است. بنا بر این از اینجهت هم جنبش ملت ایران وحشتی بدل راه نمی‌دهد. سرفراز، مفتخر و پیروز و مباحی به پیش خواهد رفت و موفق خواهد شد (صحیح است، احسنست) امید است که کوچکترین عارضه‌ای که مساقل ملی و میهنی ما را خدشه دار کند، در این راه بچشم نخورد. اجازه بدهید صادقانه و صمیمانه عرض کنم آنچه که گفته‌ام از اعماق دل گفته‌ام هر که را باور باشد یا نباشد از نظرم ناچیز، تأثیری ندارد.

**جلالیان** - ما که باور نکردیم!  
**قائم** - ولی این را می‌گویم و می‌گذرم، برخلاف بسیاری:

آیت از کسی نپذیرفته‌ام. آنچه دلم گفت بگو، گفته‌ام عرض دیگری ندارم، متشکرم (احسنست).  
**رئیس** - آقای هرزندی بفرمائید.

**مهندس حسن هرزندی** - بسم الله الرحمن الرحیم - قل اللهم مالک الملک، تؤتی الملک من تشاء وتزع الملک من تشاء و تعزمن تشاء و وتذل من تشاء بیدک الخیر. قبل از آغاز سخن و بحث در ماهیت دولت جناب آقای دکتر بختیار ناچارم همانند همه انسانهای پاك سرشت و مسلمان و وطن پرست از وقایع بسیار تأثر انگیز و فجاج دردناک را که از دیماه گذشته در اکثر نقاط ایران اتفاق می‌افتد و مرتباً نیز ادامه دارد شدیداً ابراز تأسف کنم (با قلبی آکنده از تألم و تأثر فجاج وحشتناک و کشتارهای دسته‌جمعی که نمونه‌های آن، وقایع اخیر مشهد و قزوین و کرمانشاه و تبریز و سایر شهرهای ایران میباشد به عموم ایرانیان بالخصوص جامعه روحانیت و خانواده‌های داغ‌دیده تسلیت عرض نمایم) و پروان پاك شهیدان راه آزادی و حقیقت و استقلال ملک و ملت درود بفرستم و از خداوند قادر و متعال به خانواده‌هایی که عزیزان خود را از دست داده‌اند صبر و شکیبائی آرزو دارم. (در رهگذر وصول به مقصود از خداوند دانا و توانا مدد می‌طلبم که قوه بیانم مرا در طرح مطالب آن

چنان یاری کند که از مسیر حق و صراط مستقیم منحرف نشوم. یارای آنرا داشته باشم تا آنچه در دل دارم بیان کنم و زبانم گویا و تشریح مسائل رسا باشد).

بیش از یکسال است که کشور ما بدل به صحنه نبرد دائمی و خستگی ناپذیر ملتی ستم‌دیده، ازجان گذشته و فداکار شده است. این جنبش پرتوان که دولت و دشمن را به حیرت انداخته و جهانیان را به تحسین و اعجاب واداشته است، از اعماق فرهنگ، تاریخ، هویت و ایمان این ملت کهنسال و مسلمان برهبری آیات عظام و مراجع تقلید سرچشمه میگیرد. موج فزاینده این حرکت و قیام ملی بدنبال ۲۵ سال فساد و خیانت و جنایت و خفقان و اختناق، سراسر میهن ما را فرا گرفته است. امروز هیچ شهرو روستای دور افتاده‌ای در این مملکت نیست که از شرکت در این قیام عمومی بدور مانده باشد امروز هیچ بخشی از زندگی و سیاست اجتماعی و بنایی فکری این جامعه نیست که دستخوش تحول و تغییر نشده باشد. سراسر کشور یکپارچه قیام است و تحرك. چرخ وحشتناک کشتار دسته‌جمعی که دولتهای وقت علیه مردم براه انداختند بدون وقفه به جنایات خود ادامه داد در اکثر نقاط کشور تا آنجا که توانستند مردم بیگناه را کشتند. با سلاحهای که برای میدانهای جنگ تهیه و به پول این ملت محروم خریداری شده‌اند دست به قتل عام مردم بیگناه زدند، ولی علیرغم همه این کشتارها، مقاومت و مبارزه مردم همچنان ادامه دارد و به پیش میرود.

تمام چرخهای اقتصادی و اجتماعی واداری کشور از کار افتاده است. ازاده توانای قیام و اعتصاب ملت، دولتهای بی‌ملت را بزانو درآورده است. حس تعاون و همنستگی که در فرهنگ مذهبی و ملی ما ریشه عمیق دارد موجب شده تا با وجود اینهمه اعتصابات، مردم در برابر توطئه دشمن در جهت فرسایش آنان مقاومت کنند، اوضاعی که امروز در ایران بوجود آمده چهار علت اصلی و چند علت فرعی دارد. علت اول ظلم و ستم و فجاج هیئت حاکمه و فساد دستگاه اداری کشور. دوم تحقیر مراجع تقلید و آیات عظام سوم پول فراوان و ناگهانی است که از فروش تنهاترورت ملی، نفت نصیب ایران شد. علت دیگر شاید اصرار حکومتی آمریکا بود که حکومت ایران حقوق بشری و اعلامیه حقوق بشر را در ایران رعایت نمایند.

خیانت (سیاست رجال آزادی)

ماکیاول در پنج قرن پیش گفته است مملکت را یکی از دو صورت میتوان اداره کرد.

۱- بدست مردم متحمن و متحرم که البته این طبقه چنانچه پادشاه دستوری بدهد که خلاف مصلحت مملکت باشد اطاعت نخواهند کرد ولی اگر برای کشور یا پادشاه حادثه‌ای پیش آید میتوانند برای کمک به آنها عامل مؤثری باشند و بی‌گنوید نمونه این طرز حکومت در فرانسه است.

۲- بدست مردم بی‌شخصیت که زمام امور مملکت را در دست گرفته‌اند، البته این چنین مردمی هر دستوری را اطاعت میکنند. ولی اگر برای کشور پادشاه خطری پیش آید بدیهی است که از این غلامان کاری ساخته نیست و صریحاً نوشته است که نمونه این طرز مملکت داری در ایران است.

شهریور ۱۳۲ که هجوم شروع شد فروغی از بستر بیماری برخاست و نخست‌وزیر شد. روزهای تیره و تاریکی بود قصد اشغال در میان بود و دندان تیز طمع استعمارگران که داشت در پناه سرنیزه سربازان که وطن ما را در اشغال داشتند برق میزد. در آن روزهای تعیین کننده برآستی کسی نمی‌دانست که فردا چه خواهد شد و آیا کشوری بنام ایران با همان تمامیت جغرافیاییش بر نقشه باقی خواهد ماند یا خیر؟ در این موقع حساس بود که فروغی را از بستر بیماری به سست نخست‌وزیری فرا خواندند. این قبول مسئولیت در حقیقت خواسته ملتی بود که در ک شرایط حساس فرزندی از فرزندان خود را بخندت فرا میخواند و فروغی آمد و در آن اوج هیاهو و جنجالها و تهمت‌ها و آشفتگی‌ها، کمر همت و خدمت بست تا که موج حادثه را از سر بگذراند و یا در سالهای تیره و تاریک و اندوهبار پس از جنگ بین‌المللی اول مستوفی‌الممالک‌ها و مؤتمن‌الملک‌ها و مشیرالدوله‌ها بودند که شجاعت و ستانت و وزن و وقور خود را بر سر نجات ایران بگذراند.

برآستی امروز در متن سیاست مملکت چه کسی را سراغ داریم که بیدان مبارزه بیاید و قبول مسئولیت کند. برآستی اگر جامعه روحانیت وجود نمی‌داشت که بعنوان مرجع و پناهگاه مردم ستم‌دیده به مبارزه برخیزد آیا رجل-رجل و رجال سیاسی باقی گذارند و یا گذاشتند بوجود آید که امروز ترجمان خواست و هدف مردم باشد.

مسلم است که جامعه روحانیت با درک کامل موقعیت تاریخی کشور سهم بزرگ خود را در حصول به



هدفهای این مبارزه که شاهد آن هستیم ایفاء کرده و خواهد کرد. اما مگر نه اینست که روحانیت پیوسته بر اقبال سمتهای دولتی و دولتمردی است، و مگر نه این است که چرخهای اداره مملکت باید در دست رجالی باشد که در گیرودار حوادث تجربه اندوخته اند و دل و ایمانشان در گرو سرفرازی ملی باشد.

آیا برآستی در طول این دو دهه گذاشتند که کسی چهره کند و آیا گذاشتند که ذخیره‌ای از دلتمردان معتقد بوجود آید و آیا گذاشتند که رابطه سالم و مبتنی بر اعتقاد و ایمان بین مردم و شخصیت‌ها بوجود آید. آیا غیر از این است که مأموران و ویرانگری ایران، بهیچ چیز رحم نکردند حتی بفردای کشور که احتیاج داشت و امروز می‌بینیم که احتیاج دارد، که معموری از عدلنگاه خود بیرون بیاید و برای سامان بخشیدن به شیرازه درهم پاشیده دامن همت بکمر بزند. مسلم است که جنبشی که امروز شاهد آن هستیم از من خود فرزندان برومند بیشماری را تربیت خواهد کرد که با خصالت دگرگونی و تحول آشنا هستند و مسلم است که ملت بزرگی مثل ملت ما که یکی از افتخاراتش پروراندن چهره‌های پرفروغ است عقیم نماند و نمی‌ماند همچنانکه امروز رهبران شایسته‌ای هستند که مبارزه ملی را رهبری می‌کنند و مسلم است که گسستن بندها، همچنانکه به سیاست غارت ملی پایان می‌دهد، به سیاست (رجال زادنی) نیز پایان خواهد داد.

آیا برآستی احساس نمی‌شود که در متن دنیای سیاسی ما، جای سیاست مردان وطن پرست و شیخ‌ساع و آگاه خالی باشد و آیا احساس نمی‌کنید که شجاعتها از ازدل و جان کسانی که بعنوان رجالشان میشناسیم رخت بر بسته است. آیا احساس نمی‌کنید که جای مصدق‌ها و فروغی‌ها و مدرس‌ها و امیر کبیرها خالی است. در غیر اینصورت کار به اینجا نمی‌کشید که تعدادی خیانتکار و جنایتکار مصدر امور مملکت باشند.

«یاد آن بزرگ مرد فلسفی و سیاسی بخیر که میگفت اگر قرن ۱۹ قرن مردان بزرگ در برابر مشکلات کوچک باشد قرن ما قرن مشکلات بزرگتر است در برابر مردان کوچک»

جناب آقای دکتر شاپور بختیار اکنون جنابعالی وارث وضع بسیار آشفته و اسفبار موجود در مملکت عزیزمان هستید. جنابعالی در برنامه کوتاه مدتی که به مجلس ارائه داده اید مدعی اصلاح جامعه کنونی ایران هستید

که در اثر فساد و بی لیاقتی‌ها و خودکامگی‌ها و خیانت‌ها و جنایت‌های وحشیانه دولتهای ۲۵ ساله اخیر بوجود آمده، جنابعالی در بیامی که قبل از اخذ رأی تمایل مجلسین بملت ایران فرستادید. ضمن اشاره به مبارزات پیگیر ۲۵ ساله خویش و اعتراضات مستمر به نحوه اداره کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که منجر به سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق گردید در تشریح زندگی سیاسی ۳۰ ساله خویش چنین فرمودید:

من پسر یکی از سرداران مشروطه و یکی از وفادارترین یاران رهبر بزرگ ملت دکتر محمد مصدق سوگند یاد میکنم که به محض رسیدن به قدرت و بطور سریع افرادی که به جان و مال و ناموس مردم تجاوز نموده‌اند و یا از بیت‌المال مردم استفاده نموده‌اند به اشد مجازات برسانم.

سوگند یاد میکنم که کلیه زندانیان سیاسی را بشروط سیاسی بودن آنها از زندان آزاد کنم.

سوگند یاد میکنم که کلیه آزادیهای فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را به اسرع وقت جامه عمل ببوشانم.

سوگند یاد میکنم تا آخرین نفس با تجزیه طلب و آنهایکه غیر از خلق ایران و از پرچمی غیر از پرچم سه رنگ سخن میگویند مبارزه کنم.

سوگند یاد میکنم که مروج دین اسلام در کشور خود بوده و در ضمن مذاهب شناخته شده را به دیده احترام بنگرم.

جنابعالی در گفتگوی تلفنی با خبرنگار اطلاعات بشرح

مندرج در روزنامه عصر تهران مورخ ۱۸/۱/۵۷ اعلام فرمودید تکلیف فاسدان و جنایتکاران و کسانی که ملت را ۲۵ سال هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی شکنجه کرده‌اند، در همین هفته روشن خواهید کرد؛ چنین اضافه نمودید وقتی که بعنوان نخست وزیر وارد کاخ نخست وزیری شدم بخود لرزیدم اینجا نخست وزیر نیست قصر لوتی چهاردهم است که از پول ملت و از دسترنج میلیونها ایرانی زحمتکش که با آزادی، صبح تا شب تلاش می‌کنند بنا گردیده.

نخست وزیران پیشین خاصه هویدا که سیزده سال هر چه دلش خواست کرد و هر جنایتی که توانست مرتکب شد. جنابعالی ضمن اشاره به آئینه کاری و ظروف طلا و چهل چراغهای افسانه‌ای این کاخ که در سراسر دنیا مکانی برای احقاق حق مردم و رسیدگی به تظلمات ملت است وعده دادید که فیلمی از این کاخ تهیه و برای عموم ملت به تماشا بگذارید. تا ملت به بیند چگونه هستی

آنها را دولت خدستگذار به غارت برده و حتی برای ساعاتی که مثلا به ترقی و ترقی امور مملکت مشغول بود، چه زندگی ننگینی در داخل ساختمان نخست وزیری برای خود تهیه دیده‌اند. واقعا نمیدانم با چه کلامی اندوه خود را پس از دیدن قصر صدارت عظمی توصیف کنم. هویدا و دولتهای دنباله رو او را با مرحوم دکتر مصدق که پاسدار ملک و ملت بود مقایسه کردید. در آخر اضافه فرمودید بعنوان یک فرد از افراد ملت و بعنوان کسی که سی سال علیه استبداد و فاشیسم بهر نوعش مبارزه کرده است تا زمانیکه خائنین به ملت و مملکت و فاسدان و شکنجه‌گران را مجازات نکنم از پای نخواهم نشست و این نخستین و مهمترین کاری است که باید انجام دهم.

جناب دکتر بختیار جا دارد. ملت ایران بگویند جانا سخن از زبان ما میگویند در گذشته هم جنابعالی از کسانی بودید که تا قبل از زمامداری با فریاد همین مردم فریاد می‌کشیدید و با ضجه همین مردم می‌گریستید و در رنج و غم و اندوه مردم زجر کشیده و بلا دیده شریک بودید همیشه پرشورترین سخنان و میتینکها از شما شنیده میشده و بی‌باکترین حملات به حکومت استبداد و عمال ظلم و ستم از طرف شما میشد. شما مدعی هستید که دردهای اساسی جامعه کنونی ایران را بهتر از هر کسی می‌شناسید. لابد دردهای گوناگون طبقه کارگر و کشاورزان مملکت را که زمانی نیز دبیر کل حزب زحمتکشان بودید می‌شناسید.

سؤال بنده اینست که آیا تاکنون جنابعالی از کاخ سربلک کشیده ۲ طبقه دوهزار اطاقه وزارت کشاورزی که با هشتصد و پنجاه میلیون تومان از بیت‌المال ملت ساخته شده است بازدید کرده‌اید؟ آیا تجهیزات لوکس و وسایل و تجملات و سالن‌های مبله شده و کمپیوترها و تلویزیونهای رنگی این کاخ را دیده‌اید. آیا میدانید وزارت کشاورزی با داشتن چندین ساختمان معظم استیجاری دیگر که ماهیانه میلیونها ریال به جیب نوپوشمی‌ها و عزیز گرمی‌ها بابت کرایه ریخته‌میشود بجای انجام وظیفه خطیر خویش در جهت بی‌نیازی مملکت از فراورده‌های دامی و کشاورزی باعث نابودی کشاورزی مملکت گردیده است.

البته این نمونه‌ای از دوران تجمل پرستی و ظاهر سازی حکومت‌های گذشته بود که همواره بعنوان سمبل پیشرو و سند ترقی کشاورزی مملکت برخ کارشناسان

خارجی و دست‌اندرکاران کشاورزی که بنا به اقتضای شغلی گاه و بیگاه از این مراکز دیدار میکردند ذکر شده ( اگر فرصت یافتید مطالعه و بررسی گردید سایر وزارتخانه‌ها و سازمانها و ادارات کل نیز از این قماش میباشند) اما سخن اینجاست که تعجب جنابعالی از عظمت و شکوه ظاهری کاخ نخست وزیری امتیازی برای جنابعالی نمیتواند بحساب آید. مسلماً از زندگی مردان سیاسی و خدمتگزاران واقعی جامع بشریت چون نهر و گانبدی و لعل شستری آگاهی دارید و مستحضر هستید که هر کس مدعی تقوای سیاست توأم با خدمت واقعی به جامعه و ملت خویش باشد عقیده‌ای جز این نمیتواند داشته باشد. نهر و نخست وزیر هندوستان در زمان صدارت خویش کمبود مخارج زندگی خود را از نوشتن کتاب تأمین میکرد هر وقت فرصت نوشتن را از دست میداد با تهیستی رویو میشد.

میدانید که پس از جنگ جهانی دوم پیر چرچیل بخاطر آنکه اطاقهای منزلش را رنگ کرده بود مورد شماتت و استیضاح اکثر جراید انگلستان قرار گرفت که چرا وجوهی که باید صرف ضروریات شود بمصرف لوکس و تجملی رسانده است. ( آیا شنیده‌اید پس از فوت خانم ۹۲ ساله چرچیل ملت انگلستان تازه متوجه شد که خانم نخست وزیری که انگلستان را در جنگ جهانی دوم نجات داده است در زمان حیات خود در تنگستی بسر میرید و از طریق فروش تابلوهای نقاشی شوهرش امرار معاش کرده است)

( شنیده‌ام قذافی اعلام کرده است تا زمانیکه همه مردم کشور صاحب خانه نشوند بیدرم که در چادر زندگی میکند خانه نخواهم داد.)

در شرح حال ناپلئون امپراطور فرانسه دیدیم که از قول خبرگزاری آسوشیتد پرس نوشته بود مجموعه‌ای از نامه‌هایی بامضای ناپلئون بناپارت خطاب به ناپسری‌اش ( پرنس اوژن) به مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار ریال بفروش رفت. این نامه‌ها نظارت خستگی‌ناپذیر ناپلئون را بسر حکومت وقت و تمایل مداوم او را به کسب اطلاعات دقیق درباره هر دولتی معلوم میکند. نامه‌ها نشان میدهد که ناپلئون از جزئیات قلمرو خود کاملاً آگاه بود و به محض اینکه بوسیله مأمورین ویژه‌اش از اولب به شکوه و شکایت میکشودند فوراً او را از کار می‌بودعزل و تغییر میداد. مأموران ویژه ناپلئون همه جا در میان مردم بودند و روزانه



مشاهدات خود را به او گزارش میکردند.)

ما چگونه مملکت و ملت و حکومتی داریم که فاسدترین و ستکارترین و خائنترین مسئولان را به تنها هرگز محاکمه و مجازات نکرده و نمیکنیم، بلکه با دهن کجی به مردم، آنها را از سندی به مسند گرم و نرم تر دیگری جا بجا میکنیم. تا دست روزگار خود، مگر آنها را با خود به گوربرد و به عذاب خداوندی مخلدشان سازد.

جناب آقای دکتر بختیار ملت ستم دیده و زجر کشیده ایران اصلاً و ابداً چنین قسم‌هایی را و چنین ادعائی را از شما باور نمیکنند و درد دولت جنابعالی یارا و توانائی چنین اقداماتی را نمی بینند. چه قوای مملکت و قدرت حکومت ناشی از ملت است قطعاً اطلاعیه گروه اقلیت مجلس شورای ملی را که از روزنامه‌های عصر روز ۱۶/۱۰/۵۷ درج گردیده بود مطالعه فرموده‌اید، تصدیق خواهید فرمود بدلائل مندرج در اعلامیه و بنابه مشاهدات عینی و مطالعه و بررسی افکار عامه دولت جنابعالی بهیچوجه من الوجوه از قدرت ملت و حمایت و پشتیبانی گروههای مختلف اجتماعی و سیاسی و مقامات مختلف مملکتی علی‌الخصوص جامع روحانیت و مراجع عالیقدر برخوردار نمیباشند بهمین دلیل اینجانب نیز با اتفاق چند نفر از نمایندگان اقلیت بعنوان اعتراض به این نحوه کارخلاف اصول و خلاف سنت پارلمانی جلسه خصوصی را ترك نمودم. بی‌مناسبت نمیدانم عرض کنم:

خشت اول گرنهد معمار کج

تاثری می‌رود دیوار کج

ولی جنابعالی طی مصاحبه‌ای با خبرنگار بی. بی. سی در تهران چنین فرمودید که در آینده قدرت اصلی حکومت در دست نخست وزیر خواهد بود و اضافه نمودید که برای موفقیت و یا شکست اقدامات خود دو ماهه برای خود مهلت قائل شده‌اید. چنین تصور می‌رود که جنابعالی بر خلاف تصور ملت به قدرت ملت متکی هستید ابداً چنین نیست. هر کس نکند تکیه بر افکار عمومی اوستم حادثه مغلوب نماید.

جناب دکتر بختیار نیک میدانید قدرت در دست ملت است و اکثریت ملت مطیع محض جامعه روحانیتی میباشد درحالتیکه به پیروی از تعالیم مقدس اسلام و دستورات قرآن جز به صلاح جامعه نمایندید. «روحانیت که بالهام از پیشوایان دین و ائمه اطهار چون مولاعلی علیه‌السلام دنبال جاه و مقام و منزلت و مال و ثروت نمیباشد روحانیتیکه مروج تقوی و فضیلت، مروت و جوانمردی و تقوت

و ایثار بوده همانند علی علیه‌السلام در برابر زرق و برق دنیا فریفته نمیگردند.

روحانیتیکه همیشه بر علیه ظلم و ستم و جپاول و غارت و بیعدالتی و فحشا و فساد قیام نموده و خواهد کرد. روحانیتیکه تا کنون باعث بقا و دوام ملک و ملت بوده و خواهد بود روحانیتیکه در تحقق انقلاب مشروطیت ایران سهم بسیار ارزنده‌ای داشته و بموجب اصل اول و دوم متمم قانون اساسی حتی بر تنقیح ورود و تصویب قوانین ایران دارند. روحانیتیکه شعار حسین ابن علی علیه‌السلام را سرمشق زندگی خویش میدانند و مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح میدهند. من کمتر و ناچیزتر از آن هستم که در مقام اجل روحانیت صحبت نمایم ولی میخواهم عرض کنم. بطوریکه فوقاً اشارت رفت ملت ایران اکنون برهبری روحانیت بر علیه ظلم و ستم و جپاول و غارت و بیعدالتی و فحشا ناشی از طرز حکومت‌های مستبد ۲۵ سال گذشته قیام نموده و نادانی و بی‌تفاوتی و بی‌اعتقادی را کنار گذاشته، تلهای جان در تحقق آزادی پیش خواهد رفت.

کدام کوه سر بفلک کشیده ای، کدام دریای خروشان، کدام دشت سرسبزی، کدام گلستان بهشت آسانی به زیبایی و شکوه و عظمت این صفوف فشرده و این انبوه مردمی است که با چشم پرفروغ و مشت گره کرده در خیابانهای ایران راه افتاده‌اند و جان برکف، حقوق از دست رفته خود را، حقوق انسانی خود را، حقوق خداداده خود را می‌خواهند (نیک که بیناندیشیم ملاحظه می‌کنیم که فقط گوش مانیست که این خروش را چون رعد در دل و روح ما می‌ترکاند و ارکان وجودمان را بلرزه در می‌آورد. نیک که بیناندیشیم ملاحظه میکنیم در آزمایشگاه عقل نیز در نهایت خونسردی و دقت و خرد بینی و تحلیل و موشکافی ( قیام مردم دادخواه زیبای تمام زبانان است و عالیترین مظهر شکوه و پرمعناترین تجلی عظمت.

ملتی که در راه آزادی قیام میکند، در راه کمال انسانی قیام کرده است. چه زیبایی، چه شکوهی، چه عظمتی از این بالاتر هست؟

سالهای متمادی است حکومت‌های ظالم و فاسد و بیرحم و حق کش و سودجو و حریص بر این کشور حکمروا بوده است حالا ملت جمع شده است تا با مبارزه، با فداکاری با کشته دادن و زخمی دادن و زندان رفتن و زجر کشیدن، با ظلم و استبداد مبارزه کنند و اینکار را

انجام خواهند داد تا حکومت عادلای زمام امور را در دست گیرد و کشور را اداره نماید. ملت می‌خواهد کسی مصدر کار و مملکت مدار باشد که واقعاً خائنین را بجایزات برساند. اموال بتاراج رفته کشور را بازستاند.

عملاً نشان دهد که دوره قلدری و زور و زجر و شکنجه و آدمکشی و ناخن کشی و کشتن مردم در مدرسه و دانشگاه و حرم و مسجد و در خوف نفت و عابر پیاده، از بچه دو ساله تا پیرمرد هشتاد ساله بسر آمده و دیگر محصلین را بخاطر خواندن کتاب دکتر شریعتی و دانشجویی را بخاطر اظهار عقیده و بیان و عالمی را بخاطر هدایت مردم بسوی اسلامیت و شرافت نخواهند کشت و مجروحان را زنده بگور نخواهد کرد و روز روشن بحریم مراجع تقلید تجاوز نخواهند کرد (و مسلمانان را در منازل آیات عظام تیرباران نخواهد کرد و خشم ملت و غضب خداوندی و تنفر جهانیان را بر نخواهند انگیخت).

با قبول این مطلب ملت ایران چگونه باور خواهند کرد. کسانی که اموال عمومی را بتاراج برده و حقوق و آزادی ملت را پایمال کرده‌اند، مرتکبین آن اعمال بدون هیچگونه مجازاتی در استراحتگاه‌ها از حمایت مقامات عالییه بهره‌مند میباشند، روزی بسزای اعمال خود خواهند رسید. مردم چنین تصور میکنند که مطلقاً عقیده مقامات مؤثر عوض نشده است. در اولین فرصت، گذشته با خشونت بیشتری تجدید خواهد شد. هشتاد درصد ادامه ناآرامیها و انقلاب نتیجه این باور و ناباوری مردم است. مردم می‌پرسند دزدان چرا بعد از فرار ممنوع الخروج شدند؟ جناب آقای دکتر بختیار جنابعالی در خلال بیانات مستدل و عرضه طرحهای کوتاه مدت به انحلال ساواک و محاکمه سریع متجاوزان بحقوق ملت و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و اعاده حیثیت آنان، پرداخت غرامت معقول از طرف دولت به زندانیان سیاسی و بازماندگان آنها و چند طرح فوری شرح برنامه تقدیمی به مجلس اشاره فرموده‌اید:

اگر بتوانید به آنها عمل کنید اندکی از دردهای و جحشتناک و خردکننده که قلب ملت را می‌فشارد تسکین خواهد داد اما این فقط مسکن است نه چاره درد. در حال حاضر درد مادرد اقتصادی است و اگر بآن توجهی نشود، اگر تمام طرحها و برنامه‌های شما که بنده در باره‌اش صحبت نخواهم کرد جامه عمل پس نپوشد، نهیب حریصی اقتصادی که در انتظار ماست تا روپود زندگی ملت را از هم خواهد پاشید. شما از یک چنین وضع خطرناکی مطلقاً صحبت

نفرمودید و فقط بد کرد (اینکه خزانه خالی است) اکتفا کردید. (بقول دکتر مدنی اقتصاد دان معروف هیچ کس منطقی منتظر نیست که شما عصابی موسی در دست داشته باشید که طوفان نیل را بیک اشاره بر طرف کنید و سالم از آن بگذرید اما همان سکوت و وحشتناک شما در مورد وضع اقتصادی کشور نشانگر آن است که اساساً به این مطلب توجه نداشته‌اید.)

آیا شما برای این تورم که چهار نعل روی لاشه نیمه جان کشور مشغول ترکتازی است سدی در نظر گرفته‌اید؟ آیا شما میدانید که تجارت و صنعت مونتاژ این کشور در حال احتضار است؟ آیا مطلع هستید که اگر ذخایر اندکی که برای فراهم ساختن نان و گوشت مردم است تمام بشود، خدا نکرده در کشور قحطی بی‌سابقه‌ای خواهد افتاد. آیا میدانید که رقم اسکناس به میزان ۴۰۰ میلیارد رسیده و رقم قرضه‌ای که بدولت واگذار شده است ۶۰۰ میلیارد ریال میباشد. بطوریکه استحضار دارند بر اثر تعطیل چند ماهه بازار که امور تجارتنی داخلی و خارجی کشور در آن متمرکز است در واقع قلب اقتصاد کشور از تیش افتاده است (و بعلت اعتصاب در گمرکات کشور مبادلات بازرگانی اعم از صادراتی و وارداتی از گردش عادی متوقف و اختلال متعددی در زمینه تعهدات و وصولهای بازرگانی مملکت ایجاد که خواه و ناخواه منجر به عدم تعادل و توازن در دریافتها و پرداختهای خارجی ارزی و همچنین باعث لاوصولی مطالبات داخلی اعم از اعتباری یا تعهدات ناشی از خرید و فروش اجناس در داخل بازار و بین اصناف شهرستانها گردیده است و تصور نمیکنم رکود موجود و اختلالی که در امور اقتصادی مملکتی در حال حاضر بوجود آمده و بتدریج نیز بر میزان آن افزوده میگردد، و بهیچوجه قابل مقایسه با سالهای قبل نبوده و نتیجه این نابسامانی اقتصادی را که چه خواهد شد باید از دانشمندان اقتصادی استعلام کرده) برای هر فرد وطن پرست دردآور است اگر از شما سؤال شود که بچه وسیله و یا چه قدرتی خواهید توانست صنایع بزرگ مادر را از قبیل ذوب آهن و ذوب مس و نیروگاههای اتمی و صنایع ماشین سازی و تراکتور سازی و غیره را که همگی از محل درآمد نفت شروع و قرار بود خاتمه یابند روشن نمائید.

برنامه ریزان مملکت ادعان دارند که خائنین تا ده سال آینده درآمد نفت را که سالیانه ۲۲ میلیارد دلار



میباشد باعقد قراردادهای غیرقانونی و برخلاف اصل ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی پیش فروش نموده اند.

مملکت و ملت ایران در سایه همین خیانتکاران و اسهای کلانی با بهره ۲ درصد به ممالک بیگانه دادند و برای نجات کارخانجات ورشکسته کشورهای غربی صرف خرید سهام این کارخانجات گردید.

و در عوض قروضی با بهره ۹ درصد از بیگانگان گرفتند و کماتقتصاد مملکت را شکستند صدها قرارداد

ضد ملی بستند وزیر تعهدات سنگین خانمان برانداز رفتند آیا شما قادر به لغو اینهمه تعهدات و قراردادهای ضد ملی خواهید بود؟ ابدآ. تنها دولتی میتواند چنین ادعائی داشته باشد که از پشتیبانی قاطع ملت برخوردار باشد و

با آوردن ماده واحده این چنین قراردادها را لغو نماید. آیا علاوه بر ۱ میلیارد دلار بازهم ثروت مملکت را

جهت خرید اسلحه به جیب آمریکا خواهید ریخت؟ آیا شما قادر خواهید بود که اینهمه لوايح وقواتین ضد

مردمی که در دوران خفقان و اختناق به تصویب مجلس شورای ملی رسانده شده لغو نمائید؟ ابدآ چنین

نیست. اگر تاکنون ملت را بحساب می آوردند کار با اینجا نمی کشید که الان موجودیت و استقلال و حاکمیت

مملکت بخطر افتد. اگر بخواهند با کودتا جلو قیام ملت را بگیرند، ملت بپا خاسته از کودتا و کودتاچیان

نمی ترسند. مردم هیچگونه باک و پروائی از معدوم شدن ندارند بلکه میگویند بگذارید ببینند همه چیز و همه

کس را نابود کنند و تنانندهای باقی نگذارند که باز بدست عمال ظلم اسیر شوئند.

با که دادیم دل و دیده به طوفان بلا گویاسیل غم و خانه زینباد ببر

جناب دکتر بختیار بانهایت تأسف تکرار میکنم که جنابعالی در برابر کوهی از مشکلات مملکت روبرو

هستید تصور میرود حل اینهمه مشکل از عهده کابینه شما خارج است.

جنابعالی بهتر میدانید که نابکاران و چپاولگران چون زنجیر بهم پیوسته اند. تاکنون عیارانی تقاضا

میکردند و طراران برسی میکردند. چپاولگرانی به مناقصه میگذاشتند و غارتگرانی برنده میشدند، نادرسانی بر همه

اینکارها صحنه میگذاشتند و بعداً در اطراف این غارتها آقدر تبلیغ میکردند و سرو صدا راه می انداختند تا بتوعی

افکار عمومی را بنفع آن جلب نمایند. دولت هویدا حالش معلوم بود. دولت آموزگار و

شریف امامی و حتی دولت نظامی ارتشبد از هاری که بقول خود برای فرو نشاندن آتش ناامنی آمده بود. نه تنها آتشی فرو نشانند، خود آتشفهای دیگری بر آنها

افزود. برای اینکه نخوست و یا نتوانست خائنین را مجازات نماید) و مرتب این سه دولت با آنکه قانون

اساسی را نامزد کرده بودند ماهها با آن فقط لاس زدند و به بوس و کنار اکتفا کردند). به بازداشتشدگان و

فاسدین و خائنین آزاد و فراری خدمت، و به ملت خیانت نمودند. دولت ارتشبد از هاری و عمال حکومت نظامی

وی بجای تسکین آلام ملت و احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و بجای عبرت و از اعمال و رفتار حکام

خود کامه گذشته، اقدام به تیراندازی و کشتار مردم در کوچه و بازار و حتی صحن حضرت امام رضا علیه السلام

نمود. دولت ارتشبد از هاری دکتر نجاتاللهی استاد دانشگاه را ترور کرد. دولت از هاری شهر مقدس مشهد

بارگاه امام هشتم شیعیان جهان را در تاریخ دهم دیماه با حرکت تانکها و توپهای دوزن و چکمه پوشان

مسلسل بدست که گوئی از سرزمینهای دور برای سرکوبی دشمن آمده اند بمیدان جنگ میدل ساخت و بیش از ۲۱۰

نفر زن و بچه و جوان و پیر را زیر تانک له نموده و سینه مردم بی گناهی که در صف نانوائی و نفت و جهت خرید

گوشت منتظر بودند میشکافت و چندین صد نفر زخمی بجای میگذازد. سیل تانک و توپ و خودروهای پادگان قزوین

و مأمورین مسلح حکومت نظامی بیش از ۱۹۲ کشته و چندین زخمی بجای گذاشت و اسوال و اثاثیه و ماشین های

سواری، و اجناس د کاکین و بازاریان به آتش کشیده شد. اگر فجایع اسفبار و کشتارهای دسته جمعی کرمانشاه

و شیراز و تبریز و اردبیل و گرگان و کاشان، میانه و مرند و سایر شهرهای ایران را بازگو نمائیم از حوصله این مجلس

بدور و مثنوی هفتادین کاغذ شود. دولت از هاری که مدعی تأمین ارزاق عمومی و مواد سوخت و بنزین بود در اجرای

این هدف خیلی کوچک نیز مانند سایر ادعاهای خود شکست خورد علاوه بر اینکه ارزاق و مواد سوختی کمیاب

گردید؛ قیمت آنها نیز بطور سرسام آوری بالا رفت. ملتی که از نظر تولید و صدور نفت مقام دوم رادر جهان دارا

بود، دولتی که خود را عقاب اوپک و مدافع منافع ممالک صادر کننده نفت میدانست اکنون قادر به تأمین مواد

سوختی مردم ستمدیده و محروم در این سرمای طاقت فرسای زمستان نیست.

مردم ایران و ساکنین کوچه و بازار هدفهای دولت از هاری را در عدم تحویل بنزین و نفت بخوبی میدانند. وظیفه دارم قبل از اینکه هدفهای دولت وقت را در زمینه

عدم تحویل مواد سوختی، به مساحت مقدس مجلس روشن نمایم، یادآوری چند نکته ضرورت دارد.

۱- کارگران نفت بارها تأکید کرده اند که نفت به مقدار مورد نیاز داخلی تولید و تحویل میشود.

۲- ایران باید دست کم بمقدار یکسال مصرف داخلی ذخیره سوخت داشته باشد.

۳- دولت در یکماه گذشته چهار ربار اعلام کرده که تولید به مقدار پنج میلیون بشکه در روز رسیده است.

بنابراین وعطف به گفته خود دولت چنین مقدار عظیمی نباید چهارروزه تمام شود.

دولت خود راههای تحویل نفت و بنزین را بروی مردم بسته بود و این اقدام ضد انسانی را بعنوان یکی از

ضربه های خود علیه ملت و انقلاب ملی بکار گرفته بود و از این برنامه هدفهای زیر را داشته است.

۱- وادار کردن مردم به تشکیل صفهای چند کیلو متری و دورنگداشتن آنها از میدانهای مبارزه برای ادامه

نهضت و قیام و انقلاب ملی تا رسیدن به حقوق قانونی خویش.

۲- ایجاد ترس و وحشت و نگرانی در مردم و متمرکز ساختن ایشان بر محور مسائل غیر.

۳- متوقف کردن ترافیک بمنظور عبور تانکها و کامیونهای حامل مسلسل جهت کشتن مردم.

۴- بدین کردن مردم به نهضت ایمان و مبارزات استقلال طلبانه ملت و ایجاد سرخوردگی و دوستگی در

در صفوف ملت. ۵- ایجاد زمینه لازم برای بالا رفتن میزان نفت به قصد تحویل به اسرائیل و اریقای جنوبی.

۶- تهدید مردم به ماندن زباله ها در منازل و کمبود آب و برق و نان و گوشت و بروز عطشی و گرسنگی و مرگ و میر.

خوشبختانه ملت مسلمان ایران تحت رهبری جامعه روحانیت بخوبی از حل این مشکلات برآمدند و از این صحنه آزمایش

روشنه بیرون خواهند آمد. ملت مسلمان خوب میدانند که مسلمانان صدر اسلام در اثر ایثار و گذشت و نصب العین قرار دادن

آیه تعاون علی البر والتقوی و لاتعاونو علی الاثم والعدوان و توأرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة. توانستند

امراطور قدرتمند ایران و روم را واژگون کنند.

جناب دکتر بختیار جنابعالی در برنامه کوتاه مدت خود صحبت از پرداخت غرامت معقول از طرف دولت به زندانیان سیاسی که اکثرآ دچار نقص عضو شده اند و نیز

باز ماندگان شهدا و هم چنین به کسانی که در جریانات اخیر دچار نقص عضو شده اند نموده اید. ولی سؤال من

اینستکه آیا با پرداخت غرامت میتوان حیثیت از دست رفته افرادی که سالیان دراز در گوشه زندان بایدترین

شکنجه جوانی خود را از دست داده اند بازگردانید. آیا میتوان با پرداخت غرامت از مادر پسری که

فرزند جوانش و عصای دست روزگار ناتوانیش را از دست داده است دلجوئی نمود؟ آیا چنین مادری را سراغ دارید

که در مقابل ثمره یک عمر زندگی پر مشقت خود حاضر به دریافت غرامتی از بیت المال ملت گردد؟

آیا داغ دل خواهرانی را که چشم امیدشان به تنها برادرشان روشن بوده ولی امروز از دست داده اند می توان

با پول تسکین داد؟ و یا کمر خنیده پدری را که در اثر غم فرزند جوان از دست رفته اش دو تا گشته با پول راست کرد؟ از این ها گذشته آیا با پرداخت پول می توان

حافظه شخصی را که پیوسته از گذشته او نهیب می زند از کار بازداشت و اسکان یادآوری مصیبت های گذشته را

از وی سلب نمود؟ این ها و هزاران آبی دیگر جوابش منفی است مگر حیثیت و شرف و قومیت و شخصیت آدمی

با پول قابل خرید است؟ در پول قدرتی نیست که خانواده های از هم پاشیده را دو باره سر و سامان دهد و پول

نقش عیسی نیست که مردگان را زنده کند. هیزم سوخته، شمع ره منزل نشود.

باید افروخت چراغی که ضیائی دارد باقتضای وقت و با توجه به مطالب فوق که بعنوان

نمونه اشارت رفت و با عطف به اینکه دولت جنابعالی بهیچوجه از پشتیبانی و حمایت ملی و جامعه روحانیت که

در برگزیده قدرت یکپارچه ملت ایران میباشد بهره مند نیست و با علم به اینکه عدم حمایت ملت عامل اصلی

شکست دولتها در اجرای برنامه های سیاسی و اقتصادی میباشد علیهذا بعنوان نماینده ملت بدولت شما رأی

کبود میدهم باینکه روزیکه ملت ایران مشمول عنایات پروردگار احدیت در بدست آوردن خواسته های خود گردند در

خاتمه وظیفه خود میدانم از مساعی و تلاشهای انسانی هیئت اعزامی از طرف آیات عظام و حجج اسلام به خطه جنوب و

موقیتهائی که در جهت تأمین آسایش ملت نصیب هیئت گردید از جناب آقای مهندس بازرگان و همراهانش کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. (احسن است)







که گواهی شن کلاسه را گرفته و بعضی تدریس علوم دین برای جازوزدن در مدارس و یا ادارات دیگر استخدام شوند نمونه آنها را در کردستان بسیار داریم سالهاست هزینه گزافی در اوقاف ایران نوش جان میشود و علمای منطقه ما را بازچه گرفته هرسال یک یا ۲ بار به بهانه کلاس ترویج و غیره آنها را به رضایه و یاسندج می‌برند و خبری از حقوق آنها نیست و این ثابت میشود که تشکیل این کلاسها نه بخاطر دین است و نه مروجین مذهبی بلکه بخاطر بلعیدن اعتبار کلان و گرفتن فوق العاده و هزینه سفر مأمورین اداره اوقاف بوده و بس. وضع وقت بار کشاورزی ایران را جناب عالی هم اشاره فرمودید و رقم واردات مواد کشاورزی برای آگاهی از وضع آن کافی است. ولی برای بهبود بخشیدن بانسه پیشنهاد دارم

۱- ادغام نمودن بانک توسعه کشاورزی در بانک تعاونی کشاورزی با توجه بوضع بانک توسعه و اینکه تا کنون علاوه بر اینکه کوچکترین قدمی در راه کمک به کشاورزان واقعی بر نداشته بلکه سرمایه بانک را هم به غارت گران بیت المال ملت ایران داده بطرفی که حداکثر مبلغ وام بعنوان وام بلاعوض بوده است مقررات دست و پا گیر را از بانک برداشته که گرفتن وام از آن برای کشاورزان سهل و آسان باشد.

۲- الغای شرکت‌های سهامی زراعی با توجه باینکه دولت هر سال مبالغ هنگفتی ضرر آنرا میدهد و زمین‌ها به صاحبان اصلی آنها واگذار گردد

۳- تجدید نظر در خرید محصولات کشاورزی با مطابقت با هزینه جمع آوری و با توجه به گرانی قیمت ماشین آلات و وسایل یدکی و مزد کارگر کشاورزی در مورد مبارزه فاسدین و فساد که فکرمی کنم اولین برنامه شماس است اگر جناب عالی بخواهید که این مردم ساکت شوند تظاهرات پایان گیرد و مملکت بوضع عادی برگردد آنوقت کارتان را شروع کنید این کارمشکلی است و مردم راضی نمیشوند و موفق هم نخواهید شد فاسدین مملکت تنها کسانی نیستند که در زندان یا فراری هستند این‌ها تیکه بعنوان فاسدین درجه اول مملکت شناخته شده‌اند عمال فاسد فراوانی در ادارات دولتی دارند که هنوز هم دست بردار نیستند و حتی در صف مقدم تظاهرکنندگان و با شعارهای تند در حرکت هستند تا باین طریق بتوانند از خشم و نفرت مردم و بالتجربه از بازرسی و حسابرسی

محموظمانند سازمانهای اضافی بسیار زیادی در مملکت و خارج از مملکت داریم که فقط بخاطر جا کردن و مقام پیدا کردن برای نور چشمی‌ها بوده با توجه باینکه این موضوع مستلزم هزینه گزاف برای مملکت است پیشنهاد الغای آنان دارم در مورد قانون اصلاحات ارضی و قانون حمایت خانواده در عملکرد آنها مسائلی اجرا شده که مخالف دین اسلام و قانون اساسی است در این مورد تجدید نظر بفرمائید اگر لازم بتوضیح بیشتری بود مشروح باطلاح میرسد قانون اساسی وسیله مجاهدین صدر مشروطیت و با نظر تمام روحانیون عالی مقام و آیت الله عظام آن عصر تهیه و تدوین گردیده چه مسلمانی می‌تواند یک جمله خلاف مصالح دین مقدس اسلام را در آن پیدا کند. اگر دولت‌ها و یا دستگاههای دولتی یک مملکت قانون اساسی مملکت را اجرا نکردند مگر می‌شود گفت عیب کار در قانون اساسی است. اگر مسلمانی بوظیفه اسلامیت خودش عمل ننموده این نشانه آن نیست که مذهب اسلام خدای ناخواسته نارسا است بلکه ایمان و اعتقاد آن فرد نارسا است.

در خاتمه توجه شما را به واقعه‌ای که روز سه شنبه گذشته در میروان رویداده و از ذکر جزئیات آن در مجلس شرم دارم معطوف می‌کنم که این قضیه منجر به شهادت یکنفر جوان روستائی بی دفاع و بیگناه و زخمی شدن ۱۱ نفر دیگر گردید که حال یکی از آنها وخیم است. جریان مشروحا تقدیم می‌گردد بمنظور همدردی با مردم نجیب و شریف و میهن پرست میروان که بشهادت خود آنها نماینده واقعی آنها هستم و به اعتراض به این رفتار ظالمانه و وحشیانه تا اعزام یک هیئت از مرکز و تعقیب قاتلین و مسببین در مجلس شورای ملی متحصن خواهم بود و اگر رسیدگی عاجلانه بموضوع نشود به وظیفه قانونی خود عمل خواهم کرد.

رئیس - آقای اشرف حریری بفرمائید.

اشرف حریری - بنام خدای بزرگ

جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم مجلس - در تجزیه و تحلیلی دقیق و عمیق درباره آنچه که ملت ایران در ماههای اخیر در حرکت‌های انقلابی و تظاهرات خود بارها اعلام داشته است، دوجنبه اساسی و مهم جلب نظر میکند: یکی اعتراض شدید همگانی به رواج فساد و غارت بیت المال در حکومت‌های گذشته و دیگری ابراز انزجار و رویگردانی از غرب گرایی شدید و روی آوری مجدد به معنویت و حقیقت اسلام. برنامه ریزان کشور در سالهای گذشته در برنامه‌های تغییر و توسعه، بجای اینکه به آداب و رسوم و اعتقادات مردم و امور معنوی و اخلاقی و عناصر انسانی جامعه و

شیوه زندگی مورد علاقه مردم توجه نمایند و روحیات و خلیقات مردم را در نظر بگیرند، طرز زندگی غریبه‌ها را با نمایشات ظاهری رفاه مورد نظر قرار دادند. بر اساس نظرات جامعه شناسان، در یک جامعه رو بر شد از جمله مسائل مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد، چگونگی سهم کردن همه مردم در فراوانی حاصله از رشد اقتصادی و حمایت از شخصیت فرد در برابر سست شدن روابط خانوادگی و قوم و خویشی و همسایگی است. این مسائل اساسی و علمی هرگز از طرف برنامه ریزان و مسئولان مملکت مورد توجه قرار نگرفت. در حالیکه نوسازی و توسعه و هرگونه تغییرات در شیوه زندگی انسانها، در عین حال که برای رفاه و آسایش بشر امیدهایی ایجاد کرده اما از بسیاری جهات مشکلات فراوانی هم فراهم ساخته است. زیرا این تغییرات، طرز زندگی خانوادگی را که مردم به آن خو گرفته و رضایت دارند دگرگون ساخته و موجب نارسائی‌ها و ناراحتی‌های زیادی میشود. در واقع، شتاب زیاد در امر نوسازی و تغییر شیوه زندگی مردم و غرب گرایی شدید بدون توجه به شرایط اجتماعی و معتقدات مردم، چنان فشاری به طبقات مختلف مردم جامعه ما وارد آورد که امروز عکس العمل آنرا بصورت اعتراضاتی در سطحی وسیع می‌بینیم. دولت‌های گذشته بیبهاغه ضرورت نظارت همه جانبه بر اجتماع در یک دوران سریع توسعه و تحول، اعمال نظارتی شدید بر تمام اعمال و افکار مردم را تجویز و عملی نمودند و اینگونه نظارت و دخالت، موجب سلب آزادی از مردم شده و عرصه را کاملاً بر همه گروه‌های اجتماعی در زندگی تنگ کرد.

بطور مثال، بخاطر مطالعه کتابی، جوانی راسالها محکوم به زندان و تحمل زجر و آزار نمودند و یا بیبهاغه نداشتن برگ نرخی بر روی جنسی پیشه ور مؤمن و محترم و معتقدی را محکوم بپرداخت جریمه‌ای گزاف و درموردی مجبور به تعطیل محل کسب و یا حتی تبعید از محل سکونت و زندگی اش کردند بعضی از مأمورین گارد جنگل‌ها و مراتع، برای دامداران و افرادی که محافظین واقعی و علاقمند جنگلها و مراتع بودند چنان گرفتاریها و ناراحتی‌هایی فراهم نمودند که ذکر نمونه‌ها بی از آنها هم وقت و فرصت زیادی میخواهد. برای کسانی که در حاشیه رودخانه‌ها و سواحل دریاها زندگی میکنند، چنان مشکلات و مضایق باستاد قانون منع صید ایجاد کردند که بسیاری از آنها ناچار به تمسیر شغل و حتی مجبور به ترک دیار شدند. در واقع بعنوان فراگیری راه ورسم جدید زندگی بسبک غربیها، نهادهای اجتماعی و مبانی دینی

و اعتقادات مذهبی و شیوه‌های رفتاری مردم را بکلی نادید، گرفتند در صورتیکه بیبایستی توجه میکردند که حتی پذیرفتن علوم و تکنولوژی و اختراعات جدید و تولیدات و محصولات نو هم باید بدون ایجاد اختلال در زندگی خصوصی و معتقدات مردم وارد جامعه‌ای بشود. لذا عدم آگاهی و توجه برنامه ریزان و مسئولان کشور به حقایق علمی و نظریات جامعه شناسان و متفکرین و شیفتگی شدید آنها به تمدن غرب و عجله و شتابان برای سوق دادن جامعه سنتی ما به غرب گرایی و پیاده کردن برنامه‌هایی که با خصوصیات جامعه ایرانی بیگانه بودند، عوارض جریانهای نوسازی را بصورت ابراز انزجار و رویگردانی مردم از این جریانات ظاهر ساخت.

در اجرای برنامه غرب گرایی افسار گسیخته، به بریدن از سنتها و فرهنگ ملی چنان دامن زده میشد که بعضی از خانواده‌ها تحت تأثیر تبلیغات حتی برای فرزندان خود اساسی خارجی میگرفتند و ظواهر فریبنده تمدن غرب را چنان تبلیغ میکردند که آداب و رسوم و سنن افتخار آمیز باستانی‌اش جشن نوروز و اعیاد ملی و مذهبی بتدریج بیوته فراموشی سپرده میشد و برگزاری جشنهای غربی جانشین آنها میگردد.

برمبنای فرهنگ و تمدن ماسینی غربی، هر کسی در فکر خود بود. برادر نسبت به برادر حتی فرزند نسبت به پدر و ما در خود بیگانه میشد و نظام طبیعی خانوادگی در معرض نابودی قرار داشت در حقیقت هویت ملی ما را میخواستند از دستمان بگیرند. نتیجه و اثرات سوء و شوم بریدن از فرهنگ ملی خود و گرایش سریع بسوی فرهنگ بیگانه، بی اعتقادی و بی ایمانی به معنویات و معتقدات دینی و مذهبی، و ازدیاد روز افزون اعتیاد به الکل و مواد مخدر و گسترش فساد بود تجربه تلخ بیگانگی از فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی که بملت ایران تحمیل میشد بمانشان داد که تمدن غرب که بر اساس مادپرستی بنا شده ولذت جوئی و مصرف پرستی و سودجوئی را جانشین ارزشهای واقعی زندگی کرده به پوچی وین بست میرساند. بطوریکه امروز می‌بینیم ملت هوشیار و بیدار ایران در تظاهرات سیاسی خود تنفر خود را از هر نوع گرایش به غرب و شرق ابراز نموده و علاقه و اشتیاق خود را به مبانی اصیل دین مبین اسلام و مذهب



تشیع و شیوه زندگی اصیل ایرانی اعلام میدارد. مردم ایران استبداد و استعمار را در هر شکل و فرمی که باشند محکوم میکنند. ملت ایران خواستار آنست که براساس دستور اسلامی: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» باید پرهیزکارترین مردم را گرامی‌ترین آنها شمرده و مقامات عالییه و مناصب مهم را به پاکترین افراد سپرد و دست ناپاکان و فاسدان و دزدان را بکوتاه کرد. غارتگران بیت‌المال را به کیفر قانونی رسانید. کالاها و خدمات موجود و ثروت ملی را عادلانه بین افراد جامعه توزیع نمود و در دسترس همگان قرار داد.

شعارهای: احترام به آزادی و زندگی انسانها، ازین رفتن هرگونه اختناق و برقراری عدالت اجتماعی و آزادی زندانیان سیاسی، عدم اتکاء کامل به سایر دولتها که از خلال فریادهای گروههای مختلف مردم ایران در این جنبش بزرگ ملی و مذهبی بگوش میرسد، طبیعی‌ترین حقوق بشری است که قطعاً باید مورد توجه و عمل قرار گیرد.

در جهت مبارزه با فساد، بشهادت همکاران محترم و صورت مذاکرات مجلس، این افتخار را دارم که در همان روزهای اول شروع بکار مجلس در این دوره و در همان زمان اختناق، از پشت این تریبون بصدای بلند خطر رواج فساد شدید و ریختن و پاش در دستگاههای مملکتی را اعلام نمودم و لزوم مبارزه با فساد و مجازات فاسدان و حیو و میل کنندگان اموال عمومی را تذکر دادم. اما آنروزها مسئولین امر حتی حاضر بشدین واقعیت و حقیقتی نبودند. اینک نیز بتأکید اعلام میدارم که مردم سیخوهند دزدان و چپاولگران بیت‌المال و کسانی که قوانین را زیر پا گذاشته‌اند باید سریعاً محاکمه و شدیداً بمجازات قانونی برسند.

حال که ملت ایران خطر مادیگری و غرب‌گرایی شدید را احساس کرده و بار دیگر بمعنویت و حقیقت‌اسلام روی آورده و مراجع عالیقدر تشیع و روحانیت را ملجأ و پناهگاه خود قرار داده‌است، بدون تردید در این شرایط خاص هر دولت و کابینه‌ای که روی کار بیاید، وقتی موفق خواهد بود که از حمایت مراجع محترم روحانیت برخوردار باشد و به قدرت ملت متکی بوده و بنا صحت

گذاشتن به نهضت ملی و مذهبی مردم، برنامه کار خود را براساس خواست مردم تنظیم و مرحله اجرا درآورد. مردمی که بر علیه ظلم و بی‌داد و غارت بیت‌المال فریاد اعتراضشان همچون امواج دریایی خروشان در سراسر ایران طنین‌انداز است. مردمی که دیگر نباید و نمیتوان آنها را و تمایلات و خواسته‌ها و معتقداتش را نادیده گرفت با وجودیکه برنامه اعلام شده توسط دولت آقای دکتر شاپور بختیار در بسیاری موارد، در جهت خواست مردم تنظیم شده‌است اما از آنجا که در این برهه از زمان مردم ایران همانطور که گفته شد تنها دولتی را پذیرا هستند که از پشتیبانی حضرات آیات عظام برخوردار باشند و بلحاظ اینکه دولت ایشان مورد حمایت مراجع عالیقدر و روحانیت قرار نگرفته و از طرف گروه سیاسی جبهه ملی نیز تأیید نشده است لذا بنظر من این دولت نمیتواند پایگاهی در میان مردم داشته باشد و از این جهت قادر به اجرای برنامه اعلام شده نیز نخواهد بود.

تظاهرات روزهای اخیر بر علیه این دولت و بیانیه‌های صادره از طرف کارمندان بعضی از وزارتخانه‌ها مبنی بر مخالفت با دولت و ادامه اعتصابات در کلیه سازمانهای دولتی و ملی و توقف چرخهای مملکت مبین این امر است. بنابراین، بخاطر حساسیت فوق‌العاده وضع کشور و بعلمت اینکه دیگر فرصتی برای تجربه‌ای دیگر و وقت‌گذرانی نیست، و بلحاظ اینکه با اعتقاد من هیچگونه اسیدی برای موفقیت دولت ایشان در جهت اجرای برنامه اعلام شده و حرکت درآوردن دوباره چرخهای از کار افتاده مملکت، وجود ندارد لذا بحث در برنامه این دولت را زاید دانسته و موقع اخذ رأی اعتماد بدولت رأی کیود خواهم داد.

۹- اعلام دستور و تعیین موعده جلسه آینده - پایان جلسه. رئیس - با اجازه خانها و آقایان این جلسه را ختم می‌کنیم، جلسه آینده ساعت ۲/۵ بعد از ظهر امروز و دستور ادامه بحث در برنامه دولت است.

(جلسه ساعت سیزده پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید

## سؤال از دولت بوسیله آقایان دکتر فروزین و دکتر صدیق اسفندیاری

ریاست محترم مجلس شورای ملی

خواهشمند است دستور فرمائید سؤال زیر بدولت ابلاغ گردد تا در مدت قانونی نسبت به پاسخ آن اقدام نماید. کشته شدن دو تن از موکلین اینجانبان آقای حسین اقدادی و رضا ربانی از اهالی بخش رودبار تهران شمیران باعث افسردگی فراوان اهالی منطقه مزبور شده است اصولاً چرا بسوی این افراد تیر اندازی شده و با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز جمعیت را متفرق نکرده‌اند.

## سؤال از دولت بوسیله آقایان دکتر صدیق اسفندیاری و دکتر فروزین

ریاست محترم مجلس شورای ملی

بقرار کسب اطلاع براساس خبر منتشره از سوی خبرگزاری فرانسه‌بهای ریال ایران در برابر دلار آمریکا که در صد کاهش یافته است و این امر در اثر خروج ده میلیارد دلار ارز ایران بوده است خواهشمند است محبت فرموده دستور فرمائید بدولت ابلاغ شود که در ظرف مدت قانونی به این سؤال پاسخ دهد.

سقوط ارزش ریال چه اثرات شومی در تجارت خارجی ایران و افزایش قیمت اجناس مورد نیاز ایران باقی خواهد گذاشت و دولت برای جلوگیری از سقوط بیشتر ارزش ریال چه اقدامی خواهد کرد.

دکتر فروزین - دکتر صدیق اسفندیاری

## سؤال از دولت بوسیله آقای دکتر عبدالسمیع لیوانی

ریاست معظم مجلس شورای ملی

احتراماً استدعا میکنم شوال اینجانب را که بشرح زیر معروض میدارم بدولت جناب دکتر شاپور بختیار ابلاغ فرموده دستور رسیدگی سریع باین امر مهم صادر و امر فرمائید نتیجه را در اسرع وقت اعلام نمایند.

موضوع سؤال - روز پنجشنبه ۱۴ دیماه ۱۳۵۷ آموزگار جوانی از بخش بندرگز در داخل ماشین بر اثر پرتاب نارنجکی بوسیله فرد ناشناس بقتل رسید این آموزگار غلامرضا اسدی عرب میباشد که ساکن گز بوده است بمناسبت درگذشت این جوان در مسجد گز روز شنبه ۱۶ دیماه مجلس ترحیم با شرکت بیش از ده هزار نفر برپا میشود پس از پایان مجلس ترحیم و خروج مردم از مسجد معلوم نیست بچه دلیل ناگهان مأمورین نظامی بروی این مردم تیراندازی میکنند که در نتیجه ۸ نفر کشته و بیش از ۲۰ نفر مجروح میشوند موضوع در صفحه ۴ روزنامه کیهان مورخه ۱۹ دی ماه (۱۰ صفر) درج شده است تقاضا دارم هرچه زودتر باین مسئله مهم که موجب عصبانیت مردم بخش بندرگز شده است رسیدگی فرمائید والا ناچار به اعلام استعفا از نمایندگی مجلس شورای ملی خواهم شد.

با تقدیم احترام - دکتر عبدالسمیع لیوانی - نماینده مردم کرد کوی - بندر شام - بندرگز

## سؤال از دولت بوسیله آقای مجتبی عالمی

ریاست معظم مجلس شورای ملی

با نهایت احترام باستحضار میرساند. حوادثی در تاریخ ۳۰ و ۳۱ آبانماه در دامغان رخ داد که بر اثر اعلام اینجانب آن مقام ضمن شماره ۲۴۹۲۶ - ۱۴/۹/۱۳۵۷ مراتب را بدولت وقت ابلاغ فرمودند ولی متأسفانه مورد توجه مجریان قرار نگرفت.

مجدداً بعلمت عدم توجه دولت وقت حوادثی در تاریخ بیستم و یکم آذرماه ۱۳۵۷ در دامغان و قراعتابمه رخ میدهد



که تعدادی شهید و تعدادی زخمی شده و همچنین خسارات فراوانی به اموال مردم وارد آمده است. مراتب اخیر نیز ضمن سئوالی در تاریخ سیام آذرماه از دولت وقت تقدیم ریاست مجلس گردید که با نهایت تأسف تا کنون پاسخی از دولت دریافت نشده است.

در تاریخ هفدهم و هیجدهم دیماه ۱۳۵۷ حوادثی مجدداً در شهرستان دامغان رخ میدهد که منجر به شهید شدن عده دیگر و همچنین وارد شدن خسارات فراوانی باموال کسبه میگردد.

خواهشمند است بدولت ابلاغ فرمایند در نخستین جلسه مجلس شورای ملی حاضر و به پرسشهای زیر پاسخ دهند.

۱- تعداد تلفات و شهداء حوادث دوماهه اخیر در دامغان و قراء تا به چند نفر بوده؟

۲- تعداد زخمی شدگان این حوادث چند نفر بوده است؟

۳- خسارات وارده باموال مردم در روزهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ آبانماه و ۲۱ آذرماه و هفدهم و هیجدهم دیماه در شهرستانها چه مبلغ میباشد؟

۴- علت العلل وقوع این حوادث چه بوده و برای تعقیب و مجازات مسببین واقعی این فجایع چه اقدامی صورت گرفته است؟

۵- برای جبران خسارات وارده اعم از جانی و مالی مردم در حوادث مذکور چه تدابیری اتخاذ و چه اقدامی بعمل آمده یا خواهد آمد؟

با عرض تشکر- مجتبی عالمی نماینده مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شهرستان دامغان

### سئوال از دولت بوسیله آقای دکتر محمدستاری

ریاست محترم مجلس شورای ملی

آقای دکتر شاپور بختیار در برنامه تقدیمی دولت به مجلس شورای ملی به «خالی بودن خزانه» اشاره کرده اند. از آنجائیکه توضیحات روشنگرانه بیشتری در این زمینه بسیار اساسی جهت آگاهی ملت ایران لازم می باشد، خواهشمند است بدولت ابلاغ فرمائید تا طبق ماده ۱۵۲ آئین نامه به سئوالات زیر پاسخ دهند

۱- میزان چاپ و انتشار اسکناس از اول سال جاری تا این تاریخ.

۲- میزان وصولی مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و سایر درآمدهای دولت تا این تاریخ.

۳- میزان تورم و شاخص قیمتها در ۳ ماهه پائیز سال ۱۳۵۷.

۴- میزان موازنه ارزی در پایان سال جاری.

۵- میزان کسر بودجه در پایان سال و چگونگی تأمین آن (دریافت وام از خارج و یا طرق دیگر)

با احترام- دکتر محمد ستاری نماینده رشت در مجلس شورای ملی

### سئوال از دولت بوسیله آقای دکتر محمدفرزان امیری

سئوال در خصوص وقایع شهر بافت و دهستانهای بزبخان و رابر

جناب آقای دکتر سعید ریاست محترم مجلس شورای ملی در مورد وقایع ناگوار شهرستان بافت که ابتدا منجر به تیراندازی بروی مردم و مجروح شدن عدهای و تیر خوردن یکی از معلمین که در حالت وحشی در بیمارستان کرمان بستری است و روز بعد تخریب و آتش سوزی منازل و دکاکین بطرز وحشتناکی و غارت و چپاول اموال مردم و تخریب اماکن عمومی گردید ابتدا تذکری جهت اعزام آکیبی بمنظور بررسی وقایع و سپس سئوالی از دولت در این خصوص تقدیم ریاست محترم کردم که تا کنون هیچگونه اقدامی بعمل نیامده. لذا مجدداً تذکر و سئوال خود را تجدید و رسیدگی عاجل بقضایا و جواب سئوالات تقدیمی رادارم.

با تقدیم احترام- دکتر محمد فرزنان امیری نماینده بافت

### سئوال از دولت بوسیله آقای دکتر حسین طیب

ریاست محترم مجلس شورای ملی

احتراماً نظر بوقایع اسفانگیز و خونبار که در طول اینمدت بصورت گسترده در سراسر کشور بوقوع پیوسته و هنوز هم با کمال تأسف وجود دارد و پرسشهای مکرری که از سوی اینجانب و دیگر نمایندگان صورت گرفته و متأسفانه تا این تاریخ بدون پاسخ مانده است علیهذا خواهشمند است به جناب آقای نخست وزیر اطلاع داده شود در اسرع وقت در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند و به پرسشهای آینده در زیر پاسخ گویند.

۱- برای تحقق خواستهای انصراف ناپذیر گروهها گروه مردم مملکت بازمه قشرها در زمینه های فرهنگی- اجتماعی سیاسی و اقتصادی بصورت جدی و قاطع که بتواند اعتماد و باور عمومی را بصورت راستین و عملی در کوتاهترین مدت جلب نماید دولت دست به چه اقدامی خواهد زد؟

۲- برای معرفی مسببین و عاملین و محاکمه و مجازات حوادث خونبار بیشمار اسفانگیز در سراسر کشور دولت چه اقدام قاطع و سریع و قانع کننده و آرامش بخش برای میلیونها خانواده داغدار همدرد هم بسته و نگران اینجانب خواهد داد.

با احترام نماینده مجلس شورای ملی- دکتر حسین طیب

### خلاصه تذکر نامه خانمها و آقایان نمایندگان بدولت:

خانم عصمت مشائی پیرو سئوال ازدولت وقت پیرامون مجروح و کشته شدن چند نفر در اراك و قتل و غارت در قریه سنجان بدولت تذکر دادند و خواستار رسیدگی باین حوادث و تعقیب و مجازات مسببین آن شدند.

خانم فرخ لقا بابان راجع بحوادث خونین اخیر سندج که متجاوز از ۱ کشته و ۸ نفر مجروح داشته است و قبلاً از دولتهای مهندس شریف امامی و تیمسار ازهارزی رسیدگی بان وقایع و تعقیب و مجازات مسببین آنرا خواسته بودند و چون تا کنون توجهی نشده است بدولت تذکر دادند و اضافه کردند اگر سریعاً باین قضایا رسیدگی نشود از دهم بهمن ماه در مجلس شورای ملی تحصن اختیار می کنند.

آقای پرویز ظفری راجع به جنایات و فجایعی که اخیراً در نهاوند روی داده بدولت تذکر داده خواستار رسیدگی فوری باین حوادث شدند.

آقای مهندس اردلان راجع به کشته شدن چند نفر در تویسرکان تقاضای رسیدگی کردند.

آقای زرگرزاده راجع به تیراندازی مأموران انتظامی بسوی راهبیمایان شهرستان نقده بدولت تذکر داده خواستار تعقیب و مجازات مسببین حادثه شدند.

آقای دکتر فیروز آبادی راجع به تیراندازی مردم شهر ری در تظاهرات روز دوشنبه ۱۸/۱۰/۱۳۵۷ که عدهای کشته و زخمی شده اند بدولت تذکر داده خواهان تنبیه مسببین آن حوادث شدند.

آقای دهقان نژاد با اشاره به عزای عمومی در روزهای ۱۸ و ۱۷ دیماه که از طرف دولت اعلام شده بود تذکری در مورد تیراندازی به مردم شهر ری که در این عزای عمومی شرکت کرده و عدهای زخمی و کشته شده بودند، تقدیم کرده و خواستار شدند که: اولاً تعداد واقعی آنها اعلام شود. ثانیاً علت این کارروشن و مسببین آن تحت تعقیب قرار گیرند. ثالثاً برای پرداخت غرامت به خانواده شهدا چه اقدامی شده است؟

آقای جعفر حدیری از دولت خواسته اند که هر چه زودتر هیاتی برای رسیدگی به خواسته های ضروری و فوری مردم مهاباد به منطقه اعزام شوند و مخصوصاً با امام جمعه و سایر آیات عظام تماس بعمل بیاورند.

آقای رحیمی لاریجانی راجع به درگیری مأمورین پلیس با مردم و رامین مخصوصاً لجاجت پاسبانی بنام مسعود واحدی که منجر به کشته شدن چند نفر از جمله یکی از دیران بنام کریمی و مجروح شدن عدهای شده است بدولت تذکر داده و خواهان تعویض رئیس شهربانی و رامین و رسیدگی فوری باین واقعه شدند.

آقای ولی الله پیر دبئیال تذکری که قبلاً داده بودند مجدداً راجع به قتل و جرح عدهای از اهالی مراغه و عجب شیر بدولت تذکر دادند تا اقدام عاجل نسبت به تعقیب موضوع بعمل آید.



آقای نصیری زاده در مورد کشته شدن وزخمی شدن گروهی از مردم یزد بدولت تذکر داده وخواستار رسیدگی فوری به این امر شدند.

آقای حیدر زاده پیرونامه و تلگراف قبلی راجع به حوادث خونین شهرهای بناب-مراغه-عجب شیر که منجر به شهادت و نگر از جوانان بی گناه و زخمی شدن عده زیادی از مردم آن مناطق شده است مجدداً به دولت تذکر داده و خواهان پی گیری و مجازات مسببین این وقایع شدند و اضافه کردند «اگر در این کار بازهم تأخیر شود ناچارم از نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی استعفا کنم»

آقای اسحق کاهکش راجع به تیراندازی مأموران ژاندارمری بسوی روستائیان لالی که سه نفر کشته و تعدادی زخمی شده اند بدولت تذکر دادند.

آقایان دکتر سواد کوهی و باقری راجع به کشته شدن یک جوان دانشجو بنام مسعود دهقان در دیماه سال جاری و چند نفر دیگر و مجروح شدن عده ای در شهر شاهی و آتش سوزی و تخریب در آن شهرستان بدولت تذکر داده و خواهان اعزام هیئتی به محل جهت رسیدگی به موضوع و جبران خسارت وارده شدند.

آقای میر عرب رضی راجع به کشته شدگان گالیکش ( صفر علی گلستانی، نریمان نظری، عباس فرقانی، محمودپیر، مهدی زاده، سیاوش ناصری، علی رضاقرمفلو و....) و مجروحین و مصدومین آن منطقه بدولت تذکر داده و تقاضای رسیدگی و پی گیری و مجازات عاملین آن را کردند.

آقای فرمان درمورد گلوله باران شدن مردم کاشمر در حال راه پیمائی در روز عزای عمومی ( که بوسیله دولت اعلام شده بود) بوسیله مأموران شهربانی بدولت تذکر داده و خواهان تعویض رئیس شهربانی کاشمر و تعقیب و مجازات مسببین قتل و جرح مردم در آن منطقه شدند.

آقای اشرف حریری راجع به تیراندازی مأمورین بسوی اهالی روستای نیارقی بخش نمین شهرستان اردبیل در حال راه پیمائی که در نتیجه ۶ نفر کشته و ۱ نفر مجروح شده اند تذکر داده خواهان رسیدگی به موضوع و پرداخت غرامت به خانواده شهدا شدند.

آقای جعفر قاسم زاده راجع به خرابکاری و آتش زدن ادارات و بانکها در رودسر تذکر داده و تقاضای تعقیب متجاوزین را کردند.

آقای ناصر مجتباتی راجع به کشته شدن ۱ نفر و مصدوم شدن عده ای بیگانه در خمین و محلات و غیرقانونی بودن حکومت نظامی در آن منطقه و حمله عده ای ناشناس به اهالی خمین بدولت تذکر دادند و یادآور شدند اگر در مورد مجازات مسببین این حادثه اقدامی بعمل نیاید در مجلس شورای ملی متحصن خواهند شد.

آقای حسن قرائی درمورد رفع مشکل سوخت رسانی بوسیله موتورهای کشاورزی تذکری بدولت دادند.

آقای علی بهنیا درمورد کشته شدن یک دانش آموز و مجروح شدن عده ای از اهالی در شهرستان شاهپور بدولت تذکر دادند و همچنین تذکر دیگری درمورد فراهم نمودن موجبات آزادی پخش گفتار و اخبار در رادیو تلویزیون ملی ایران بدولت دادند.

آقای غضنفری طی تذکری بدولت خواستار اعزام هیئتی به کوهدشت و تحقیق در مورد کشته و مجروح شدن عده ای از اهالی کوهدشت و نورآباد شدند.

آقایان محمد شهرستانی، حبیب بهار، محمود ضیائی، پروفیسور یغمائی، احمد صبوری و خانم افشار جعفری نمایندگان مردم مشهد درمورد مهاجم به صحن مطهر و مرقد مقدس هشتمین پیشوای جهان و حادثه بیمارستان شاهرخ و تجاوز به حریم منزل حضرت آیت الله آقای حاج سید عبدالله شیرازی تذکرنامه ای بدولت تقدیم وخواستار دستگیری و مجازات عاملین این حوادث شدند.